



شرکت کتاب
ketab.com

ایران سبز

ویژه نامه نوروز

۱۴۰۱ خورشیدی - ۲۰۲۲ میلادی

نوروزتالانت پیروز
هزار روزتالانت نوروز





ورای این جهان قابل مشاهده و ملموس، هستی و هوش بی نهایت دقیق، وسیع و نیرومندی «حضور همیشه زنده‌ای» وجود دارد که هیچ کلمه‌ای قادر به شرح کاملی از آن نیست... کتاب «حضور زنده» با نگرشی علمی و عرفانی، و در عین حال با بیانی ساده و دلنشین یک نوع هوشیاری ظریفی را در پس زمینه افکارمان فعال می‌سازد تا با «ذهنی رها» قدم در آن قلمرو سکون و آرامش بگذاریم... همانطور که حافظ می‌فرماید:

جای حضور و گلشن امن است این سرای... زین در به شادمانی و عیش و طرب در آی

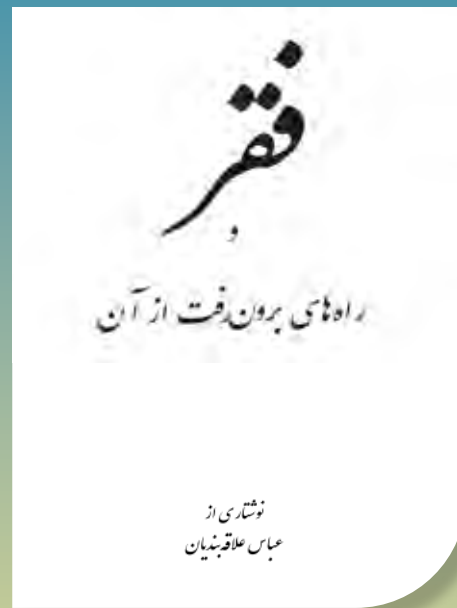
ketab.com



شرکت کتاب

(310) 477-7477

ketab1@ketab.com



عباس علاقه‌بندیان پژوهشگر مسایل اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی، فعال اقتصادی، با تخصص برنامه‌ریزی صنعتی و تأمین بودجه ساکن امریکا.
 نوشتارهایی که از او منتشر شده عبارتند از :
 ● **کلیاتی بر ایمنی و بهداشت در کار**. اهداء شده به سازمان ناپینایان.
 ● **آفریدگار عشق**، با محوریت خودشناسی و خودسازی وجود، برای رسیدن به اخلاق شایسته و نهایتا عشق و یکتاپرستی.
 ● **فقر و راه‌های برون رفت از آن**، از انتشارات شرکت کتاب.



شرکت کتاب
www.ketab.com



کتاب انوسی منظومه‌ای روایی در بیان زندگی یهودیان ایران در میانهٔ عصر صفوی است. بابایی بن لطف در این کتاب از روزگار سخت یهودیان در دوران شاه عباس اول، بهبود نسبی وضعیت آنان در دوران شاه صفی و واقعهٔ تغییر کیش اجباری‌شان در زمان حکمرانی شاه عباس دوم می‌گوید و به رخدادهای مهمی می‌پردازد که یهودیان شهرهای مختلف ایران در فاصلهٔ سال‌های ۱۰۱۶ تا ۱۰۷۲ ه.ق از سر گذرانده‌اند. داده‌ها، اطلاعات و محتوای این کتاب در حوزه‌هایی چون تاریخ، فرهنگ و زندگی اجتماعی یهودیان ایران، تاریخ ایران عصر صفوی، تاریخ ادیان و مذاهب ایران، تاریخ اجتماعی ایران، زبان‌شناسی و گویش‌پژوهی، تاریخ محلی و تاریخ ادبیات ایران حائز اهمیت است.

سرگذشت یهودیان ایران در دوران صفویه و به زور مسلمان کردن آنان

ketab.com
(310) 477-7477
ketab1@ketab.com

Sadaf®

**Happy
Nowruz**



www.Sadaf.com



Shahram Elyaszadeh

Mortgage Banker

11766 Wilshire Blvd., #260, Los Angeles CA 90025

sean@mtgbankers.com

Our Interest is Ultimate Service.

**RESIDENTIAL
COMMERCIAL
SBA FINANCING
BRIDGE FINANCING
CONSTRUCTION LOANS
APARTMENT BUILDINGS
LINE OF CREDIT (SECURED)
PURCHASE OR REFINANCES**

شهرام الیاسزاده

www.mtgbankers.com

310-472-8500



شرکت کتاب برگزار می کند:
دیدار با نوشابه امیری و هوشنگ اسدی
و رونمایی کتابهای منتشر شده آنان

Location:

Flame International

11330 Santa Monica Blvd

Los Angeles CA 90025

310-445-0045

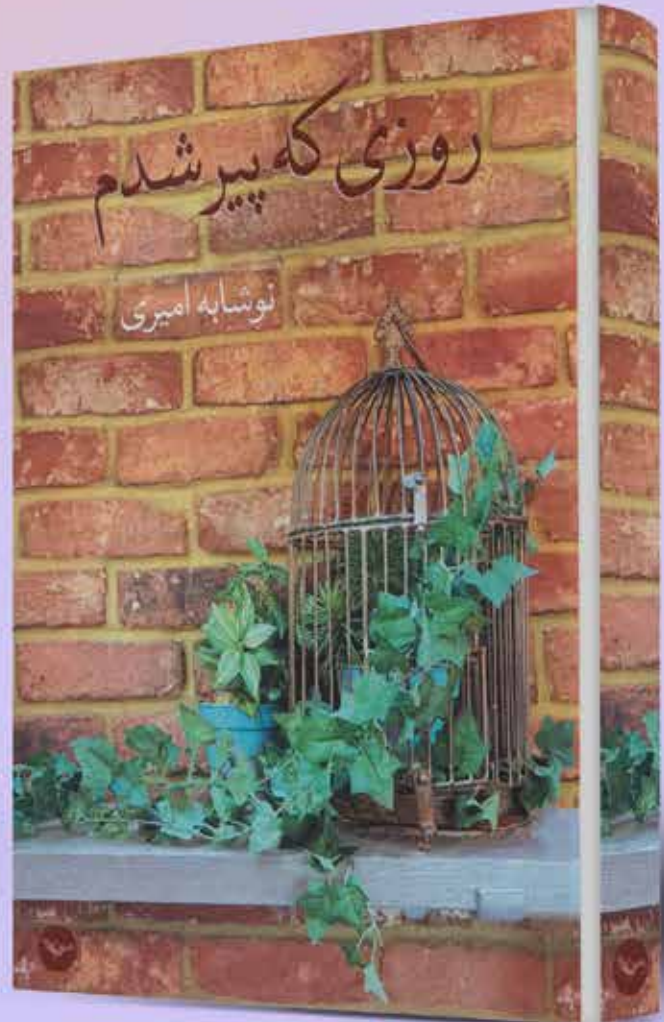
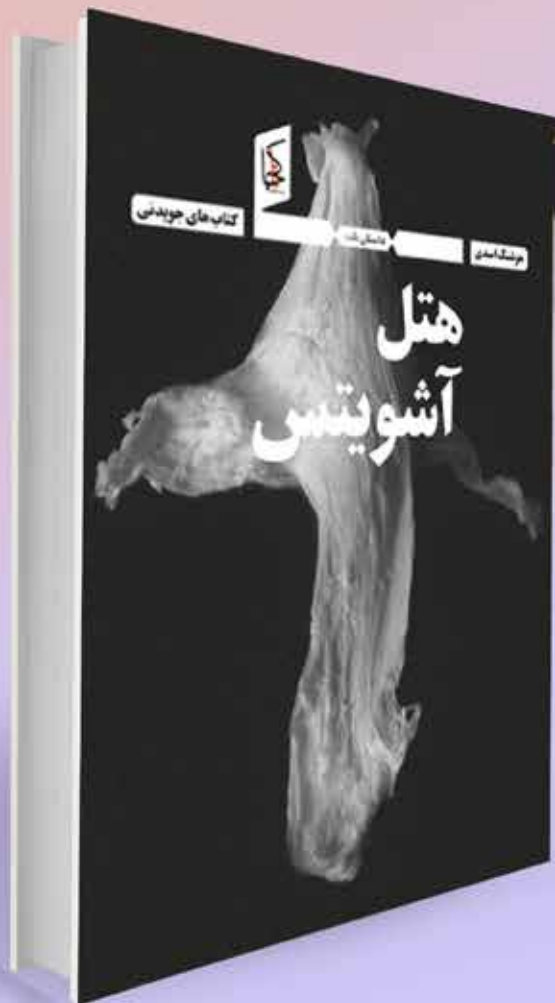
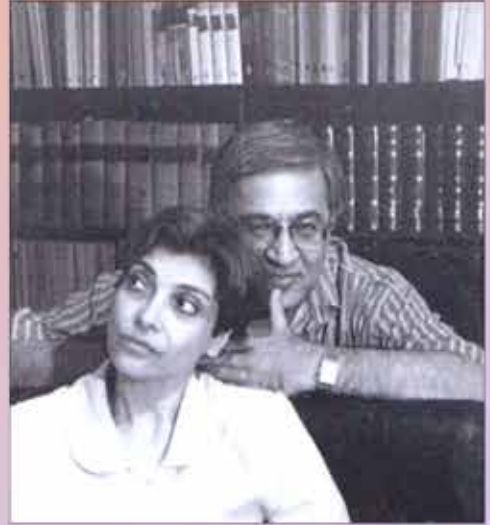
310-477-7477

Date: Sunday April 10th 2022

Time: 4:00 pm - 6:00 pm

Admission: No charge

Parking: No special arrangement





ایرانشهر ویژه نامه نوروز

ویژه نامه های ایرانشهر به مناسبت های گوناگون ملی



ویژه نامه نوروز

مارچ ۲۰۲۲ - فروردین ۱۴۰۱

از انتشارات شرکت کتاب

با همکاری مشاغل وست وود

IRANSHAHR Special Edition
Nowruz 2022

a Publication of Ketab Corporation
with cooperation

Iranian Businesses of Westwood Blvd

بنیانگذار و مدیر مسئول: بیژن خلیلی
زیر نظر شورای نویسندگان
صفحه آرایی و گرافیک: رساباقر
ناشر: شرکت کتاب

- ۲..... نوروز امسال، اینجا - نوروز آینده در ایران - بیژن خلیلی
- ۴..... روزی که وست وود جان میگیرد - بیژن خلیلی
- ۶..... زندگی در گذر است: مهدی آقازمانی
- ۸..... پیام نوروزی پرزیدنت بایدن و همسرش
- ۹..... بی اعتنایی مقامات جمهوری اسلامی ایران به نوروز / پیرایه شبان
- ۱۰..... نوروز و برادران: حمیدرضا حیمی
- ۱۲..... عمو نوروز و وجه زنانه غایب در باروری و نوزایی بهار: پیرایه شبان
- ۱۸..... نگرشی بر بهار به در تاریخ ادبیات ایران
- ۲۱..... بابا نوروز با کوله باری از مروارید های امید: خاطرات ایران درودی
- ۲۳..... نوروز ستیزی در حکومت اسلامی: بیژن خلیلی
- ۲۶..... من به فکر بهار ایرانم: مسعود سپند
- ۲۷..... نیاز نوجوانان به نوآندیشی ما: پیرایه شبان
- ۳۲..... نوروز در زندان های دهه ۶۰: ایرج مصداقی
- ۴۰..... عطر نوروز در خامه شاعران پارسی سرا
- ۴۶..... طرحی که به انجام نرسید: مجید محمدی
- ۴۸..... سرزمین روزها و رویاها: منوچهر کوهن
- ۵۰..... نوروز شاد است، روضه نخوانید
- ۵۴..... بر فراز قله وصال: فریدون فرح اندوز
- ۵۴..... نوروز بعد از جنگ جهانی دوم: مجید روشنگر
- ۵۸..... ایران ما آلوده به ویروس جمهوری اسلامی: احمد تاج الدینی
- ۶۰..... نوروز، نماد اصالت و استقلال فرهنگی ایرانیان: امین اکبریان
- ۶۱..... دست افشانی و پایکوبی نوروزی: سها شریف
- ۶۴..... نوروز آمد - دید و بازدید نوروزی ایرانیان ۲۷ مارچ ۲۰۲۲

باسپاس از

صاحبان مشاغل در وست وود.

پشتیبانان: گالری داموکا - سوپر توچال - رستوران شعله - رستوران شهرزاد - ساندویچ عطاری - گالری عشق - شاطر عباس

دفتر شورای شهر لس آنجلس - پاول کورتز - نانسی شمویلیان

رسانه ها: رادیو ۱۶۷۰ ام - علیرضا حکمت شعار - سینا بیات - لیدا حنایی - طناز فتحی - حسن خیاط باشی - ساسان کمالی - حسین مجید - شیدا مینا - دبی امینی

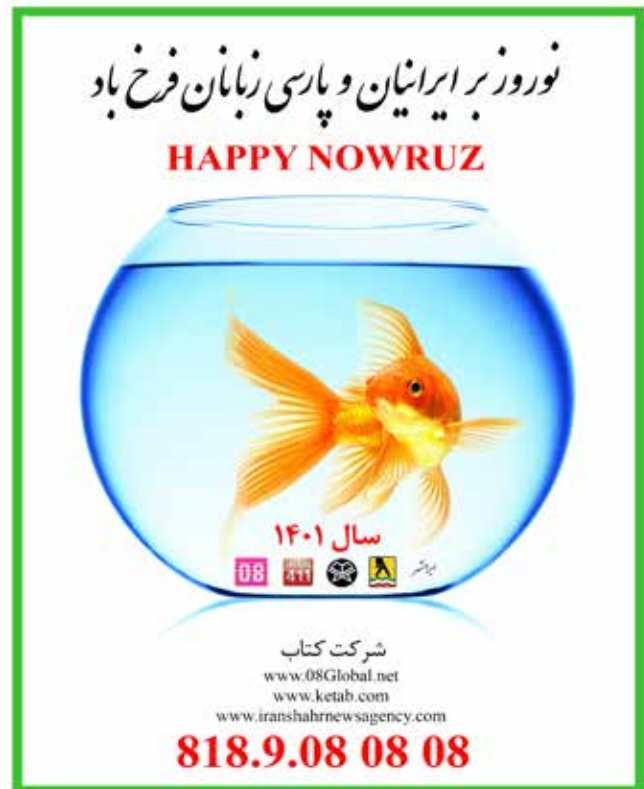
تلویزیونها: صدای آمریکا - ایران اینترنشنال - کانال یک

گرداننده (ام سی) روی استیج - گللاویژ معتمدی

بهمن مجلل - علی خسروی - علی بیگدلی - سفره پروین - پریس و محمد مستشاری - فلیم اینترنشنال

پشتیبانان مالی و آگهی دهندگان: شهرام الیاس زاده - کامران پدید - پیام شایانی - سامان حیدری - دکتر شهلا اصغری - عباس علاقیندیان - محصولات غذایی صدف - دکتر خوشگلم کن - مزده اورندی

- حامد خلج - شان صداقتی - ادن مموریال - پیام کهن باش - بی بی مووینگ - گلدن کالیفرنیا - محمد منفرد - تیم طراحی و تبلیغاتی شرکت کتاب



این شماره ویژه نامه نوروزی ایرانشهر با بهره گیری از نشریات نوروزی ایرانشهر در درازای یک دهه گذشته منتشر شده است



نوروز امسال، اینجا نوروز آینده در ایران

بیژن خلیلی



و به راستی به این آرزو چگونه می‌توان جامه عمل پوشاند، ما که نه توپ و تانک داریم، نه ارتش، نه سپاه و نه قدرت مالی، نه حزب و نه تشکیلات، و حریف، همه این‌ها را دارد و شاید بیش از حدس و گمان‌های ما و تازه از همه مهمتر شانس و اقبال هم نداریم که یک شب بخوابیم و فردا صبح آن در بیداری ببینیم که طلسم این بختک به نوعی که خودمان هم نمی‌دانیم چگونه، باز شده‌است و از حریف دیگر خبری نیست. شاید در ظاهر به نظر برسد که ما برای مقابله با حریف کهنه کار مکار چیزی نداریم که به مقابله برویم ولی اگر نیک بنگریم ما وسیله

قصه نگارنده پس از ۴۳ سال تبعید و دوری از میهن، قلم زنی، افسوس و تاسف خوردن برگزیده نیست و دنبال اگر و مگر هم در تاریخ نیستیم. آن چه که بر ما گذشته است، گذشته و ما را جز آن که به فردای پیش رو بنگریم، چاره‌ای نیست. در آستانه نوروز، روی سختم با کسانی است که داشتن میهنی را که در آن عدالت جاری و ساری باشد، از دیکتاتوری خبری نباشد و یک دموکراسی سکولار به مانند الگوهای غربی در آن برقرار شود و دست آخر ایرانی که منشور اعلامیه جهانی حقوق بشر در آن پذیرفته شده باشد، آرزو می‌کنند.



و یک زبان می‌شوند و آن لحظه خاص است که همه ما را به یکدیگر گره می‌زند و آن لحظه، لحظه تحویل سال است.

و همه این‌ها بدون تعلق داشتن به ایدئولوژی خاصی یا مذهب ویژه‌ای جزو باورهای از هر یک از ما شده‌است و هم این‌جا لازم است که یک پرنتر بازکنم که نگارنده هم با جهانی شدن نوروز موافق است که نوروز را همه جهانیان جشن بگیرند. اما هم این‌جا باید گفت که برای مثال از یک آمریکایی خواستن که بمانند یک ایرانی به آب و آتش بزند و حتی حاضر باشد جان را برای بزرگداشت چهارشنبه سوری در برابر یکی از سفاک‌ترین حکومت‌های تاریخ معاصر به خطر بیندازد، انتظار بیهوده‌ای است.

بنابراین صرف گفتن جهانی شدن نوروز برای این که قند توی دل ما آب کند کافی نیست. ما نخست باید به دنبال خانه تکانی روحی و فکری خود از زنگارهای فرهنگ ضد ارزشی بیگانه باشیم و سپس با استفاده از نوروز که یکدلی همه ایرانیان را سبب می‌شود ایران را آزاد و آباد و سربلند کنیم.

تبعید شدن و مهاجرت ناخواسته فقط برای ما ایرانیان اتفاق نیافتاده است بلکه برای بسیاری از اقوام و ملل، این شرایط ناخواسته رقم خورده‌است. مهم این است که ببینیم ما به کدام یک شبیه تر هستیم تا بتوانیم از الگویی که آنها استفاده کردند، بهره ببریم و در این کارزار پیروز شویم.

و این میسر نیست مگر در افکارمان و اعمالمان، با این نیایش که هر ساله که به هم تبریک می‌گوییم «نوروزتان پیروز و هر روزتان نوروز» و هرروز را نوروز نام دهیم و هر روز به تکرار بگوییم: «نوروزامسال این‌جا و نوروز آینده در ایران».

و ابزاری داریم که از زمان پیدا شدن حریف که عمری ۱۴۰۰ ساله دارد، با آن چه که ما داریم جنگیده‌است و هر چه که در توان داشته، انجام داده که آن را محو و نابود کند و از هر گونه بی‌رحمی و شقاوتی هم دریغ نکرده است. البته تا حدود بسیاری هم موفق شده که ضد ارزشها را به جای ارزشها جا بزند برای مثال تقیه را به جای راستگویی، بزرگداشت مرگ را در برابر نکوداشت زندگی، غم را به جای شادی، گریه را به جای خندیدن و... این‌ها همه از برکت وجود زیجود این ایدئولوژی حاکم و وارداتی بر ما رفته است ولی هنوز که هنوز است برخی از ارزش‌های مانده از نیاکان مان هم چنان پا بر جای مانده است.

یکی از آن ارزشها، نوروز و تمامی دست آوردهای آن است که حریف که بسیار آگاه است و نتوانسته از در جلو وارد شود از در پشت با ترفند جعل حدیث و واژه‌های فرهنگ بیگانه «یامقلب القلوب...» و در تلاش زدودن نوروز و برای از پا در آوردن این آخرین سنگر مقاومت خود را به آن آویزان کرده‌است و گویی انگار نه انگار که از بام تا شام در دروس حوزه و مکتب این جشن باستانی را منکوب و برپاکندگان آن را سرکوب کرده و می‌کنند.

نوروز فقط یک پدیده طبیعی برای ما ایرانیان (منظور حوزه فرهنگی ایران است که شامل بسیاری از کشورهای منطقه می‌شود) نیست بلکه از بسیاری پارامترهای معنوی و مادی در طول قرون متمادی تشکیل گردیده‌است که می‌توان از چهارشنبه سوری، خانه تکانی؛ نو پوشیدن، دید و بازدید، آشتی و صلح برقرار شدن و برقرار کردن، به دامن دشت و صحرا رفتن و با طبیعت هم‌نوایی کردن... نام برد و مهمتر از همه در یک لحظه خاص که همه ایرانیان با یکدیگر یک دل





روزی که وست وود جان تازه می گیرد

بیژن خلیلی



عکس از علی پیگدلی

نخست: داشتن يك تقويم ایرانی که همه باورهای ایرانیان را در بر گیرد و از سانسور دولتی و دستورات دولت برکنار باشد. هزینه آن توسط آگهی دهندگان پرداخت شود که به تواند به رایگان توزیع شود یا ما به اندازه کافی توان مالی داشته باشیم اگر کسی نخواست که با آگهی همراه باشد بتواند آن را از هر جایی خریداری کند.

به جرات می توانم بگویم که شرکت کتاب تاکنون بیش از يك میلیون و نیم جلد تقویم در این چهار دهه با مطالب ملی و میهنی در اختیار جامعه ایرانی قرار داده است و این میسر نمی شد مگر از نخستین کسانی که با ما همدلی کردند و به ما کمک کردند یاد نکنیم. داریوش و پرویز فآخری برای چاپ تقویم و منصور سلامتی برای چاپ جلد تقویم و آقای مارك عاملی وکیل دعاوی که نخستین آگهی دهنده به این تقویم بود و همه اینها، آغازش در نوروز ۱۹۸۱ یعنی ۴۱ سال پیش اتفاق افتاد.

دوم: دید و بازدید نوروزی یکی از ماندگارترین رسوم، یادگاری از نیاکان ما است. بدینوسیله غبارهای روابط سال قبل را با مهر و دوستی جایگزین می کنیم. در خارج از ایران به دلیل کمبود وقت و نبودن تعطیلی در این ایام انجام این مهم بسیار مشکل است. بنابراین می بایست در یکرورز همه بتوانیم در يك محل این کار را انجام دهیم. با الهام از نیاکانمان در سال ۲۰۰۳ به شهرداری وست لوس آنجلس رفتیم و از آن ها خواستیم نخستین یکشنبه هر سال را اجازه دهند که بخشی از خیابان وست وود را ببندیم و خوشبختانه با همکاری علی اکبر حلمی و مشاغل وست وود این کار به سامان رسید و نتیجه آن خیل ایرانیانی است که در وست وود در نخستین یکشنبه هر سال به دیدار هم می آیند و بخشی از وست وود را نیز شهرداری به همین دلیل Persian Square خوانده است.

سوم: کتابفروشی شرکت کتاب همهگانه برای نوروز حالتی خاص به خود گرفته است. و نوروز با کارت های تبریک نوروزی و کتاب های ویژه جشن نوروز و برقراری هفت سین و شیرین کام کردن بازدید کنندگان جلوه ای خاص به این کتابفروشی داده و می دهد و اکنون که بیش از ۴ سال است که آنلاین آن را تجربه می کنیم

آن وقت ها نوروز که می خواست از راه برسد با خودش پیام های بسیاری را به همراه داشت. خانه تکانی، ظروف مسی را صیقل دادن، هدیه خریدن، لباس شب عید دوختن و کفش و کلاه تازه خریدن، و بعدش برای اقوام دور و نزدیک و همکاران اداری و سفرکرده ها کارت تبریک خریدن و پست کردن، کمی جلوتر وسایل سفره هفت سین خریدن و سبزه سبز کردن و دریافت کارت های تبریک از اینور و آنور و انعام پست چی را دادن و هدیه به سپور محل و بعدش هم چهارشنبه سوری و از آتش پریدن و قاشق زنی و ... و خرید تقویم اقبال و البته بعدها گرفتن رایگان تقویم بانک ملی بلافاصله سال تحویل و دور سفره نشستن و گوش دادن به شاه و ملکه در رادیو و البته بعدها دیدن تصویرشان در تلویزیون و بعد تعطیلی مدرسه و اداره و کاسبی و چند روزی مسافرت کردن و یا اگر به سفر نمی رفتی دید و بازدید از فامیل و دوستان و دست آخر هم سبزه را بدر می کردی حتی اگر باران سیل آسا می آمد و بعدش هم روز از نوروزی از نو، درس و مشق و مدرسه و اداره و کار تا سال بعد.

براستی هر يك از ما دهها خاطره شاید هم صدها خاطره را در سینه داریم از این همه وقایع ریز و درشت نوروزانه و بازگو نشده. ما خود تبعیدی ها یا فراری ها که به خارج از میهن مالوف پرتاب شدیم و در همان سال های اول و دوم بعد از انقلاب هر يك در گوشه ای از این جهان پهناور ساکن شدیم تقریباً هیچ يك از امور فوق را انجام ندادیم و دیگر نمی دادیم چرا که اصولاً شرایطش را نداشتیم ولی در طی سه دهه به شکرانه فرهنگ دیربای ایرانزمین و همت هر يك از ایرانیان و عاشقان نوروز، این خجسته رسم و سنت ملی در خارج از ایران، به بهترین صورت ممکن جشن گرفته می شود و همه و همه پیر و جوان در آن سهیم هستند نوروز از طرف بسیاری از ملت ها و دولت هایی که در آن زندگی می کنیم شناخته شده است و رییس جمهور آمریکا نیز چند سالی است که پیام نوروزی به ملت ایران و نوروز ایران می دهد.

من شخصاً به سه کاری که شرکت کتاب در طول این سال ها در خارج از کشور ویژه نوروز انجام داده است و بالندگی فرهنگی بسیار با خود به همراه داشته است افتخار می کنیم.



شان صداقتی

مشاور آگاه و صدیق شما در

ایدن مموریال پارک

آن هنگام که همسر و فرزندان ما در
اندوه از دست دادن ما هستند،

چه غم انگیز است برای آن ها

جستجوی آرامگاهی برای ما

بهتر نیست که ما در زمان حیات خود برای
آرامش خاطر آنان از هم اکنون چاره جوئی
کنیم و با صبر و حوصله و با انتخاب خود و
قیمتی ارزانتر و حتی با شرایط اقساط بدون
بهره آرامگاهی برای خود قبلاً خریداری کنیم؟

برنامه ریزی قبلی اینگونه مسائل نشانه عشق و علاقه ما به عزیزانمان است

Eden Memorial Park

ایدن مموریال پارک

(818) 326-4040

LIC.# 0H03129



دست روزگار سبب شد که چند سالی با دکتر مهدی آقازمانی همکاری مستمر داشته باشیم و سپس او برای آینده ای بهتر که حق مسلم او بود و شایستگی آن را هم صدای آمریکا پیوست

زندگی در گذر است

دکتر مهدی آقازمانی



گویی همین دیروز بود که توپ تحویل سال قبل را در کردند. می بینید چه زود می گذرد! زمان را می گویم... سر که می چرخانی می بینی عقربه های ساعت زودتر از تو چرخیده اند و تا تو خواسته باشی به خود بجنبی آنها گوی سبقت را از تو ربوده اند.

این چه حکمتی است که تا به خود می آیی می بینی از گذر ایام جز افسوس به عمر رفته هیچ برایت به جا نمانده است. و عجیب که باز سال تازه را با بهار و قیلوله خواب غفلت آغاز می کنیم. تا در آخرین روزهای سال باز هم ما مانده باشیم و هزار هزار کار نکرده، تعهدات بر زمین مانده و تقویم خط خورده...

با این حال باز نوروز می آید گویی هر سال با شکوه تر سال پیشین و چه عجب که این قصه مکرر، هرگز تکراری نمی شود. اما گاهی این ایام شیرین تر از قند، بغضی در خود نهفته دارند که با همه دلنشینیشان قطره اشکی بر گوشه چشم به یادگار می گذارند.

نمی دانم شما که خواننده این آخرین نوشته هستید آیا عزیزی در دور دست دارید و یا خود عزیزی هستید که در دور دست واقع شده اید؟ که اصولا بسیاری از ما که از سر اجبار جلای وطن کرده ایم هر یک عزیزان بسیار در خاک پر مهر و وفای وطن داریم و پر واضح چه بسیار تر آنان که ما را عزیز می دارند و امروز در آن دیار غم گرفته، به دور از ما زندگی می کنند. کسانی که آرزو داشتند تا با ما بر یک سفره هفت سین بنشینند و شیرینی بوسه های نوروزیشان را با ما و ما با آنها قسمت کنیم. مادری که این روزها جوان نوباوه اش را دور از خود دارد، پدري که ثمره زندگی اش امروز در غربت است، خواهری که برادر از جان عزیز ترش در این سوی دنیاست و برادری که خواهر نازنینش امروز هزاران مایل دور تر از او بایده به بهار سلام کند.

قصه نوروز با همه شادی هایش به فصل مهاجرت و هجران که می رسد غم بار می شود... و بزرگترین عید باستانی ایرانیان دلیلی برای اینکه هریک از ما دمی احساس کنیم غصه ای قلبمان را فشرده است و قطره اشکی که بسیاریمان در این سال ها بخوبی یاد گرفته ایم چگونه پنهانش کنیم مژگان چشمانمان را تر کرده است.

می شناسم بانویی را که در سال رفته پدرش در ایران دارفانی را وداع گفت و او که شیره جاننش بود نتوانست بر بالین محتضر پدر باشد تا در واپسین دم گرمای دستانش آرام بخش قلب خسته او گردد.

می شناسم پسری را که مادرش در ایران این روزها در بستر درد دوری از او زمینگیر خانه است او را یارای بازگشت نیست تا عصای دست آن مادر مهربان باشد.

می شناسم دختری را که نبودش در کنار پدر در این سال ها موهای بابای استوار چون کوهش را به یک باره سفید کرد.



MICHAEL M. PARTO
AN ACCOUNTANCY CORPORATION

موسسه حسابداری و حسابرسی مایکل پرتو
حسابدار قسم خورده

323-574-4818

Fax: 323-954-1371

mehrdadprto@earthlink.net

- تنظیم گزارش های مالیاتی برای شرکت ها، تراست، ال سی، پارتنرشپ، فردی و انحصار وراثت
- کلیه امور حسابداری
- خدمات و یاری به انجام حسابها مربوط به گوئیک بوک QuickBooks
- مشاوره در کلیه امور حسابداری
- کلیه امور حسابرسی برای کارمندان که می خواهند سهامدار شرکت بشوند
- ارزشیابی بیزینس برای دامپزشکان و بیزینس های خصوصی
- دفاع در برابر آدیت اداره مالیات
- انطباق پرونده های مالیاتی شما با سیستم دولت فدرال، ایالتی، کانتی، شهر و موسسات محلی برای دریافت گواهی لایسنس بیزینس و یا به روز کردن آن.
- کلیه امور حسابداری پرداخت حقوق کارمندان و کارگران
- انجام حسابرسی معاملات خارجی بر اساس FBAR



ما همه تسهیلات لازم را برای انجام کار حسابداری شما بدون این که حضور فیزیکی شما لازم باشد فراهم آورده ایم.



می شناسم برادری را که نتوانست در مراسم عروسی خواهرش در وطنش حاضر باشد و نخستین بوسه را بدرقه او در راه خانه بختش کند و می شناسم خواهری را که همه سهم شادمانی اش از موفقیت برادر جوانش در کنکور فقط تیریکی تلفنی بود.

و شمایی شک از این قصه آنقدر شنیده اید و صد البته خود آنقدر در چنین قصه هایی زیسته اید که استمرارش جز کسالت و اندوه حاصلی ندارد.

اما راستی مگر گناه ما مهاجران از سر اجبار چیست که اینچنین تاوانی را از ما باز ستانده اند؟ جز آنکه خواسته ایم ندای حق طلبی باشیم؟ جز آنکه خواسته ایم نخستین حق انسانیمان یعنی آزادی عقیده و قدرت بیان آن را بدست آوریم؟

آه که آزادی چه کالای گرانبهایی است که در سرزمین مادری من ایران اینچنین برایش توان می ستانند.

عزیزان جان و مخاطبان آخرین نوشته سال ۱۳۹۰ خورشیدی، شمسی، هجری و یا هر اسمی که دوست دارید... یا شما هم مانند بسیاری از فعالان عرصه های سیاسی و اجتماعی از عزیزانتان دورید و یا به لطف خدا و قسمت دوران اینک ایشان را در کنار خود دارید. هر کدام که هستید، بیایید شادی ها و مهربانی مان را با هم بر هفت سین خانواده ای بگذاریم که از کنار هم بودن یکایک ما در این کشور تشکیل شده است.

قدیمی تر ها؛ جوانترهایی را که تازه مجبور به هجرت شده اند فراموش نکنید. یادتان نرود سال ها پیش که خودتان به این سرزمین پناهدید با چه مشکلاتی مواجه بودید. شاید دست دوستی شما و لبخند محبتتان پر می کند خلایی را که آنها در دوری از خانواده ها و وطنشان به آن گرفتارند. قبول کنید آنها که هنوز گرد غبار هجرت را بر سر و روی دارند، به امید روی باز شما این خانه دوم را برگزیده اند.

سخت است خیلی سخت که بدانی تو در آستانه سیاهی شب به همان لحظه تحویل سالی دل بسته ای که عزیزانت در سرزمین جمشید جم در تابش بی قرار آفتاب اول فروردین به آن نگاه می کنند. سخت است وقتی می دانی پس از حال و احوال نوروژی، وقتی تلفنت را با مادر و پدرت قطع می کنی هم آنها اشک خواهند ریخت و هم تو گریه خواهی کرد.

بیایید آنها را که تازه وارند به شرط خواسته های معقولشان چون جان که نه از جان عزیزتر داریم و امید که کسانی هم عزیزان ما را در هر کجا که غریب باشند عزیزدارند.



پیام نوروزی

متن کامل پیام مکتوب جو بایدن و همسرش به شرح زیر است:



روح آغازهای نو و سرور نوروز، در سفره هفت‌سین خود ما در کاخ سفید بازتاب یافته و نشانگر امیدهای مان برای سال نو است. این به رسمیت شناختن و تجلیل از فرهنگ‌ها و دوستی‌های پویای بسیاری از جوامع دیاسپورایی ما در آمریکا است که هر روز خدمات خارق‌العاده‌ای ارائه می‌دهند و اساس ملت ما را استحکام می‌بخشند.

به همه کسانی که [نوروز را] جشن می‌گیرند: عید شما مبارک! نوروز را به شما شادباش می‌گوییم.»

«من و جیل، برای همه کسانی که امروز نوروز را در ایالات متحده و سراسر جهان - از جمله در ایران و سراسر خاورمیانه، در آسیای میانه و جنوبی، در قفقاز و در اروپا - جشن می‌گیرند، بهترین‌ها را آرزو داریم.

مناسبت نوروز خانواده و دوستان را سر یک سفره گرد هم می‌آورد تا قدران عزیزان مان باشیم، موهبت‌های مان را برشماریم، وعده‌های غذایی و هدایایی را به اشتراک بگذاریم، بر سالی که گذشته است تأمل کنیم و به پیشواز فرارسیدن بهار و فرصت‌های فصلی تازه برویم.



بی‌اعتنایی مقامات جمهوری اسلامی ایران به نوروز



نوروز در عراق

پیرایه شبان

در زمانی که ملت ایران و ملل دیگر نوروز باستانی و آغاز بهار و سرسبزی را جشن می‌گیرند، آقای رئیسی، ریاست جمهوری اسلامی در جلسه‌ای عمومی سفره نوروزی را در کنار خود نداشت. و این در حالیست که بایدن ریاست جمهوری امریکا در کاخ سفید نوروز را جشن گرفت. آقای رئیسی در زندگی شخصی خود حق انتخاب دارد اما به عنوان به اصطلاح نماینده مردم ایران و نیز ادای احترام به روح نیاکان و شعرای ماکه در طول قرون و تاریخ نوروز را ستوده، سروده و با شور و شوق بسیاری جشن گرفته‌اند، نمی‌بایست این مراسم و جشن فرخنده را نادیده بگیرد. ریلکه شاعر اتریشی چه زیبا گفته است که برای رویش و آفرینش می‌بایست به ژرفا و عمق «ریشه» های [شخصی و فرهنگی] خود برویم و از آنجا آغاز کنیم. آقای رئیسی می‌تواند ریشه‌های ایرانی خود را انکار کند. اما ایرانیان با وجود همه فعالیت‌های ریشه‌کن‌سازی و فقر و فلاکت و محرومیت ناشی از این نظام با تنها منبعی که همچنان با آن پیوند دارند و از آبخور آن سیراب می‌شوند همین ریشه‌ها و مناسک با ارزش فرهنگی است.



نوروز در اسرائیل



نوروز در ترکیه



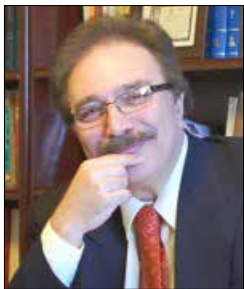
نوروز در باکو



نوروز در افغانستان



نوروز در آذربایجان



نوروز و برادران

طنز نوشته ای از: حمیدرضا رحیمی

www.hazl.com

امام صادق (ع) به یکی از اصحابش به نام معلی بن خنیس درباره عید نوروز فرمود: «ان یوم النبیروز هو الیوم الذی اخذ فیہ النبى (ص) لامیرالمومنین (ع) العهد بغدیر خم... و هو الیوم الذی ظفر فیہ باهل النهروان... و هو الیوم الذی یظفر فیہ قائمنا اهل البیت».

نوروز، روزی است که پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم برای ولایت امیرالمومنین (ع) از مردم پیمان گرفت، روزی است که آن حضرت بر خوارج نهروان پیروز شد و روزی است که قائم ما اهل بیت (علیهم السلام) ظهور خواهد کرد... (۲)

و اما سایت مقدس دیگری که گویا تازه اندکی هم معتدل تر است، در همین راستا نوروز را کم و زیاد و مقدمه اسلامی کردن آنرا می چیند: (۳) در روایتی که معلی بن خنیس از امام صادق (ع) روایت کرده، حضرت بزرگداشت این روز را به خاطر وقایعی می داند که در این روز اتفاق افتاده است.

ابن فهد حلی می نویسد: «روز نوروز روزی جلیل القدر است... به این روز عباداتی تعلق دارد که مطلوب شارع است».

و نیز یکی از محققان می نویسد: «اسلام عید نوروز را نه به طور کلی رد نموده و نه به صورت کلی قبول کرده است. بلکه اسلام یک سری از کارهای خوب نوروز که جنبه الهی داشت! و سعادت بشر در آن بود قبول کرد! و به آن جهت شرعی و اسلامی داد و جهات منفی و بدش را که بوی شرک و خرافات و انحراف می داد ممنوع نمود».

اما دم خروس که علامه! مجلسی باشد را، نمی تواند پنهان کند: علامه مجلسی پس از نقل روایات فراوانی در خصوص نوروز و اهمیت این روز، در روایتی مخالف با روایات سابق می نویسد:

امام موسی بن جعفر (ع) خطاب به منصور دوانیقی فرمودند: «من روایات رسول خدا (ص) را جستجو کرده ام اما برای این عید روایتی نیافتم. این روز سنت ایرانیان است که اسلام آن را محو کرده است و پناه بر خدا که ما بخواهیم آن را احیا کنیم».

و سرانجام، به میمنت و مبارکی و با تأییدات حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا روحی فداه، نوروز نیز لچک به سر، به آئین حنیف مشرف و صیغه اسلام عزیز می شود:

آداب نوروز: در خصوص روز نوروز در روایات مختلف آداب گوناگونی ذکر شده است که به پاره ای از آن ها به صورت مختصر اشاره می شود:

۱- نماز نافله، یک نماز چهار رکعتی پس از نماز ظهر و عصر روز نوروز و دعا کردن در سجده این نماز که موجب بخشش گناهان می شود.

۲- غسل کردن و پوشیدن لباس تمیز و استعمال بوی خوش. در روایتی امام صادق (ع) می فرماید: «روز نوروز غسل کن و پاکیزه ترین لباس هایت را بپوش و خود را با بهترین عطرها خوشبو کن».

۳- ذکر گفتن خصوصاً ذکر «یا ذی الجلال و الإکرام»

۴- روزه گرفتن.

نوروز گرامی بدون تردید، هیچ کاری به کار برادران ندارد یعنی، اصلاً تحویل شان نمی گیرد! لکن فدوی نمی داند که مؤمنین عزیز، حضرات آیات عظام و حجج اسلام و توابع سببی و نسبی آنان کثرت الله امثالهم، از جان نوروز چه می خواهند؟

این دو، گفتن ندارد که مانند جمهوری و اسلام تا پایان جهان نیز مانعة الجمع اند و هرگونه تلاشی در این راستا، عرض خود می برد و زحمت ما می دارد.

این نیز البته گفتنی است که حضرات پیش از این، مراتب مهر خود را به این پدیده ماندگار و متعلقات آن، که اینک دیگر جهانی شده است، به شیوه های گوناگون ابراز داشته اند. اینان حتی از بردن نام اجزاء آن نیز اکراه دارند. آیا شما خواننده محترم ضد انقلاب تاکنون، برادری را دیده اید که به چهارشنبه سوری نگوید:

چهارشنبه آخر سال؟!...

باری - از مقام معظم رهبری، ادامه الله ایامه و نصر اعلامه و اجری بالخیر اقلامه، آغاز کنیم که از تخت جمشید که رشک جهانست، به مشتت خرابه یاد می کند و پیش از آن نیز فرزند معنوی حضرت امام (ل) یعنی آیت الله مطهری طی مَهملات داهیانهای هم به نوروز و هم به مردمی که شدیداً دوستش دارند، چنین مهر می ورزد:

«چهارشنبه آخر سال شمسی می شود، بسیاری از خانواده ها که باید بگوئیم خانواده احمق ها، د یا لله!.. آتش و هیز می روشن می کنند بعد آدم های سر و مَر و گنده با هیکل های چنین و چنان، ای آتش زردی من از تو - سرخی تو از من. و این چقدر حماقت است... قرآن می گوید اگر هم پدران گذشته تان چنین می کردند شما وقتی می بینید یک کار احمقانه است و دلیل خیریت پدران شماست رویش را بپوشانید، چرا این سند حماقت را هی سال به سال تجدید می کنید...» (۱)

(تأکید ها از فدوی ست)

در نوروزهای گذشته نیز برادران کوشیدند که در سایت های خود، از طریق ائمه اطهار رضوان الله علیهم اجمعین، رابطه ای هر چند آبکی، بین این دو پدیده ی مانعة الجمع، که هیچ ضرورتی هم ندارد، برقرار فرمایند:

عید از منظر امیرالمؤمنین (ع):

عید از نظر علی (ع): «هر روزی که در آن روز، معصیت خدا نشود و گناه ای انجام نگیرد، آن روز عید خوانده می شود.

«کل یوم لا یعصی الله تعالی فیہ فهو یوم عید» (۲)

روایت شده است: چیزی به رسم هدیه نوروزی خدمت امیرالمومنین (ع) تقدیم شد، حضرت پرسید: این چیست؟ عرض کردند: یا امیرالمومنین! امروز نوروز است.

فرمود: هر روز را برای ما نوروز سازید! (۳)

برادران، امام جعفر صادق (ع) را نیز البته، از قلم نیانداختند که فرمود: عید نوروز از منظر امام صادق (ع):



۵- دعا کردن در لحظه تحویل سال .

این گناه را تنها بازدید کننده مومن و البته کاتولیک تر از پاپ، به سایت اخیر نبخشیده و آنرا به یکسونگری متهم و مرقوم داشته است :

«متاسفانه مقاله مزبور مدارک را با اجتهاد بررسی نکرده است! با وجود روایات وادله نافیه چگونه به خود اجازه داده یک سو نگری نموده و اسلام را موافق با عید نوروز جلوه دهد؟ و چون قسمت ارائه نظرات محدود است به چند کتاب و مقاله در باب رد اسلامی بودن عید نوروز اشاره می شود (۱) المعلی بن خنیس شهادته ووثافته ومسنده تالیف حسین ساعدی که روایات را بررسی نموده و ضعف آن را بیان کرده (۲) مطلب مرحوم علامه شعرانی در تضعیف و اضطراب متن روایت معلی (۳) مقاله‌ای در شماره ۷ نور علم سال دوم (۴) رساله (بحث فقهی استدلالی حول النیروز) تالیف ماجدالکاملی و... انشاءالله با احتیاط دین خدارا ارائه دهیم!»

و اما ۷ سین قرآنی!

حضرت آیت الله سید محمدعلی علوی گرگانی در سال تحویل مقدمتا مؤمنین را چنین دنبال نخود سیاه فرستاده است :

- در روایات سفارش شده که در هنگام تحویل سال سیصد و شصت مرتبه! ذکر یا محول الحول و الاحوال الی آخر خوانده شود!

اگر خواندن دعای مبارکه فوق هر بار تنها یک دقیقه زمان ببرد، پیدا کنید قیافه دوستان را در هنگام تحویل سال، ۳۶۰ دقیقه یعنی ۶ ساعت بعد!

قضیه البته فقط به اینجا ختم نشده و در ادامه «هفت سین قرآنی» را به شرح زیر توصیه می فرماید :

... از هفت سین قرآنی که امیر المومنین علی علیه السلام دستور داده‌اند استفاده شود و آن این است که: بر روی طرف چینی با زعفرانی که با گلاب مخلوط شده این هفت ذکر قرآنی نوشته شود :

۱- سلام علی آل یاسین . ۲- سلام علی نوح فی العالمین . ۳- سلام علی ابراهیم . ۴- سلام علی موسی و هارون . ۵- سلام قولاً من رب رحیم . ۶- سلام علیکم طیبم فادخلوها خالدین . ۷- سلام هی حتی مطلع الفجر . سپس این نوشته‌ها با آب شسته شود (که بهتر است آب زمزم و یا باران باشد) و آب جمع شده را به افراد خانواده بنوشانید امید است که باعث دفع بلا و کسب سلامتی در طول سال جدید شود!

که حضرت آیت الله سید محمد(ص) علی(ع) علوی گرگانی به علت آفونزای آخوندی، دو فقره سین اسلامی یعنی ساطور و سنگسار را از قلم انداخته، که فدوی ضمن پوزش، اضافه می کند!

فدوی برای این که خوانندگان گرامی ضد انقلاب در پایان این مقال دست خالی نروند، توجه شان را به خبر میمنت اثر زیر نیز جلب می کنم. بشتابید که غفلت موجب پشیمانی است!:

نقل از فارس، هم زمان با نوروز در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام قرآن بخوانید و عیدی بگیرید!

با توجه به آنچه گفته آمد، به نظر می‌رسد که برادران با آن که در غزوات خود با مردم ایران از طریق کسب غنائم (۴)، دیگر بحمدالله به همه چیز رسیده‌اند، لکن پنداری از تتمه دارائی ملت هیچ جور نمی‌توانند بگذرند. دارائی‌هایی چون نوروز، تخت جمشید و شاهنامه.....

بی سبب نیست که فرزند معنوی حضرت امام(ل) یعنی آیت الله مطهری سال‌ها پیش از انقلاب شکوهمند، در باب شاهنامه و فردوسی شیبه‌کشان فرمود:

- فردوسی مردی زیانکار بود و زنده کردن لغات فارسی باستانی برگشت از تعالیم قرآن است .

... این همه سر و صدا برای عظمت فردوسی، جشنواره و هزاره و ساختن مقبره و دعوت خارجیان از تمام کشورها برای احیاء شاهنامه و تجلیل و تکریم از این مرد خاسر زبان بریده تهیدست برای چیست؟ برای آنست که

در برابر لغت قرآن و زبان عرب که زبان اسلام و زبان رسول الله است، سی سال عمر خود را به عشق دینارهای سلطان محمود غزنوی به باد داده و شاهنامه افسانه‌ای را فراهم آورده است . (۵)

مهملات گران‌بهای حضرتشان را اما برادران، پس انقلاب شکوهمند پی گرفته و به منظور حذف یا دست کم به حاشیه راندن شاهنامه عظیم فردوسی، «ربیع» نامی را از اعماق مندرس تاریخ شان بر کشیده و انتشار منظومه‌ای را، در تقابل با فردوسی به شرح زیر اعلام فرمودند:

منظومه «علی‌نامه» سروده شاعری گمنام با تخلص «ربیع» که آن را در اعتراض به «شاهنامه» فردوسی سروده است! (تأکیدها همه جا از فدوی است) و در ادامه:

زمانی که شاهنامه سروده شد عده‌ای از شعرای هم عصر فردوسی زبان به اعتراض گشودند و به گونه‌ای با متهم کردن فردوسی به پول پرستی معتقد بودند وی شاهنامه را با هدف دریافت صلّه از سلطان محمود غزنوی سروده است. «ربیع» نیز در ابتدای منظومه علی نامه با اشاره به انگیزه‌اش از سرودن آن آورده است:

«وقتی که پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) با دلاوری در جنگ‌های صدر اسلام حماسه آفریدند بهتر بود فردوسی شاهنامه را درباره جنگ‌های این دو شخصیت بزرگ اسلام می‌سرود نه درباره رستم و سهراب که افسانه هستند.» (۶)

تو خود حدیث مفصل بخوان از این «مهمل»!

برادران اما به این نکته روشن توجه نفرمودند که وقتی فحول شاعران و نام آوران ایران زمین در این ارتباط، حتا به حریم استاد طوس نیز نزدیک نشدند، آخر «ربیع» نامی، چگونه می‌تواند!؟

حضرات مع الاسف باید با خیلی چیزها بسازند و تلاش سهمگین آنان نیز به منظور قلب یا محو این آثار نیز بدون تردید، راه به جایی نمی‌برد چرا که شاهنامه مثلا، افزون بر یک اثر ملی، یک اثر جهانی هست و به ناگزیر از دسترس و گزند برادران دور! خود استاد نیز فرمود:

پی افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد وباران نیابد گزند!

و نیز به قول آن شوخ شیرینکار شیرازی:

شکر ایزد که ز تاراج خزان رخنه نیافت

بوستان سمن و سرو و گل و شمشاد!

علی الله التکلان و هو المُستعان فی جمع امور

کتبه الفقیر کمتر از قطمیر- فدوی

یادداشت‌ها:

۱- مستخرج از نوار سخنرانی ۱۳۴۹

۲- فردا

۳- نگاهی گذرا به عید نوروز در دین مبین اسلام یدالله حاجی‌زاده «سایت پژوهشکده

بافعالعلوم به نقل از شیعه

۴- فدوی نمی‌داند که خوانندگان ضدانقلاب سخنرانی آن آخوند با مزه را بر روی اینترنت

ملاحظه کرده اند که به تاسی از اسلاف خود فرمود: ما پس از پیروزی و مصادره اموال،

زن‌هایشان را هم باید می‌گرفتیم ولی نگرفتیم این حق ما بود!

۵- پایگاه علوم و معارف اسلام - قسمت هائی از کتاب نورملکوت قرآن - ج

۴ قسمت ششم

۶- خبرگزاری وابسته ی مهر جون ۲۰۰۹



پیرایه شبان

«عمو نوروز» و

وجه «زنانه» غایب

در باروری و نوزایی بهار



هستند. این مرغان رفته رفته با دیدار از سایه‌های روان، خودیابی و تحول به مرحله‌ای از تعادل، تعالی، کمال، وحدت و یکپارچگی می‌رسند که از آن پس «سیمرغ» سمبل آن است.

نمادها، توسط انسان‌ها خلق می‌شوند، با این وجود، پس از مدتی حیات مستقل خود را پیدا می‌کنند و در سازندگان خود تأثیر متقابل و بیشتری می‌گذارند. نماد صلیب شکسته، بطور مثال، سمبلی از حکومت اقتدارگرای آلمان هیتلری بود که پس از بکارگیری‌اش بر هر کوی و برزن، پوشاک و اوراق و غیره، هر چند رفته رفته به نیرویی رعب‌آور و ویرانگر برای گروهی بدل شد، با این وجود، بر اثر این عادی‌سازی عده‌ای را با باورهای مشترک نمایندگی می‌کرد.

نمادها امروزه در فیلم، عکس، هنر، سینما، تلویزیون، آگهی‌های بازرگانی، کتاب، زیورآلات و غیره، بکار برده می‌شوند. از سمبل‌های ایرانی می‌توان به فروهر، آتش و آتش افروزی در جشن چهارشنبه سوری اشاره کرد. نوروز از اعیاد مهم ایرانیان است و سمبل‌هایی، مانند هفت‌سین سفره نوروزی، ماهی، آینه، میر نوروزی و عمو نوروز، در مجموع نمادهای نوزایی در طبیعت و اندیشه هستند. بر اساس پژوهش‌های اسطوره‌شناسان و به گواهی اسناد

نوروز یکی از زیباترین جشن‌های باستانی ایرانیان و نماد شکوفایی طبیعت و نوزایی است. در سالیان اخیر، ایرانیان خارج از کشور به گسترش پیام این ایام فرخنده و ثبت آن در جوامع بین‌المللی مبادرت کرده و خواستار انتشار تمبرهای نوروزی و به رسمیت شناختن آن شده‌اند. با این وجود، از آن‌جا که این جشن نمادین است، بازبینی برخی از تصویرسازی‌ها و عناصر تشکیل دهنده آن، پیش از نهادینه کردن این پدیده، ضروری است.

انسانها برای بیان افکار و احساسات خود از گفتار و نوشتار و نیز برای انتقال این مفاهیم گاه از نمادهای (Symbols) مختلف بهره می‌جویند. نمادها، نشانه‌های قابل رویت از مفاهیم، چیزهای ناشناخته، نادیدنی و یا انتزاعی هستند. یکی از شناخته‌ترین آن‌ها، ❤️ یعنی نماد عشق است که در آثار هنری، کارت پستال‌ها، زیورآلات و غیره دیده می‌شود. نمادها توسط انسان‌ها ساخته می‌شوند و به دنیا می‌آیند. با این وجود گاه بار فرهنگی و ارزشی خود را از دست می‌دهند و اصطلاحاً می‌میرند، بطور مثال، خدایان یونانی که هر یک زمانی سمبل‌هایی از مادری، زایش، شجاعت، قهرمانی، درمان و غیره بودند، هم اکنون نمادهایی مرده‌اند.

نمادها به دو دسته طبیعی و فرهنگی تقسیم می‌شوند: نمادهای طبیعی از محتویات ناخودآگاه سرچشمه می‌گیرند. زبان ناخودآگاه روان انسان، نمادین است و رویاهای ما، در خواب سرشار از مفاهیم نهفته در پس نمادهایی، نظیر آب، شیر، جنگل، سیاهی و اشکال هندسی هستند که هر یک به لحاظ روانشناختی قابل تعبیر است.

نمادهای فرهنگی برای شرح حقایق و پدیده‌های فرهنگی به کار می‌روند و به همراه آیین‌ها، اعیاد، صنایع هنری و غیره، عناصر تشکیل دهنده یک فرهنگ هستند. نمادها، مانند هنرهای بومی، باورها و ارزش‌های یک فرهنگ را به افراد جامعه یادآوری می‌کنند و از این رو نیرومند، احساس برانگیز و انرژی‌زا هستند. در روابط بین‌الملل، شاخص‌ترین نماد، پرچم است؛ افراد یک جامعه برحول یک پرچم مشترک گرد هم می‌آیند و گاه برای صیانت از حرمت آن جانفشانی می‌کنند. نمادها در افسانه‌ها و اسطوره‌ها یافت می‌شوند. در داستان تمثیلی منطق الطیر اثر عطار، هر یک از سی مرغ، نمادی از ویژگی‌های انکار شده انسانی، مانند حرص، حسد و خودبینی



گاهشماری که از همه ملل هند و اروپایی در باره جشن آغاز سال نو به دست رسیده، چنین بر می آید که کارنامه اساطیری-آیینی نوروزی، با کوبه‌ها و دسته‌های جشن و سرور که شرکت کنندگان در آن نقاب بر چهره می‌بستند، با قطار دسته‌های سرّی عیاران و جوانمردان و مراسم نمادین خاکسپاری پیشینه بسیار کهن دارد که به دوران مشترک هند و اروپایی می‌رسد.

افزون بر این، شواهد دیگر نشان می‌دهد که آیین‌های جشن سال نو، که معمولاً تکراری از کار آفرینش نگاشته می‌شد، حتی به دوران پیشین‌تر باز می‌گردد و نزد سومریان و اکدی‌ها شناخته بوده و عناصر اصلی آن در میان مردم مصر و عبرانی‌ها نیز رواج داشته است. پژوهش‌های دیگر

نشان می‌دهد که آیین‌های مشابه احیا و نوشدگی و دسته‌های سرّی با صورت‌کها و مراسم حضور و ظهور جانوران و ایزدانی که به نحوی با مغاک زمین و مراسم خاکسپاری سروکار دارند، در ژاپن، در میان سرخپوستان و سایر مناطق نیز برگزار می‌شده است. نمونه دیگر گرمی‌داشت فصل بهار، اسطوره دیمیترو/پرسفون، به جای مانده از یونان باستان است که به چندین قرن پیش از میلاد بازمی‌گردد. دیمیترو (خدای بانوی مادر و حاصلخیزی و همسر زئوس، خدای خدایان) از ربوده شدن دختر خود پرسفون به جهان زیرین دچار

یأس و ناامیدی شده و در جهان، خشکسالی (اشاره به زمستان) ایجاد می‌کند و با نجات و پیوستن دخترش دوباره حاصلخیزی و فراوانی (اشاره به فصل رویش بهار) را خلق می‌کند. اسناد باقی مانده از جهان باستان حتی از جشن گرفتن پایان فصل سرما و آغاز شکوفایی زمین توسط بدوی‌ترین اقوام در نقاط مختلف، حکایت می‌کنند.

با این وجود، گرمی‌داشت نوروز و آغاز بهار به لحاظ محیطی و جغرافیایی جنبه جهانی ندارد. در مناطق استوایی که زمستانی در کار نیست، بهار آن مفهومی را که برای مردمانی که در مناطق چهار فصل زندگی می‌کنند، دارا نیست. در مناطق استوایی که سرشار از حیات عجیب و جنگل و رود است، آهنگ مرگ بر اساس پوسیدن و ظهور دوباره، شکل می‌گیرد. با این همه، «نوروز» به لحاظ پیشینه‌ی تاریخی و هدف متعالی گسترش نواندیشی می‌تواند با پیشنهاد و منشاء ایرانی، افغانی، تاجیکی، ترکمنی، آذری، پاکستانی و هندی (مناطق که به حفظ آن مبادرت کرده‌اند)، به یک نماد و پدیده جهانی مبدل شود.

از نمادهای دیگر که در طول اعصار زنده مانده‌اند، می‌توان به خورشید و ماه (قمر) اشاره کرد که در افسانه‌ها و اسطوره‌ها بسیار بکار برده شده‌اند. خورشید از دیرباز، نماد روشنائی و نیروی حیات و بطور استعاری نماد «روشنگری» است.

مراحل مختلف «ماه» در آسمان نماد مرگ و تولد است و از این رو، ابدیت و بی‌مرگی و تجدید حیات را تداعی می‌کند. ماه در اسطوره‌ها و افسانه‌ها، مانند «زمین» یک «بانوست» و فانوس عشاق به شمار می‌رود و در دنیای باستان معلم اعظم محسوب می‌شده. اسطوره مسیح، از آن‌جا که مرگ و حیات دوباره را تداعی می‌کند، از اسطوره‌های قمری محسوب می‌شود.

در ایران باستان، دوازده ماه سال همنام با دوازده ایزدی بودند که هر کدام نگهبان پدیده‌های طبیعت بودند. سی روز هر ماه با نام‌های ویژه خود، نوعی تقسیم‌بندی دوگانه و چهارگانه داشتند. در تقسیم‌بندی‌های دوگانه، در رأس نخستین پانزده روز، اهورامزدا یا اورمزد، خدای آفریدگار قرار داشت و در رأس پانزده روز دوم، میترا یا مهر، ایزدی که به بخش‌بزرگی از باورهای باستانی ایران سروری می‌کرد.



اثر نقاشی در ارتباط با اسطوره دیمیترو - پرسیفون



عمو نوروز و ننه سرما- دقت به سمبل ننه سرما در مخدوش کردن چهره زنان قابل توجه است.

پذیرنده و کلیه وجوهی که به درون پردازی مرتبط است، به اصل زنانه و نیروی قمری نسبت داده شده‌اند.

لازم به توضیح است که این تقسیم بندی‌ها در برخی از فرهنگ‌ها به عکس است، یعنی ویژگی‌های زنان به خورشید و مردانه به ماه نسبت داده شده است. هدف از نگاشتن این مقاله برتری جویی سمبل‌های خورشید و ماه بر یکدیگر نیست بلکه خط‌هایی است که در مورد ویژگی‌های مردان و زنان کشیده می‌شود.

همانطور که در بالا ذکر شد، در دوران گذشته ماه به عنوان مظهر مهمی مورد نظر و الهام بخش انسان‌ها بوده است. افسانه‌ها و آیین‌هایی قمری پیشینه‌ای بس قدیمی‌تر از اسطوره‌های خورشیدی دارند. اما با گذشت زمان، بشر برای رهایی از وابستگی خود به طبیعت، مادر اعظم و مادر زمین را با خداوند پدر و خدایان آسمانی جایگزین کرد و اسطوره‌های خورشیدی پا گرفتند. در این اسطوره‌ها و افسانه‌ها، ما شاهد سر برآوردن قهرمانان خورشیدی یعنی مردانی هستیم که برای غلبه بر تهدیدها و خطرهای طبیعت شوریدند و قدرت رفته رفته «مردانه» شد. در اسطوره انومالیش که یکی از افسانه‌های مربوط به پیدایش و آفرینش جهان است، بخوبی می‌بینیم چگونه تیامات توسط همسرش مردوک (یکی از خدایان باستانی تمدن بابلی) کشته می‌شود و دوران مادرتباری به پایان و دوران پدرسالاری آغاز می‌شود.

با ادامه این روند و سپس پیدایش ماشین و رشد جوامع رقابت جوی صنعتی در دنیای معاصر، «خورشیدگرایی» به اوج خود می‌رسد. از دیدگاه روانشناسی تحلیلی، مردان و زنان هر چند که ویژگی‌های روانی مردانه و زنانه را دارا هستند با این وجود، ویژگی‌های از جنس مخالف را به صورت بالقوه (potential) در خود دارند. ویژگی‌های مردانه در زنان «آنیموس» و ویژگی‌های زنانه در مردان

در داستان‌های آفرینش، می‌بینیم که اورمزد پس از آفریدن جهان (آب، گیاه، حیوان و ...)، در بخش پایانی سال، پیش نمونه انسان را می‌آفریند که نیای آدمیان است و آفرینش اهورایی را در برابر اهریمن، پاسداری می‌کرده. سالگرد این چند روز پایانی سال، مدخلی بر نوروز است، بنابراین جشن نوروز سالگردی است از آفرینش انسان.

اسطوره‌های دیگری در رابطه با نوروز وجود دارند، مانند اسطوره جمشید شاه که همگی در مجموع یادآور پیروزی نمادین عنصر نیک بر اهریمن در نبرد فصل‌ها و سالگرد بیداری طبیعت از خواب زمستانی و مرگ است.

افسانه‌ها و اسطوره‌های خورشیدی و قمری در همه فرهنگ‌ها به وفور یافت می‌شوند. اسطوره‌های خورشیدی به طور تمثیلی و نمادین بیانگر «روشنگری» هستند و در ادیان و معرفت‌یابی‌های عرفانی نیز بسیار به چشم می‌خورند، با این وجود، گاه مثل تیغ دو لبه عمل می‌کنند؛ از یک سو می‌توانند سبب خردیابی و رشد و تحول شوند و از سوی دیگر با روشنگری‌های افراط‌گرایانه‌ی عقیدتی و یا سیاسی، تحت عنوان‌های رستگاری و هدایت و پاکسازی توده‌ها، جنبه ویرانگرانه پیدا کنند.

خورشید و ماه به صورت نمادین در هنرهای، مانند نقاشی و ادبیات دیده می‌شوند. با این وجود نسبت دادن ویژگی‌ها و صفات اصطلاحاً «مردانه» و «زنانه» به این دو سمبل بیشتر مطرح بوده و در افسانه‌ها نیز مشهود است. ویژگی‌هایی، نظیر شجاعت، برنامه‌ریزی، دقت، قاطعیت، رقابت‌جویی، مصمم بودن، تحلیل‌گرا، متمرکز، هدفمند، نتیجه‌گرا و اصولاً کلیه مشخصه‌هایی که به دستاوردهای بیرونی مرتبط هستند، به اصل مردانه و نیروی خورشیدی و از سوی دیگر صفاتی، نظیر انعطاف پذیر، شهودی، حساس، عاطفی، همدل،



«آنیما» نامیده می‌شود. برای سلامت روان، هر فردی می‌بایست بین ویژگی‌های جنس خود و ویژگی‌های مثبت جنس مخالف در روان خود، تعادل ایجاد کند. بطور مثال، مردی که برای پیشبرد کارهایش همیشه مصمم و قاطع است (ویژگی مردانه) و ویژگی‌های بالقوه زنانه روان خود را - بطور مثال انعطاف پذیری - در نظر نگیرد و بین این دو ویژگی ظاهراً متضاد، هماهنگی و تعادل برقرار نکند، به فردی افسرده، ناراضی و سرسخت مبدل خواهد شد. در زنان و همجنسگرایان نیز همین موضوع صادق است.

در دنیای خورشیدی امروزی که به ویژگی‌های مردانه تأکید بیشتری می‌شود، انسانها، غالباً با نیمه‌های غایب روان خود به سر می‌برند و این در حالی است که پژوهش‌های پزشکی و بویژه علم روانشناسی بخوبی نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از بیماری‌ها، معضلات، اختلافات زناشویی، درگیری‌ها و جنگ‌ها در اثر عدم ویژگی‌های اصطلاحاً زنانه، مانند «همدلی» و «شفقت» است که از دیرباز در آموزهای عرفانی و آیین‌هایی نظیر بودایی همواره تأکید شده است. این نوع خورشید گرایی و دو قطبی شدن سبب شده است که مردان و زنان (هر چند در کنار یکدیگر) در دو دنیای جدا افتاده «روز» و «شب» بسر ببرند و در نتیجه قادر به تفرد و رشد فردی و مشارکت در اعتلا و کمال جامعه نیز نباشند.

با توجه به نقش خطیر نمادها و اسطوره‌ها و تأثیر متقابل آنان در شکل‌گیری شخصیت‌ها و فرهنگ‌ها، انسان امروزی می‌بایست که آگاهانه به شخصیت و نمادشناسی اسطوره‌ها و به نماد سازی برخی از عناصر فرهنگی بپردازد.

عمو نوروز یکی از شخصیت‌های نمادین نوروز است که به زندگی مردم، برکت و فراوانی اهدا می‌کند. اما در این تصویرسازی نمادین، آیا عمو نوروز به تنهایی برای نمایندگی کردن فصلی که مظهر زایش باروری و نوزایی است کافی است؟! شخصیت افسانه‌ای دیگری به نام «ننه سرما» (همسر عمو نوروز) وجود دارد که تصویر عبوس از زن و دوران سالمندی ترسیم می‌کند؛ نمادی است از فصل سرما و زمستان و در کتاب‌های قصه کودکان در سال‌های اخیر نیز بازتاب یافته است. آیا ننه سرما خدشه‌ای به تصویر زنانگی هستی نیست؟ هدف از نمادسازی و ایجاد شخصیتی نمادین نظیر «خاله بهار» در کنار عمو نوروز، تکمیل تصویر وصال، باروری، نوزایی و تعادل و جوه مردانه و زنانه هستی است.

منبع:

- نماد خورشید در فرهنگ و ادبیات اثر راهله غراب.
- انسان و سمبل‌هایش، دکتر کارل گوستاو یونگ، ترجمه محمود سلطانیه.
- اسطوره‌های حیات و مرگ، از سی.ای. بورلند، ترجمه رقیه بهزادی.
- فرا درمانی، محمدعلی طاهری- عرفان حلقه
- زبان، فرهنگ، اسطوره، ژاله آموزگار
- اسطوره بازگشت جاودانه، میرچالایده، ترجمه دکتر بهمن سرکاراتی.

- Solar Light, Lunar Light, Perspectives in Human Consciousness: Howard Teich, Ph.D.

خاله بهار سمبل زنانه نوروز، طرحی از: شرکت کتاب



Beauty Me MD

دکتر خوشگلم کن!

(800) 634 - 4919

**1990 Westwood Blvd., Suite 240
Los Angeles CA 90025**





اداره راه آهن منطقه ای کالیفرنیا جنوبی (SCRRA) اطلاعیه استماع عمومی / سرویس پیشنهاد شده مسافر Arrow اداره راه آهن منطقه ای کالیفرنیا جنوبی (SCRRA)، روز جمعه، ۲۲ آوریل ۲۰۲۲، یک استماع عمومی در جلسه هئیت مدیران خود در ارتباط با سرویس پیشنهاد شده قطار مسافری ARROW تشکیل خواهد داد. در ماهوت ۲۰۲۲، این اداره انتظار دارد که سرویس قطار مسافری جدید ARROW را در مسیر راه آهن ۹ مایلی بین سن برناردینو داون تاون (San Bernardino Downtown) و ایستگاه دانشگاه ردلندز (Redlands) افتتاح کند. این توسعه ریلی تحت الزام عنوان VI اداره حمل و نقل فدرال (FTA) برای آژانس های حمل و نقل، جهت انجام تجزیه و تحلیل حقوق صاحبان سهام و اطلاع رسانی عموم برای تمام پروژه های مهم تثبیت شده جدید است. Metrolink با دعوت از مردم جهت بررسی و ارائه بازخورد در مورد سرویس پیشنهادی جدید، در صدد ایجاد فرصت هایی برای گنجاندن و تعامل با جامعه است. استماع عمومی در دستورکار جلسه هئیت مدیران SCRRA در: روز جمعه، ۲۲ آوریل ۲۰۲۲، [HTTPS://, ۲۰۲۲](https://metrolinktrains.com/meeting) ساعت ۹:۰۰ صبح فهرست خواهد شد

اطلاعات مربوط به سرویس جدید برای بازرسی عموم در وب سایت Metrolink به نشانی www.metrolinktrains.com، یا طی ساعات عادی اداری، از دوشنبه تا جمعه از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر در لابی ساختمان دفتر مرکزی SCRRA، واقع در ۹۰۰ Wilshire Blvd., Los Angeles, CA ۹۰۰۱۷ در دسترس است. نظرات و پیشنهادات را می توان به صورت شفاهی یا کتبی به جلسه عمومی ارسال کرد، یا می توان آنها را قبل از جلسه عمومی با کلیک کردن بر روی گزینه "eComment" برای ارسال نظریه الکترونیکی فوری در www.metrolinktrains.com یا از طریق پست، در صورتی که قبل از جلسه استماع عمومی به Metrolink Fares در دفتر مرکزی SCRRA دریافت شود، یا قبل از جلسه به شماره (۲۱۳) ۴۵۲-۰۴۲۱ به اطلاع Metrolink Fares از طریق فکس ارسال کرد. تمام نظرات عمومی، صرفنظر از فرم ارتباط، باید حداکثر تا ۱۲ آوریل ۲۰۲۲ ارسال و دریافت شده باشند. این موضوع ممکن است توسط هیئت تا زمان یا تاریخ بعدی به صلاحدید آنها ادامه یابد.

۲۲/۲۵/۲۳

CNS-3565583#

IRANSHAHR WEEKLY C/O KETAB CORP

Kianpour Customs Brokers

خدمات گمرکی

کیانپور

با
سال سابقه

تخصص در

ترخیص مواد غذائی

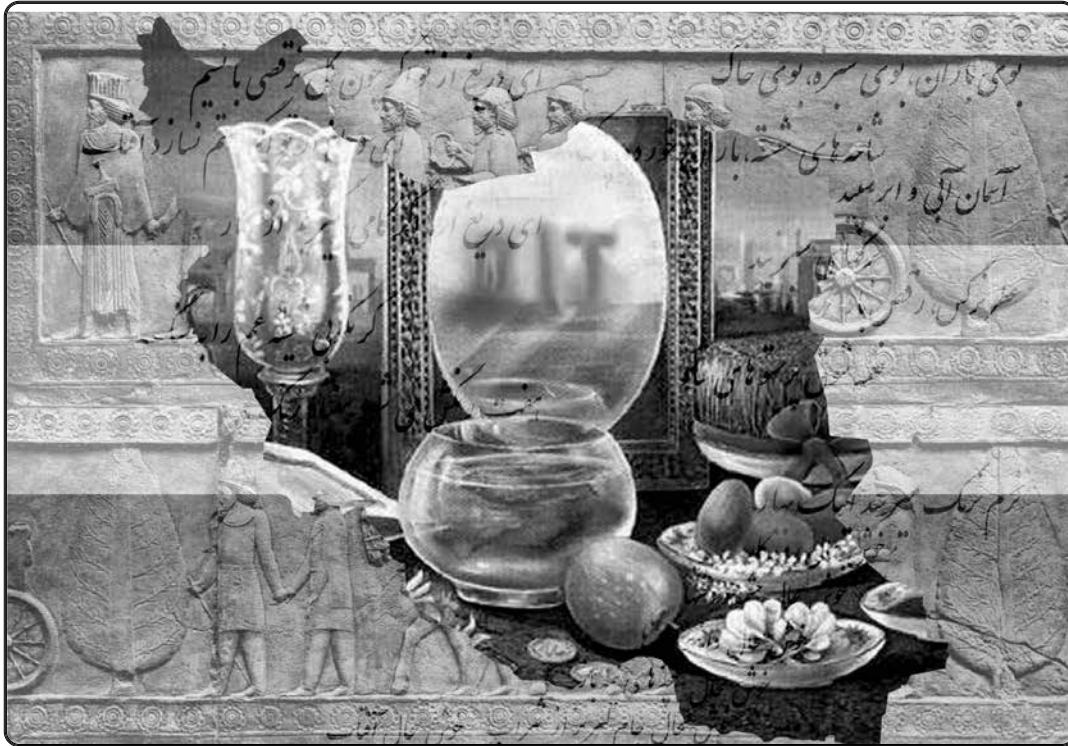
(310) 410-1052

kianpourchb@msn.com

11222 S La Cienega Blvd, #471
Inglewood CA 90304



نگرشی بر بهاریه در تاریخ ادبیات ایران



در ادبیات فارسی، بهار از مکررترین موضوعات در شعر و ادب فارسی است. شاید کوتاهی این فصل در ایران و نوزایی جهان و شکوفایی طبیعت از دلایلی باشد که بهار را از محبوبترین موضوعات در ادب فارسی ساخته است.

گرامی داشت آیین باستانی نوروز همراه بود که نشانهٔ رواج این جشن های ایرانی در آن عصر است و پیوند بهار و نوروز در شعرهای دوره های بعد به این حد انعکاس ندارد.

در منظومهٔ فردوسی نیز، با وجود مضمون حماسی آن، بهار بیش از فصول دیگر حضور دارد. شاهنامه پر از نمادهای بهار است. سیاوش جوان، که محبوب و امید پادشاه است، به بهار خرم تشبیه شده است؛ در زادن رستم، رودابه بهاری است که تحمل بار سرو آزاده از توان او خارج است و در آستانهٔ نبرد رستم و اسفندیار، بهار نمایش بی قراری جهان است: ابر پیرهن چاک کرده، هوا بر زمین اشک ریخته و بلبل نالهٔ مرگ اسفندیار سر داده است:

ندانم که عاشق گل آمد گر ابر / چو از ابر بینم
خروش هزبر // بدزد همی پیش پیراهنش /
درفشان شود آتش اندر تنش // ... که داند که
بلبل چه گوید همی / بزیر گل اندر چه جوید همی
... // همی نالد از مرگ اسفندیار / ندارد بجز ناله
زو یادگار

می یابد. اشعار نیمهٔ دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم سرشار است از رنگ و بوی گلها و آواز پرندگان. منوچهری نمایندهٔ این دوره از نظر تصاویر شعری است. مسمط های منوچهری از باشکوه ترین بهاریه های شعر فارسی است و همواره مورد تقلید شعرای بعد از او بوده است، از جمله:

نوروز بزرگم بزن ای مطرب امروز / زیرا که
بود نوبت نوروز به نوروز... کبکان دری غالیه
در چشم کشیدند / سروان سهی عبقری سبز
خریدند / بادام بنان مقنعه بر سر بدریدند / شاه
اسپرمان چینی در زلف کشیدند...

شاعران در حمایت دربار سامانی و غزنوی، که کانون شادخواری و کامرانی بود، به مدیحه سرایی می پرداختند و صفات بهار را به ممدوح نسبت می دادند. از بین آنان فرخی بسیاری از اشعار خود را با وصف بهار آغاز کرده و قصیدهٔ داغگاه او از مشهورترین بهاریه های شعر فارسی است.

در سبک خراسانی بسیاری از بهاریه ها با

از قرن چهارم، با شکل گیری قصیده و رواج آن، تغزل و تشبیب بسیاری از قصاید در وصف بهار بود. از این رو برخی بهاریه را صرفاً چنین قصیده ای می دانند. با وسعت یافتن تشبیب قصیده و تولد غزل، بهاریه منحصر به قصیده نماند و بتدریج به قالب های دیگر شعر، مانند غزل و مثنوی، نیز درآمد. نخستین بهاریهٔ مشهور از رودکی و سراسر آن وصف بهار است با این مطلع:

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب / با صد هزار
نزهت و آرایش عجیب.

اگرچه شاید این شعر مقدمهٔ قصیده ای بلند بوده باشد. رودکی ابر و باد و تندر را به سپاهیان چرخ تشبیه کرده است. در همان دوران، دقیقی نیز زمین را در بهار دارای خلعت اردیبهشت و درخت را حور بهشتی دانسته و می سراید:

برافگند ای صنم ابر بهشتی / زمین را خلعت
اردیبهشتی / بهشت عدن را گلزار ماند / درخت
آراسته حور بهشتی

با رواج سبک خراسانی، طبیعت گرایی اوج



مرکز ما روی پرونده تصادف شما

HEIDARI LAW GROUP P.C.
INJURY LAWYERS

سامان حیدری

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و نوادا
و فدرال آمریکا

✓ تصادفات رانندگی:

- تصادفات اوبر - لیفت (Uber and Lyft Accidents)
- تصادفات با ماشینهای سنگین (Trucking Accidents)
- تصادفات با موتور سیکلت (Motorcycle Accidents)
- تصادفات منجر به فوت (Wrongful Death)

✓ زمین خوردگی در مراکز تجاری و مسکونی

✓ حمله حیوانات (Dog Bite)

مشاوره رایگان در ۲۴ ساعت شبانه روز

YOU PAY NOTHING UNTIL WE WIN!!!

پرداخت حق الوکاله فقط در صورت پیروزی

818-818-0707 SAN FERNANDO VALLEY
949-239-1020 IRVINE
702-722-1500 LAS VEGAS



از میان شاعران این سبک، ناصر خسرو با نگاهی متمایز از بهار سخن می گوید و بهار را زمانی برای تدبیر در ناپایداری هستی و بی وفایی دهر می شمارد:

چند گویی که چو ایام بهار آید / گل بیاراید و بادام به بار آید // هرکرا شست ستمگر فلک آرایش / باغ آراسته او را به چه کار آید...

خیام نیز بهار را نشانه ای از ناپایداری هستی و موسم خوشباشی و اغتنام فرصت می داند:

ساقی گل و سبزه بس طربناک شده است / دریاب که هفته ای دگر خاک شده است // می نوش و گلی بچین که تا درنگری / گل خاک شده است و سبزه خاشاک شده است

از نیمه دوم قرن پنجم به بعد، بهاریه در منظومه های عاشقانه از جمله لیلی و مجنون و اشعار عارفانه، که سرآغاز آنها قصیده های سنایی است، تجلی می یابد. پیش از او هرگز بهار، با چشم انداز عرفانی و عناصری از زندگی و دید اهل عرفان، بدین گونه وصف نشده بود. در بهاریه او تمام کائنات در جنب و جوش اند:

باز متواری روان عشق، صحرائی شدند / باز سرپوشیدگان عقل، سودائی شدند // باز مستوران جان و دل پدیدار آمدند / باز مهجوران آب و گل تماشائی شدند

در مختارنامه منسوب به عطار، بهاریه ها جزئی از خمیرات محسوب شده و مضمون آنها تکرار مضامین رباعیات خیام است.

از قرن هفتم، مفاهیم عرفانی چون رستاخیز طبیعت و تولد از درون مرگ، با مفهوم بهار توأم می شود چنان که مولوی می سراید:

یقین آنجاست آن جانان، امیر چشمه حیوان / که باغ مرده شد زنده، و جان بخشیدن او تاند

در اشعار مولوی، بهار پاسخی است به ندای حق در برپا کردن شادمانی و تعالی در هستی و رسیدن بهار همراه با وصال یار است:

درختان همچو یعقوبان، بدیده یوسف خود را / که هر مهجور را آخر ز هجران صبر برهاند // بهار آمد بهار آمد، بهاریات باید گفت / بکن ترجیع تا گویم «شکوفه از کجا بشکفت»...

اوج خروش عاشقانه عناصر طبیعت در سماع درختان و کف زدن برگهاست، جوانه هایی که به حکم الهی شاخ را شکافته و همه جا را غرق سبزی می کنند:

برگها چون شاخ را بشکافتند / تا ببالای درخت اِشتافتند // با زبان شطأه شکر خدا / می سراید هر بر و برگی جدا

مولانا برآمدن کشت و سرزدن جوانه را تمثیلی برای تبیین تصرف خداوند در کاینات می سازد. رقص و سماع شاخ و برگها در بهار هماهنگ با مطرب درون عارف است و در این لحظه های درخشان کاینات با جان او هم آواز می شوند.

در همان عصر، سعدی با آمیختن مفاهیم عقلانی به وصف طبیعت، به گونه ای بهار را می ستاید که زوایای درونی ذهن و همچنین چشم اندازهای بیرونی جهان را می نمایاند که جوانی جهان نشانه بهار است: درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند / جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند

طفل گیا شیر خورد، شاخ جوان گو ببال / ابر بهاری گریست، طرف چمن گو بختند

و نوزایی و شکوفایی گل و گیاه و رقص و طرب باغ و گلزار، پاسخی طبیعت به آفرینش الهی است:



بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار / خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار ...

بسیاری از غزل‌های سعدی بهاریه است بی آنکه با نام بهار آغاز شده باشد، از جمله غزل مشهور:

باد آمد و بوی عنبر آورد / بادام، شکوفه بر سر آورد // شاخ گل از اضطراب لبلب / با آن همه خار سر در آورد

گاه سعدی ویژگی‌های بهار را به محبوب نسبت داده و او را برتر از بهار دانسته است. ستایش سعدی از سخاوت بیکران دایه ابر بهار در گلستان نیز از ماندگارترین توصیفات بهار است.

یک قرن بعد، حافظ با نگرشی به شیوه عرفا و بارقه‌هایی از تفکر خیام، با اشاره به موجود شدن گل از عدم می‌سراید:

کنون که در چمن آمد گل از عدم به وجود / بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود

و یادآوری بی دوامی جهان و غنیمت شمردن وقت، بهار را ستایش می‌کند. بهار، روحبخش عالم پیر و پایان بخش غم و هجران است و نفس مشک فشان باد صبا ملازم اوست. جوشش طبیعت را سرمستی گل و لاله می‌نماید: هوا مسیح نفس گشت و خاک نافه گشای / درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد // تنور لاله چنان بر فروخت باد بهار / که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد

و بهار، وقت توبه شکنی و عیش و نوش عیان است: به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم / بهار توبه شکن می‌رسد چه چاره کنم

با ظهور سبک هندی، جلوه‌های بهار، ابزار استعاره‌های خیال انگیز شاعران شد. در غزل صائب، موج سبزه کدورت دل را صیقل می‌دهد. بیدل، بهار را بی روی یار فصل جنون جوش و سایه گل را پنجه شاهین می‌بیند. از زیباترین بهاریه‌های این سبک، بهاریه‌های کلیم کاشانی است، خصوصا وصف بهار کشمیر در غزلی با این مطلع:

شمیم خلد، گدای بهار کشمیر است / شکفتگی، گل خار دیار کشمیر است، قابل توجه است

بازگشت ادبی، پایان نوآوری در شکل و محتوای شعر است. در این دوره، بهاریه‌های ممتاز قآنی، یادآور مسمط‌های فاخر منوچهری است.

از دوره مشروطه، مضامین نوین و مباحث اجتماعی وارد شعر می‌شود. برخی از بهاریه‌های ملک الشعرا بهار، اگر چه مانند قصیده‌های قرن چهارم و پنجم محملی برای مدح است، اما این بار افکار نوین و مقولات انقلابی ستایش می‌شود:

اهلا و سهلا ای نسیم بهار

در این دوران، گونه دیگری از وصف بهار نضج می‌گیرد که در واقع افسوس و تحسری است بر فقدان ویژگی‌های بهار یعنی باروری و شکفتگی. «حبسیه» بهار و ترکیب بندی که در انتقاد از «انجمن همت» سروده، از نمونه‌های این نوع است: ای همایون بهار طبع گشای / وای از فتنه زمستان، وای ...

عارف نیز تصنیف‌های سوزناکی در ماتم آزادی در فصل بهار دارد که نمونه آن، این:

هنگام می و فصل گل و گشت چمن شد / دربار بهاری تهی از زاغ و زغن شد // از ابر کرم خطه ری رشگ ختن شد / دلتنگ چو من مرغ قفس بهر

وطن شد

دمیدن لاله از خون جوانان و خمیدگی سرو در سوگ آنها و تعبیری از این دست، بعد از آن رواج یافت. چنین وصف غم انگیزی از بهار در دوران حمله مغول نیز سابقه داشت.

با گسترش گرایش‌های اجتماعی در شعر فارسی، بهار بندرت به طور مستقل وصف می‌شود اما در فحوای کلام شاعران حضور دارد و نمادی از طراوت حیات و شکوفایی جامعه است، اگر چه گاه برانگیزنده یاس و تأثر هنرمند است، چنانکه نیما یوشیج در شعر خود که جنگل و باغ و گل و پرندۀ عناصر دائمی آن است، همزمان با توکا افسوس بهار سر می‌دهد و دل به آغوش بهاری می‌سپارد که گل آن خون و زخم است: رَسَم از خطه دوری نه دلی شاد در آن / سرزمینهای دور / ... می‌نشانید بهارش گل با زخم جسدهای کسان

شاملو در شعری، از آن جهت که کسی از بهار استقبال نمی‌کند، آن را خاموش و بی مصرف می‌خواند:

بهار منتظر بی مصرف افتاد / به هر بامی درنگی کرد و بگذشت شعر ابتهاج در استقبال از بهاریه حافظ از بارزترین نمونه‌های وصف غمناک بهار در غزل معاصر است که چنین آغاز می‌شود:

نه لب گشایدم از گل، نه دل کشد به نبید / چه بی نشاط بهاری که بی رخ تو رسید // نشان داغ دل ماست لاله ای که شکفت / به سوگواری زلف تو این بنفشه دمید

از میان شاعران نوپرداز، مشیری همواره بهار را ستوده و در همان روزگار یأس، مشتاقانه به استقبال بهار رفته است:

با همین دیدگان اشک آلود / از همین روزن گشوده به دود / به پرستو / به گل / به سبزه درود

در دوران انقلاب سال ۱۳۵۷، تعبیراتی چون بهار آزادی و رویدن لاله از خون شهیدان، که میراث شعر دوره مشروطیت بود، بار دیگر رواج یافت، اگر چه خود طبیعت نیز در اشعار شاعران به وصف درآمد. در سالهای جنگ با عراق و کشتارهای سیاسی دهه ۶۰ و پس از آن، تقدیر از مفهوم شهادت، مضامین بهار را به این عرصه کشاند؛ در داخل ایران به نفع حکومت و در خارج از کشور در نفی حکومت. در شعر «این سبز سرخ کیست» شاعر به خاک سپردن شهید را کاشتن او می‌خواند و در شعر «ترانه‌های بعثت سبز» شاعر شهید را سرخ ترین گل بهار می‌داند.

در شعر کودکان نیز بهار و متعلقات آن از آشناترین اشارات است و تصویرهایی که در شعر کهن ایران به گونه‌های پیچیده بیان شده، در شعر کودک ساده می‌شود، طبیعت جان می‌گیرد و اجزای آن در اطراف کودک به بازی و شادی مشغول می‌شوند: باد بهار پا شد / از زور قلقلک‌هاش، لبهای غنچه وا شد

شخصیت بخشیدن به عناصر طبیعت از مهمترین ویژگیهای شعر بهارانه کودک است: گلها خواب بهار را می‌بینند (شعبان نژاد)، برف کوه با صدای باد بهار آب می‌شود (رحماندوست) و زمین شاد است و کوه و دشت می‌خندد (ابراهیمی) از نمونه‌های بارز این تصویر سازی هستند.

در ادبیات مهاجرت نیز بهار و بازگشت دوباره به وطن دو عنصر همسو و برابر بوده است. شاعران فصل غربت نیز آمدن بهار را به بازگشت دوباره به ایران، قلمداد کرده اند.



از خاطرات ایران درودی:

بابا نوروز با کوله‌باری از مرواریدهای امید



ایران درودی یکی از نقاشان برجسته و استاد دانشگاه در رشته تاریخ هنر بود. احمد شاملو یکی از اشعار خود را با اشاره به او سروده است. در بخش پایانی این شعر می‌سراید:

«تمامی الفاظ جهان را در اختیار داشتیم / و آن نگفتیم / که به کار آید، / چرا که تنها یک سخن / یک سخن در میان نبود: / آزادی! / ما نگفتیم / تو تصویرش کن.»

ایران درودی به تاریخ ۷ آبان ۱۴۰۰ به پروازی ابدی رفت و ما را و ایران را ترک کرد هر چند که یادگارهای ارزنده او همیشه جاویدان با ما خواهند بود

در خانواده‌ی ما، آیین و تشریفات نوروز، با کوچک‌ترین جزئیاتش اجرا می‌شد. مادر به رسم آذری‌ها و دیگر مردم ایران از یک ماه پیش با خانه‌تکانی پرسروصدا و شیرینی‌پزی خوش‌بو، به استقبال سال نو می‌رفت و هیچ‌ان عجیبی در خانه به راه می‌انداخت. هیچ‌یک از اتاق‌ها و هیچ‌یک از اشیای خانه، از این خانه‌تکانی گسترده و دقیق، مصون نمی‌ماندند، حتی لباس‌های در گنجه و کتاب و دفتر مشق ما در کشوی میز تحریر. عجیب‌تر این که هر شیء بلا تکلیف که در جای خودش نبود، یا هر چیزی که به نظر مادر غیر ضروری می‌آمد، سر جaro به سطل آشغال می‌رفت. شیرینی‌پزی، فضای دلچسب‌تری را ایجاد می‌کرد، چرا که گذشته از بوی شیرینی، من و خواهرم، حق داشتیم برای رنگ کردن تخم‌مرغ‌ها و قالب زدن شیرینی، در این قسمت از برنامه‌ی نوروزی شرکت کنیم.

ولی بیشتر از شکوفه‌های بهاری و سبز درختان، سفره‌ی هفت‌سین بسیار مجلل که با تشریفات خاصی تهیه می‌شد، عید را به خانه‌ی ما می‌آورد. مادر برای شکوه بیشتر آن، حتی شال ترمه و آئینه و لاله‌ی عقدش را که در طول سال در جای امنی محفوظ نگه داشته بود، بیرون می‌آورد و آن‌ها را همراه شیرینی‌های مختلفی که پخته بود به سفره‌ی هفت‌سین اضافه می‌کرد.

دلچسب‌تر از تمام این مراسم، آزاد کردن پرندگان، پس از تحویل سال بود که مادر به تعداد تمام افراد حاضر فامیل و اسیران خاک خانواده، پرنده می‌خرید و ما بچه‌ها، قفس پرنده را به پشت‌بام می‌بردیم و در آن را باز می‌کردیم تا پرنده‌ها از قفس آزاد شوند و در آسمان پرواز کنند.

همیشه فکر کرده‌ام عید کودکی که فضای متفاوتی داشت، چه قدر همه چیز زیباتر و برشکوه‌تر در چشم‌مان جلوه می‌کرد. حتی چراغ دکان‌های شب عید، پرنورتر به نظرمان می‌آمد، و خیابان‌های شهر تمیزتر، انگار چتری از نور و شادی و مهربانی فضای عیدهای کودکی را پر می‌کرد تا همه‌ی رنگ‌ها را شفاف‌تر و قلب‌ها را مهربان‌تر کند...!

هنوز هم تمام لباس‌های دنیا، جای لباس عیدی را که مادر برای من و خواهرم یک شکل و یک رنگ می‌دوخت تا هویت خواهر بودن ما را آشکار کند، نمی‌گیرد. هنوز هم زیباترین کفش، براین کفش سیاه براقی است که برای شب عیدمان خریداری می‌شد...!

چه شب‌ها که شوق دیدن عمونوروز با کوله‌بار عیدی‌ها، خواب از چشمم گرفته و قصه‌ی دختر شاه پریان را به خاطر آورده بود. اگر امروز هم دختر شاه پریان به سراغم بیاید، از او لباس عیدی را خواهم خواست که مادر برایم دوخته و گلدوزی کرده بود و من با پوشیدن آن، از شادی به عرش





قفس را باز کردیم و از آن فاصله گرفتیم تا پرنده‌ها به راحتی آزاد شوند و پرواز کنند.

همه‌ی پرنده‌ها به تائی، پس از مدتی یکی پس از دیگری از قفس بیرون آمدند و اوج گرفتند، جز یکی، با ترس و لرز به قفس نزدیک شدیم. پرنده‌ی کوچک روی خرده شاخه‌ها، تکان نمی‌خورد و برای فرار از زندان قفس حرکتی نمی‌کرد. لحظه‌ای به تصور این که پرنده‌ی کوچک مرده باشد نفسم در سینه حبس شد و بی‌اختیار گرمی اشک‌هایم را بر گونه‌ام حس کردم. ننه علی که پشت ما ایستاده بود، ما را از قفس دور کرد و گفت: «صبر کنید ببینم سر حیوون زبان بسته چه آمده، شاید که نمرده باشه!

خواهر فریاد زد: یواش باش! فشارش ندهی!

پرنده را به آرامی با سر انگشتانم لمس کردم. انگشتانم تنش و لرزش پرنده را حس می‌کرد، ولی باز پرنده واکنشی از حیات، از خود نشان نمی‌داد.

چند لحظه بعد بود که در مقابل چشمان حیرت‌زده و نگران‌مان پرنده به زحمت روی دو پایش ایستاد و بال‌هایش را به حرکت درآورد و با پرش کوتاهی به طرف دیگر میله‌های قفس پرید. ما، در جایی که او قبلاً لمیده بود، تخم کوچکی مانند قطعه‌ای از جواهر را دیدیم که روی خاک و خاشاک ته قفس به جای مانده بود.

خواهر فریاد زد: این تخم پرنده است!

ننه علی گفت: خیلی عجیب است که پرنده در قفس تخم بگذارد. به عمرم ندیده و نشنیده بودم که پرنده‌ی اسیر قفس، در قفس تخم بگذارد.

من که تاکنون تخم به این کوچکی ندیده بودم، رو به ننه‌علی کرده و پرسیدم:

- ننه‌علی، شاید این همان جواهری باشد که خداوند در شکم ماهی به پیرمرد ماهیگیر قیر عیدی داده بود؟ این هم عیدی ماست!

ننه‌علی پاسخ داد:

- این پرنده که در خانه‌ی ما تخم گذاشته است، به معنای خیر و برکتی است که به این خانه آورده است، قفس را همین جا بگذاریم و برویم. شاید پرنده دومرتبه بخواد برود روی تخم بنشیند، شاید هم پرواز کند. به هر حال، بودن ما حیوان زبان بسته را می‌ترساند. او را آزاد بگذاریم!

صبح روز بعد که به پشت‌بام آمدیم، قفس خالی بود، نه پرنده بود و نه تخمش. از آن عید سال‌ها می‌گذرد، ما به تهران کوچ کردیم و مادر دیگر در تهران برای مراسم عید، پرنده نخرید...

ما بزرگ شدیم و به نوبه‌ی خود خانه و زندگی به هم زدیم... عیدی گرفتیم... عیدی دادیم و...

ولی خاطره‌ی آن عید برای همیشه در ذهنم حک شد تا هرگاه که نومی‌های فلج کنند، به سراغم می‌آیند به یاد بیاورم:

«هنوز کسانی هستند که پرنده‌ها را آزاد می‌کنند.» شاید پرنده در پروازش از خانه‌ی ما بگذرد و به پاس دعا و نیایش ما دوباره برای ساکنین خانه‌ی ما، رحمت خداوند و امیدها را هدیه بیاورد. آن سال هدیه‌ی ما، تخم کوچک یک پرنده در قفس بود. پرنده‌ها پرواز را می‌شناسند و من امید را.

می‌رفتم و احساس می‌کردم که گرمای محبت مادر از ورای آن به جانم رخنه کرده است و مرا از غم‌ها، رویین تن کرده است.

خاطره‌ای که تعریف می‌کنم، مربوط به دورانی است که هنوز قصه‌ها را باور داشتم و منتظر بابا نوروزی بودم که شب از پنجره، یا درگاه خانه‌مان وارد شود و کوله‌بارش، مرواریدهای امید و شادی‌های آینه را از طرف فرشتگان برآید هدیه‌ی نوروزی بیاورد.

ننه‌علی، دایه‌ی پیر، بارها برای من قصه‌ی نوروز و بابانوروز و حکمت مراسم چهارشنبه‌سوری و فالگوش را تعریف کرده بود. قصه‌های او هم که مانند خانه‌تکانی مادر، از یک ماه پیش از عید شروع می‌شد، در شب عید به اوج هیجانش می‌رسید. به این ترتیب، قصه‌ی ماهیگیر فقیری که شب عید، ماهی صید می‌کند و در شکم ماهی یک قطعه جواهر می‌یابد، قصه‌ی شب عید او بود...

آن عید، تحویل سال شب بود و می‌رفت که افسانه‌ی آن مرد فقیر ماهیگیر را به نوعی دیگر برآید روایت کند و در داستان کوچکم حادثه‌ی عجیبی را زندگی کنم.

آن سال عید، مادر برای سال نو برای من سراپا لباس نو عید تهیه کرده بود و من و خواهر با لباس‌های یک‌رنگ و یک‌مدل و هریک با پاپیون سفید گنده‌ای که مادر در سرمان کاشته بود، کنار میز سال نو و سفره‌ی هفت‌سین نشسته بودیم و منتظر صدای نقاره بودیم که تحویل سال را اعلام کند.

مادر با شتاب، آخرین تدارک سال نو را تکمیل می‌کرد. پدر زنجیر طلای ساعتش را مرتباً از جیبش درمی‌آورد و به گردش عقربه‌ی ساعت چشم دوخته و از زیر چشم ما را می‌پایید که مؤدب و ساکت نشسته باشیم!

چند دقیقه پیش از عید بود که در باز شد و ننه‌علی با چهره‌ی نورانی و تبسم همیشگی‌اش درحالی که قفس سنگین پرنده‌ها را با زحمت حمل می‌کرد، در آستانه‌ی در ظاهر شد.

ننه‌علی که با گوشه‌ی چارقدش اشک‌ها را از صورت پرچین و چروکش پاک می‌کرد، دعاکنان در حالی که قفس سنگین پرنده‌ها را نزدیک میز بر زمین می‌گذاشت، رو به ما کرد و گفت:

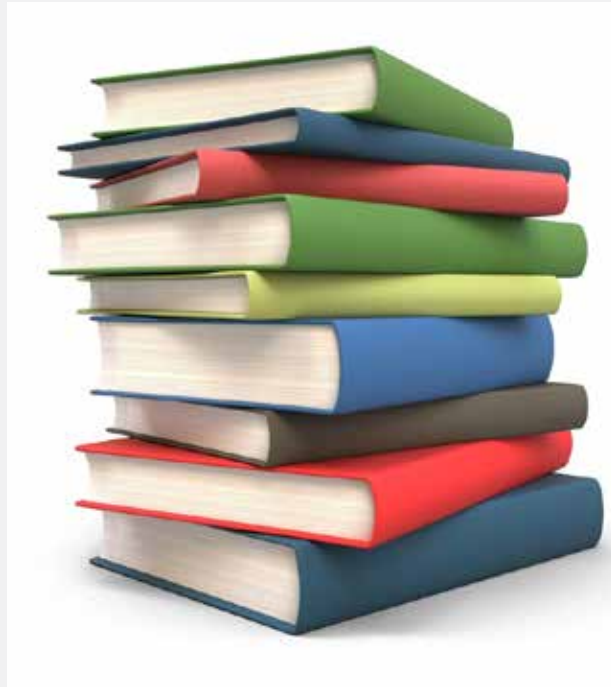
- خداوند دعا‌های ما بندگان روسیاهش را مستجاب کند! رفتگان را بیامزد و گناهان ما را ببخشد! امسال این پرنده‌ها خیلی بی‌تابی می‌کنند. شاید این قفس برای این همه پرنده کوچک باشد.

چیزی به سال نو نمانده بود. تا چند دقیقه‌ی دیگر پرنده‌ها آزاد می‌شدند. حضور پرنده‌ها با صدای به هم خوردن بال و پرشان، گویی حرکت ماهی‌های قرمز در تنگ بلورین را، سریع‌تر کرده بود.

صدای نقاره بلند شد و سال نو را اعلام کرد. من و خواهر، پدر و مادر را با عجله بوسیدیم و عیدی را نگرفته و باقلوا را نخورده، از دو طرف قفس پرنده‌ها را برداشته و دوان دوان به طرف پله‌هایی که به پشت‌بام راه داشت، رفتیم. در پشت‌بام، نماز ننه‌علی، که انتظار ما را می‌کشید تمام نشده بود. قفس را نزدیک لبه‌ی برجسته‌ی پشت‌بام گذاشتیم، درمیله‌ای



کتاب بخوانیم و دیگران را
به خواندن کتاب تشویق کنیم



شرکت کتاب

ketab.com

(310) 477-7477

ketab1@ketab.com

نوروزستیزی در حکومت اسلامی

بیژن خلیلی



ما ایرانیان سالیان درازی است که در کشورهای غربی زندگی می‌کنیم و با روش‌های دموکراتیک حکومت‌های این کشورها آشنا شده‌ایم. در این کشورها، دولت‌ها می‌آیند و می‌روند، سیاست‌های دولت‌ها به مقتضای درخواست مردم و دولتمردان تغییر می‌کنند و این پویایی در همه زمان‌ها در حال انجام است. هرکандید ریاست جمهوری در آمریکا برای انتخاب شدن همه‌گانه از تغییر و تغییر سخن می‌گوید. حتی رییس جمهوری که برای بار دوم می‌خواهد از سوی مردم به مسند ریاست جمهوری تکیه بزند از تغییر سخن می‌گوید حتی ابای آن ندارد که از تغییر مهره‌هایی در دولت‌ش سخن بگوید که تا دیروز یار غارش بودند و پس از آن که مجدداً انتخاب شد به وعده‌های دوران انتخابات وفادار می‌ماند و اعضای کابینه خود را ترمیم می‌کند. همین رویه و سیاست در همه زمینه‌های زندگی در



کفر مسلم است و آن که حتی پیشنهاد تغییر را می‌دهد کافر است و واجب القتل! این تحفه ضد تغییر از کجا آمده است جز این است که بیگانه آن را در دامان ملت ما گذاشته است؟!

آیا نیاکان ما در دوران باستان این چنین می‌اندیشیده‌اند یا هوادار تغییر و تحول بوده‌اند! ما باید این مدعا را ثابت کنیم و یکبار برای همیشه باید بگوییم که پیشنهاد تغییر و تحول را همین نیاکان ما به جهانیان ارزانی داشته‌اند و آن چه که به دروغ و نیرنگ به شرقی‌ها نسبت می‌دهند که فرهنگ‌شان فرهنگ سکون است و فرهنگی ایستا، حداقل به دامن نیاکان ما نمی‌چسبد.

نیاکان ما برای نخستین بار از نوروز گفتگو می‌کنند. معنا و مفهوم نوروز چیست؟ نوروز یعنی آغاز فصلی تازه در زندگی، طبیعت و نشان از آن دارد که طبیعت دستخوش تغییر است و نیاکان ما به خوبی دریافته بودند که با تغییرات در طبیعت ما انسان‌ها نیز باید تغییر کنیم و "نو" شویم. خانه تکانی کنیم، گرد و غبار سال پیش

جریان است و این پویایی و پیشرفت و حرکت به جلو در همه زمان‌ها صورت می‌گیرد.

بنابراین و در مجموع همه به سوی زندگی نوینی می‌روند که شرایط بهتری را نوید می‌دهد. اگر هم مشکلی پیش آید به خاطر همان پویایی و اشتراک مردم در تصمیم‌گیری‌ها مشکل را حل کرده و راه صحیح و درست را پیدا می‌کنند و این روند ادامه دارد. بنابراین لازمه دموکراسی، تغییر دادن و تغییر داده شدن است در همه ابعاد زندگی.

و اما در کشور ما و کشورهای مشابه ما در بر همان پاشنه‌ای می‌چرخد و قرار است بچرخد که قرون متمادی است چرخیده‌است. همه چیز همان است که می‌بایست باشد و از قبل برای ما برنامه ریزی شده‌است.

اگر در ۱۴۰۰ سال پیش دستور به قطع دست و پای خطاکاران داده شده است، همان باید اجرا شود و لاغیر. هر تغییر به منزله



By: Farzad Arian



را از زندگی مادی و روحانی خود بزدااییم و سال نو را در هیبتی نو آغاز کنیم. به دیدار دوستان و فامیل و هم‌میهنان خود برویم و با آن‌ها تغییرات را جشن بگیریم. پادشاهان مان می‌بایست به بار می‌نشستند و مردم را از هر دسته و قبیله‌ای دیدار می‌کردند و پیام تغییر را بین یکدیگر مبادله می‌نمودند. در کوی و برزن جارچیان و شیپورنوازان نوای تغییر را با موسیقی گوشنواز خود به آحاد جامعه می‌رساندند. همه در حال تغییر بودند، تغییر فقط مختص به طبقه ویژه یا طبقه حاکم نبود بلکه می‌بایست با زیر و زبر شدن طبیعت و جهان، انسان نیز دستخوش تحول می‌شد.

این میراث نیاکان ما بود که با پذیرش تغییر به سروری بر جهان متمدن آن روز رسیدند، یادآوری این نکته ضروری است که در برهه‌هایی این رهنمودها به مسیر اشتباه می‌افتادند، ولی پس از مدتی به جای خود باز می‌گشتند و نیاکان ما توانسته بودند در طول قرون متمادی به صورت ثابتی یعنی در آغاز هر سال به تغییرات بنیادی زندگی دست بزنند.

با حمله تازیان در دوران قدیم به سرزمین و جغرافیای ایران و در دوران جدید از طریق خمینی و حواریونش به فرهنگ ایرانزمین، جلوی تغییر و "نو" شدن را که نیاکان ما پیشنهاد داده بودند، گرفته‌اند. این‌ها می‌گویند ما با پیشرفت بشر کاری نداریم... چون پیامبر اسلام دستور به قصاص داده‌است ما نیز باید همین عمل را انجام دهیم، تازیانه می‌زنیم همان طور که در ۱۴۰۰ سال پیش می‌زدند، گردن می‌زنیم، هر روز چندین نفر را اعدام می‌کنیم، هر اندیشه دیگری را سرکوب و منکوب می‌کنیم و حاضر به انجام هیچ گونه تغییر و تحولی در آن چه که آن‌ها نسخه پیچی کرده‌اند نیستیم، مفهوم مخالف آن این است که آن‌ها می‌خواهند جامعه را در جمود فکری و عملی نگه‌دارند و به همین مناسبت است که از بام تا شام این شیخکان دلقک را به پشت منابر می‌فرستند تا رسوم چهارشنبه سوری و نوروز را نکوهش کنند و آن را از عادات بد مجوسان بنامند. زهی خیال باطل که ملت ایران نه امروز که در دوران هزاران ساله زندگی خود از این تندبادها بسیار داشته‌است، لیک با سربلندی تام و تمام توانسته‌است آن چه که نیاکانش برایش به میراث گذاشته‌اند که همانا بنیاد تغییر و تحول به مانند طبیعت است را در نهایت به انجام برساند.

یکی از این تغییرات بنیادین "نو" شدن در حکومت است و از میان برداشتن این جرثومه‌های نوروز ستیز که اگر به تغییر در جهان هستی باور داریم خودشان و قوانین ضد بشریشان، مشمول این تغییرات به شرطی که پند نیاکان را آویزه گوش کنیم، خواهند شد.

خوانندگان محترم ایرانشهر:

شرابخانه فاضلی جایزه ویژه‌ای برای خوانندگان ایرانشهر در نظر گرفته که در یک کوپن در اختیار ایرانشهر قرار داده شده است. خواهشمند است اگر می‌خواهید از این جایزه که فقط تا اول ماه می ۲۰۲۲ برای دریافت آن فرصت دارید استفاده کنید فقط کافیست به شراب خانه فاضلی تلفن کنید، ثبت نام کنید تا در قرعه کشی شرکت داده شوید.



شراب سازی
فاضلی

شرابخانه فاضلی به عنوان یک کارخانه شراب سازی پیشرفته که در تپه‌های زیبای مسیر شراب دپورتولا - در دره Temecula در کالیفرنیا جنوبی قرار دارد - ترکیبی است از یک معماری خیره‌کننده، مناظری شگفت‌انگیز و باشکوه که در اوج هنرمندی ساخته شده است و بهترین انتخاب برای دسترسی به گواراترین شراب منطقه است.



بیژن "که امریکایی‌ها او را بی‌جی صدا می‌کنند" فاضلی اشتیاقی شگفت‌انگیز در توسعه تاکستان‌ها و شراب‌سازی خود دارد. از زمان اولین محصول FazeliCellars در سال ۲۰۰۶، تا امروز یعنی در درازای ۱۶ سال بیش از ۲۰ نوع شراب از Cabernet Sauvignon، Sauvignon Blanc، Petit Mourvedre و Chardonnay تولید کرده است که جوایز متعددی از جشنواره‌های معتبر را به خود اختصاص داده است.

951-303-3366

www.fazelicellars.com

37320 DE PORTOLA RD, TEMECULA CA 92592



من به فکر بهار ایرانم



مسعود سپند به تاریخ:
شنبه ۲۶ فوریه ۲۰۲۲
در شمال کالیفرنیا و
دور از عشق اش «ایران»
روی در نقاب خاک
کشید
بادش گرمی باد



سروده:
مسعود سپند

نیمه شبها میان بستر ماه
من به فکر طلوع خورشیدم
همه جامی روم به بال خیال
می رسم تا به تخت جمشیدم

می زنم بوسه بر سرا پایش
شهر نوروز باوران اینجاست
می گذارم به خاک پیشانی
خاک پاک دلاوران اینجاست

پیک خورشید از دیار کهن
خبر آورده ماه نوروز است
سبز و اسپید و سرخ دامن کوه
یاد یک پرچم دل افروز است

چک چک ناودان خانه ما
نیمه شب می چکد به چشمانم
نغمه سر می دهد بهار بهار
من به فکر بهار ایرانم

تا عروس بهار می بینم
با دل خود بگو مگو دارم
باز عاشق شدی دل غافل
پیش مردم من آبرو دارم

فصل گل با طبیب می گویم
کم بگو روزگار پرهیز است
گر چه پاییز در تنم جاریست
سینه ام از بهار لبریز است

تازمین در شط زمان جاریست
شعر و شور و سرود باید گفت
به شکوفه به ابر باران باد
به بهاران درود باید گفت

در خیابان و کوچه و بازار
دلبری های دلبران زیباست
گوشه پشت بام و کنج حیاط
بغبعوی کبوتران زیباست

چک چک ناودان خانه ما
خبر از ابر و باد و باران داد
پیچ پیچ برگ بید و یاس سپید
نیمه شب مزده بهاران داد

تا سحر میل می کشم بر چشم
گر چه از میل خواب سرشارم
تا بسازم ز شعر دسته گلی
با گل واژه در کلنجارم

می نویسم به سقف خانه خویش
با قلم موی خیس مژگانم
نقشه هایی که نقش بر آب است
من نه می بینم و نه می خوانم

داغی بوسه های نوروزی
از دل من قرار می گیرد
چشم هایم به گل که می افتد
سینه ام خار خار می گیرد



نیاز نوجوانان به نواندیشی ما



پیرایه شبان

خانواده، اجتماع، محیط زیست و غیره انجام دهیم. بازنگری کارنامه و عملکرد سال گذشته و نیت سال جدید از دیرباز در سراسر جهان موسوم بوده است. بابلی‌ها در آغاز سال متعهد می‌شدند که اجناس عاریتی را به صاحبان اصلی آن بازگردانند. در قرون وسطی، شوالیه‌ها با ادای «پیمان طاووسی» تجدید عهد می‌بستند؛ یهودیان نیز در آغاز سال نو یهودی، مروری به اشتباهات سال گذشته کرده و طلب آموزش می‌کنند. در دوره‌های اخیر نیز در کشورهایی، مانند آمریکا، نیت‌گذاری غالباً به موضوعاتی، نظیر کاهش وزن، ترک سیگار، مسافرت و غیره، معطوف می‌شود.

بر اساس آماری که در سال ۲۰۰۷ در دانشگاه بریستول بر روی ۳۰۰۰ داوطلب به دست آمد، ۸۸ درصد از نیت‌گذاران از انجام اهداف و نیت خود سرباز می‌زنند. با این وجود، مطالعات دیگر نشان می‌دهد که چنانچه به این اهداف به صورت واقع‌بینانه، توأم با برنامه ریزی و بیش از هر چیز به صورت «مشارکتی و گروهی» پرداخته شود، به میزان قابل توجهی انجام پذیرتر خواهند بود.

نوروز، سال نو ایرانی همزمان است با دگرگونی طبیعت و بازگشایی پنجره‌های بسته زمستانی، با رقص سبز چمن و رخنه عطر گل‌های بهاری در دالان خاطره‌ها، و بال‌گشایی پرندگان و ترنم رودها در بستر گرم خاک... چه آموزگاری بهتر از نوروز که رسم نواندیشی را یادآور شود! رسم بازنگری گذشته، ترمیم زیست و درک همین لحظه‌ها و بستن امید به آینده و آیندگان!

ادبیات فارسی در این الگو برداری همواره پیشگام بوده است: بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
حافظ

هر زمان نو می‌شود و دنیا و ما
بی‌خبر از نو شدن اندر بقا
مولانا

نیت‌گذاری سال جدید (New year Resolution) عهد و پیمانی است که با خود می‌بندیم تا در سال نو کاری را در جهت بهبود خود،



از این رو امسال بر آن شدم که یکی از معضلات بزرگ نوجوانان مهاجرین ایرانی را که چند سالی است ذهن مرا به خود مشغول کرده برای بازنگری گروهی مطرح کنم.

در سالیان اخیر، چندین دیدار و گفتگو و ایمیل تکان دهنده از چند نوجوان ایرانی - آمریکایی داشته‌ام که همگی حاکی از عدم تمایل والدین، خانواده‌ها و اجتماع ایرانی به «نوگرایی» و «نواندیشی» در برخی از مسایل است.

این جوانان از بسته بودن خانواده‌ها و اجتماع ایرانی و تاثیر منفی آن بر زندگی و آینده خود سخن می‌گویند. امسال ضمن اینکه یکی از نامه‌ها را برای یادآوری نواندیشی بر سر سفره نوروزی خود قرار داده‌ام، متن ترجمه و کوتاه شده‌ی آنرا در اینجا به میان می‌آورم؛ رویا (اسم مستعار) یک نوجوان ایرانی - آمریکایی می‌نویسد:

های [سلام]. من برای یک نظرخواهی به شما نامه می‌نویسم. از این که قادر به نوشتن نامه به زبان فارسی نیستم پوزش می‌خواهم. من در آمریکا به دنیا آمده‌ام. پدر و مادرم چند سالی تلاش کردند که مرا به کلاس زبان فارسی ببرند ولی من به یادگیری آن ادامه ندادم و برای دلخوشی آنان تنها چند آهنگ ایرانی را با پیانو می‌نوازم. همه مقاومت‌های من به این دلیل بوده که مدام سرزنش می‌شدم و تحت فشار قرار می‌گرفتم که در خانه و یا در میهمانی‌های ایرانی، صددرصد فارسی حرف بزنم. والدین من هرگز درک نکرده‌اند که من در ضمن، با فیلم‌ها، کارتون‌ها، هم کلاسی‌ها، معلمین و کتاب‌های انگلیسی و فرهنگ آمریکایی بزرگ شده‌ام. هر آنچه که می‌گفتم و انجام می‌دادم و یا می‌پوشیدم، اشتباه بود و جای تصحیح داشت. چرا؟ چون ایرانی نبود!

این انتقاد، کمال‌گرایی و عیب‌جویی ایرانی رفته رفته به من نیز سرایت کرد و من تبدیل به موجودی شدم که بطور ناخودآگاه هر لحظه از خود نیز انتقاد می‌کنم؛ انگار همیشه چیزی کم دارم؛ انگار همیشه از دنیا عقب هستم. بطوری که همانگونه که می‌دانی دچار یک عارضه روان - تنی شده‌ام و بدتر اینکه در جمع ایرانیان به دلیل سوال‌های نابجا و مداخله‌گری‌ها و نگاه‌های کنجکاوانه و ارزیابانه آنها دچار اضطراب می‌شوم. من از تعارف‌ها و ضرب‌المثل‌های ایرانی چیزی سردر نمی‌آوردم و نمی‌توانم جوابگو باشم. بنابراین تلاش می‌کنم از جمع ایرانیان پرهیز کنم. دوستان دیگر ایرانی - آمریکایی من هم غالباً همین احساسات را تجربه می‌کنند. ما برای اینکه به احساسات والدین خود صدمه نزنیم و آنان را دچار فشار بیشتری نکنیم، نوعی زندگی مخفیانه در پیش گرفته‌ایم؛ یک زندگی دوگانه!

یکی از دوستانم، که دوست پسرش باورمند مذهبی متفاوت از اوست، از بیم واکنش والدین، او را به آنها معرفی نمی‌کند و برای دیدارش مدام به دروغ گویی متوسل می‌شود. دوست دیگرم همجنس‌گراست و از افسردگی شدیدی رنج می‌برد. او مدام در تشویش است که موجب سرافکنندگی والدینش شود زیرا حدس می‌زند واکنش آنان این خواهد بود که چه بیهوده زندگی‌شان را برای او تلف کرده و مهاجرت کرده‌اند. دوست دیگرم می‌خواهد حشره‌شناس شود زیرا به پرورش پروانه‌های رو به انقراض علاقه‌مند است. اما والدینش بجز رشته‌های مهندسی، پزشکی و حقوق چیز دیگری را قبول ندارند. پسرعمویم مدام با همسرش با عمویم و زن عمویم در حال مشاجره و بگو مگو هستند زیرا خانواده انتظار احترامات ویژه و توقعات که در جامعه سنتی ایران مرسوم بوده را از آنان دارد.



Pardis Akhavan, Esq.
Attorney

پردیس اخوان

وکیل رسمی دادگاههای آمریکا



ورشکستگی و

کلیه دعاوی حقوقی مربوط به آن

BANKRUPTCY OVERVIEW
FORECLOSURE DEFENSE
DEBT RELIEF OVERVIEW
LOAN MODIFICATION
STUDENT LOAN MODIFICATION
سن فرناندو ولی - دان تاون لس آنجلس

RESNIK HAYES MORADI LLP

Direct Line: (818) 285-0101

Main Line: (818) 285-0100

17609 Ventura Boulevard, Suite 314
Encino, CA 91316

Telephone: (213) 572-0800

510 West Sixth Street, Suite 1220

Los Angeles, CA 90014

www.RHMFirm.com

pardis@rhmfirm.com

با نظری به والدینم، افراد فامیل و دوستان ایرانی دریافته‌ام که علیرغم مشغله‌های گوناگون و داخل و خارج از خانه، همگی آنان جز اجسامی در کنار ما بیش نیستند، گویی روح آنان در ایران باقی مانده است: آه کشیدن‌ها، حسرت‌های گذشته، آهنگ‌های گذشته، حرف‌های گذشته، طرز فکر گذشته...

اکنون که دانشگاه مورد نظرم برای پذیرش از من خواسته است که یک اتوبیوگرافی و شرح حال از خود، خانواده و اجتماع ایرانی بنویسم، مانده‌ام که چه بگویم، آنها چه مشارکتی در جامعه آمریکایی داشته‌اند که بخوام آنها به رخ یک آمریکایی میزبان و مسئول دانشگاه بکشم. کتمان نمی‌کنم که فداکاری کرده‌اند، از خود گذشته‌اند و به قول مادرم خود را به آب و آتش زده‌اند. اما من دقیقاً با همین «از خود گذشتگی» مسئله دارم. چرا نباید کمی هم زندگی کرد؟! من نمی‌خواهم تنها از گذشته پرافتخار تاریخ و فرهنگ ایرانی بنویسم، زیرا در این پرسشنامه و شرح حال، قرار نیست که واقعه‌نگاری تاریخی کنم. قرار است بنویسم که من چگونه «من» شدم. من تنها یک «رویا» نیستم که برای محقق شدنش به این سو آورده شده‌ام. من یک واقعیت دوگانه‌ام. آیا فکر می‌کنی در مورد اضطراب و عارضه روان-تنی‌ام چیزی قید کنم؟ من مایلم نظرت را در این موارد بیشتر بدانم... با سپاس رویا».

زمانی که نامه رویا را می‌خواندم، با خود فکر کردم براستی چرا نباید کمی هم در واقعیات موجود و نه در رویا زندگی کرد. من با رویا(ها) احساس همدردی کرده و بر این نظرم که ما با چمدان‌های بسته و آماده‌ی ذهنی خود برای هر لحظه بازگشت به ایران، انرژی و توان خود را برای پیوند با جامعه‌ی غیرایرانی کاهش داده‌ایم. اما چگونه می‌توان از حلقه بسته ایرانی پا فراتر گذاشت، به فرهنگ میزبان علاقه‌مند شد، بطور دو سویه فرهنگ آموزشی کرد و آموخت و همچنان وفادار به ایران و ایرانی باقی ماند؟ در نامه‌ای که متعاقباً به رویا نوشتم، پاسخ به این سوال برایم کمی روشن‌تر شد:

های و سلام رویای عزیز، ضمن تشکر از در میان گذاشتن مسئله‌ات، با تو احساس همدلی و همدردی می‌کنم. اما پیش از هر چیز یادآور می‌شوم که خانواده‌های ایرانی سختی‌های بسیاری را ضمن دوری از وطن در این سالیان متحمل شده‌اند و این امر ساده‌ای نیست. همانگونه که تو به عنوان یک ایرانی - آمریکایی دچار بحران هویت هستی، آنان نیز می‌بایست نخست خود را در یک جامعه بیگانه و غریبه پیدا می‌کردند. اما نسل تو بهای زیادی برای این خودیابی پرداخته است. در این سالیان، من شاهد بروز و ازدیاد بیماری‌های روان-تنی در نسل نوجوان ایرانی بوده‌ام که بطور معمول در نسل‌های بزرگ‌تر در اثر فشارهای زندگی عارض می‌شوند اما از سوی دیگر نیز شخصاً شاهد خرید کتابهای تاریخی، خودشناسی، عرفان توسط افرادی، نظیر والدین تو بوده‌ام که خود نشان دهنده تلاش و پویایی آنان برای خودیابی بوده است.

با وجود همه این‌ها، با تو موافقم، یافتن «بینش» جدید به تنهایی کافی نیست، زیرا در حد تئوری و شعار باقی می‌ماند، شاید خانواده‌ها و جامعه ایرانی نیاز به یک خانه‌تکانی فکری و احساسی دارند و می‌بایست عملاً این تحولات فکری را به منصفه ظهور برسانند. فرزندان عموماً، والدین خود را نخستین الگوهای تقلید قرار می‌دهند. اما



به نظر می آید والدین تو، بی علاقه به وجه آمریکایی تو بوده‌اند و در نتیجه تو به طور نهفته، دلسرد، افسرده و ناامید شده‌ای.

با خود می‌اندیشم که اگر تو فرزند من بودی چگونه می‌توانستم بطور واقعی، نیمه آمریکایی (غیر ایرانی) تو را هر لحظه در نظر بگیرم و به هويت مشترک ایرانی - آمریکایی تو ارج بگذارم.

چند روز پیش در ضمن فکر کردن به مطالب نامه‌ات، برای دیدار یکی از دوستان به بیمارستان رفته بودم، یک خانم و آقای مسن آمریکایی که بطور داوطلب در آنجا کار می‌کردند، نظر مرا به خود جلب کردند. خیلی کنجکاو بودم بدانم به چه دلیل یک فرد بازنشسته بطور داوطلب و رایگان به کار ادامه می‌دهد. بعد متوجه شدم که علیرغم این بینش نادرست ایرانی که به پیری به دوران بطالت و از کار افتادگی می‌نگرد، آنها می‌خواهند با پیوسته بودن به هستی و دیگران از دوران بازنشستگی نیز لذت ببرند.

برای خودیابی و نیز درک بیشتر تو در منزل دوره کتابخوانی دایر می‌کردم و از دوستانم می‌خواستم که ضمن خواندن کتاب‌هایی به زبان فارسی، چند کتاب و رمان خارجه نیز بخوانیم. نظرت در مورد کتاب‌های جومپا لاهیری چیست؟ او نیز یک زن جوان مهاجر هندی-آمریکایی است و به موضوع و مسائل مهاجرت آشناست. شاید از والدین ایرانی درخواست می‌کردم که خاطرات مهاجریشان را به دو زبان منتشر کنند که تو نیز از مسائل و کشمکش‌های درونی آنان بیشتر مطلع شوی.

هر هفته با تو به یک کلوپ موسیقی مورد علاقه‌مان می‌رفتیم. راستی شنیده‌ای که خواننده معروف جاز آمریکایی، Sam Mcclain با یک خانم ایرانی، مهسا وحدت همصدایی کرده و یک CD مشترک منتشر کرده‌اند؟ از کارهای دیگری که احتمالاً انجام می‌دادم، در اینترنت، گروه‌های حمایت از حفاظت محیط زیست، دفاع از حقوق همجنس‌گرایان، زنان، کودکان، مبارزه با آلودگی هوا و غذا را جستجو می‌کردم و در یک یا چند گروه فعالانه عضو می‌شدم. انتخابات آمریکا، سیاست جهان، انتخابات شهرداری و محلی شهر لس‌آنجلس و مسائل اقتصادی را پیگیری می‌کردم.

به زندان‌های کالیفرنیا سری می‌زدم زیرا همانگونه که می‌دانی تعداد زندان‌ها



مرکز اطلاعات ایرانیان

Iranian Information Center



08global.net

(818) 9 08 08 08

و زندانیان رو به ازدیاد است. تلاش می‌کردم در جلوگیری از جرم و جنایت و در ایجاد امنیت این ایالت داوطلبانه مشارکت کنم. یکی از علل اصلی ارتکاب جرم علاوه بر مسائل اقتصادی، فقر فرهنگی و مسائل خانوادگی است. بنابراین در دوران اصلاح رفتاری و در بازگشت زندانیان به آغوش جامعه، با گفتگو و حمایت و تشویق به آنان امید می‌دادم که تنها نیستند. در کنار غذاهای سنتی ایرانی برای تو و دوستان، لازانیا و پیتزا و چند غذای غیرایرانی تهیه می‌کردم.

در یادگیری زبان فارسی به تو اصرار نمی‌ورزیدم بلکه نخست از زیبایی‌های اشعار تفکربرانگیز و هوش‌ریا و حکایات دلنشین ایرانی برایت می‌گفتم تا آنقدر علاقه‌مند شوی که مانند برخی از نوجوانان دیگر که علاقه‌مند به بازیابی فرهنگ ایرانی شده‌اند، اشتیاق یادگیری از درون خودت بجوشد. با تو در مورد آنچه که دوست داری ولو اینکه مخالف عقیده من باشد گفتگو می‌کردم.

تو را آزاد می‌گذاشتم و مدام نق نمی‌زدم که به دیدنم بیایی و یا محرومیت‌های حال و گذشته مرا جبران کنی.

زیرا می‌دانم که با آزاد گذاردن تو از بار مسائل کم می‌کنم و تو با حمایت غیرمشرط من، موفق‌تر و رضایت‌مندتر خواهی بود؛ آنوقت با رضای خاطر و کمال میل به دیدارم خواهی آمد. اگر هم نیامدی اطمینان داشته باش که سرم با این همه برنامه و نیت جدید گرم است.

رویای عزیز، آیا می‌دانی که مهاجرین اولیه آمریکایی در دویت و اندی سال پیش، همین مسائل ما را تجربه کردند. در سالیان اولیه، این کشور شاهد نه تنها مسائل خانوادگی مهاجرین، بلکه جنگ‌های داخلی گروه‌های مختلف بود. اما آنچه سبب پاگیری دموکراسی نسبی در این کشور شد، گفتگو و گفتگو، مصالحه و وضع قوانینی بود که در بطن خود برای هر سلیقه‌ای جایی پیدا کرد.

بگذار ببینم برای نزدیک‌تر شدن به تو دیگر چکار می‌توانم بکنم؟! او، تلاش می‌کردم که هر روز از طریق کامپیوتر و یا تلفنات که به دریافت پیام از آن عادت کرده‌ای، چیزی برایت بنویسم: رویای عزیزم، من ترا با همه ویژگی‌هایت، لهجه، سلیقه، مذهب، تابعیت، ملیت، عقیده سیاسی، گرایش جنسی و زبان، همانگونه که هستی دوست دارم. تو رویای پیوند دو پاره‌های جهان موجود هستی و در تلاش و ترمیم این گسستگی‌ها، از جان و زندگی‌ات هزینه کرده‌ای. من نیز با تو همراهم آن‌گونه که تو می‌خواهی.

رویای دلبندم، چقدر خوبست که به من اعتماد و گفتگو می‌کنی زیرا در برابر این پویایی «جهان فرزندی‌ات» من نیز احساس غرور «جهان مادری» می‌کنم. تو مرا به یاد دوران نوجوانی‌ام می‌اندازی که در شب‌های عید خواب کفش‌های نو می‌دیدم تا با آنها یک‌سال بعد را به دنبال کسب نوآوری‌ها بدم. امسال کفشی شبیه کفش نارنجی‌ات برای خود خریده‌ام، برای دل تو که اصرار می‌کنی برای شادمانی خودم رنگ‌های روشن بپوشم نه رنگ تیره‌ی آبرومندان و موردپسند دیگران را. رویای عزیزم، من «نیت سال جدید» را به بررسی و اصلاح ویژگی‌های خود اختصاص می‌دهم. اما تو نیز امیدت را به محقق شدن رویاهایت از دست نده!

همیشه منتظر پیشنهادات خوب تو برای نواندیشی هستم!
نوروز پیروز - Happy Nowruz



نوروز در زندان‌های دهه ۶۰

ایرج مصداقی

این مطلب نخستین بار در ایرانشهر شماره ۱۶ به تاریخ مارچ ۲۰۱۴ منتشر شده است



هر یک از ما که در بیرون از مرزهای جغرافیایی ایران و خارج از قلمرو حکومت انسان‌ستیز جمهوری اسلامی زندگی می‌کنیم نوروز را به فراخور حالمان گرامی داشته‌ایم هرچند در پشت ذهن هر یک از ما دانسته است که در داخل قلمرو آن حکومت بسیاری در بند و زندان گرفتارند و نمی‌دانیم که نوروز را چگونه و به چه صورتی پاس می‌دارند. بدین سبب از ایرج مصداقی کهنه زندانی معروف در خواست کردیم که آنچه بر او و بر زندانیان سیاسی در ایام نوروز در زندان گذشته است را برای ایرانشهر قلمی کند. روایتی که می‌خوانید گزارش ایرج مصداقی است از واکافی خاطراتی که اگرچه تلخ بوده و هستند اما حکایتگر روح زایش و امید بهار و نوروز است در کالبد انسانی. بی تفاوت به آنکه جسم او در بند زندان‌های مخوف جمهوری جهل و جنایت باشد.

عید ۶۱ اوین

خون از در و دیوار می‌بارید و داس مرگ همچنان قربانی می‌گرفت. نوروز از راه می‌رسید و ما همچون «تنبونواز» داغدار میهنمان که به گاه «نوروز» در کنار ویرانی شهرها و خانه‌های سوخته و در میان اجساد عزیزانش که به شمشیر خلیفه عباسی پشته شده بودند، با چشمانی اشکبار تنبور خویش بر گرفته و نغمه سر داده بود: «ابا تیمار اندکی شادی باید، که گاه نوروز است» دل به نوروز سپرده بودیم.

سال نو نیمه شب تحویل می‌شد. اسدالله که زیانش ما را از سوراخ بیرون می‌آورد از مسئولان زندان اجازه گرفته بود که هنگام سال تحویل بیدار باشیم اما نزد پاسداران صحبتی از مراسم نکرده بود. با این حال آن‌ها را راضی کرده بودیم چای و پنیر اضافه بر جیره‌ی غذایی روزانه بدهند. این اولین نوروز زندان پس از شروع سرکوب خونین ۳۰ خرداد بود و هنوز مسئولان زندان تجربه‌ی لازم برای برخورد با چنین روزهایی را کسب نکرده بودند. در راهروی سالن یک «آموزشگاه» اوین سفره‌ای سراسری چیده شده بود و در دو طرف آن بچه‌ها نشسته بودند.

در چندین نقطه از سالن، سفره‌های هفت‌سین پهن شده بودند. اسدالله و چند نفر از بچه‌ها با لنگ حمام، کراوات زده و در طول بند رژه می‌رفتند و به شوخی با این و آن پرداخته و به جشن و پای‌کوبی و شعرخوانی شور بیشتری می‌بخشیدند. یک نفر نیز اسدالله را همراهی می‌کرد که او را «آقای فتو» صدا می‌زد. او با اشاره‌ی اسدالله از افراد مختلف با دوربین ساختگی‌ای که درست کرده بود، عکس می‌گرفت و تحویل‌شان می‌داد. عکس‌ها چیزی به جز نقاشی‌های ساده و ابتدایی نبودند. مثلاً عکسی که ظاهراً از تواب‌ها می‌گرفت و به دست‌شان می‌داد، کره‌خری بود که چهار دست و پایش را

در آن دوران لاجوردی به منظور فشار هرچه بیشتر روی زندانیان کشیدن سیگار را نیز ممنوع کرده بود.

سیگارهای ساختگی به وسیله‌ی کاغذ، با استادی تمام درست شده و در میان سفره‌ی هفت‌سین بند گذاشته شده بودند. تعداد زیادی از بچه‌ها یک نخ از آن‌ها را بر گوشه‌ی لب داشتند.

تا ماه‌ها بعد نیز از این شبه‌سیگارها استفاده می‌کردیم. با یک زدن به این شبه‌سیگارها احساس سیگار کشیدن به من دست می‌داد و از آن لذت می‌بردم. چند بار هم پاسدار که از چشمی روی در، سلول‌مان را می‌پایید به تصور این که می‌چم ما را هنگام سیگار کشیدن گرفته در را با سرعت باز کرد اما دست از پادراز تر برگشت.

بچه‌ها به طور دست‌جمعی ترانه‌ی «شکوفه می‌رقصد از باد بهاری» را به رهبری اسدالله می‌خواندند. رقص و آواز و شادی تا پاسی از شب ادامه داشت. اسدالله کوچک و بزرگ و غریبه و آشنا نمی‌شناخت، به سرعت با افراد اخت می‌شد و به شوخی و بذله‌گویی می‌پرداخت.

اسدالله با استعداد منحصر به فردش، میرحسین میرنجات قوامی، یکی از توانان مغفور را که از انجام هیچ زشتی‌ای فروگذار نکرده بود و داشته بود تا با ترانه «عمو سبزی فروش» که اسدالله خودش آن را می‌خواند، در میان جمع برقصید. دیدن صحنه آواز با عشوه‌هایی که اسدالله می‌آمد، و رقص «میرنجات» که از یک پای لنگید دل و روده برای کسی باقی نمی‌گذاشت. «سیدشله» مانند خرسی که در میان جمع به رقص آورده باشند، رقص مراسم شب عید بود و همین دست پاسداران را برای برخورد با افراد بند می‌بست و توانان هم نمی‌توانستند بر علیه ما نزد پاسداران سوسه بیایند.

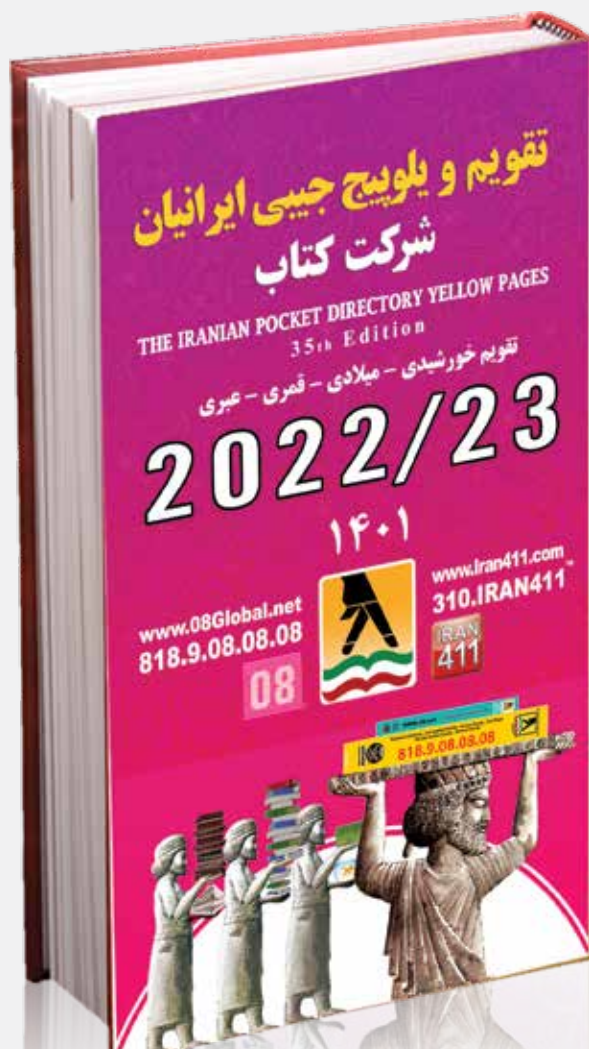
روزهای بعد نیز اسدالله با راه‌اندازی دسته‌ای در بند و در حالی که اتاق به اتاق می‌رفت، دست‌افشان و پای‌کوبان «شکوفه می‌رقصد از باد بهاری» را

IRANSHAHR Special Edition, Nowruz



تقویم و یلوپج جیبی ایرانیان شرکت کتاب

Iranian Pocket Yellow Pages



08global.net

خوانده و دیگران را نیز به همراهی با گروه ارکستر خود و می داشت. گزارش مراسم نوروز به لاجوردی یکی از دلایلی بود که باعث شد در اتاق‌های سالن یک را ببندند و اتاق‌ها به صورت مجرد در بیایند.

عید ۶۲ گوهردشت

از اواخر دی‌ماه، در جلسه هفتگی سالن ۱۹ زندان گوهردشت مقرر شده بود هر اتاقی یک مسئول فرهنگی جهت تهیه مقدمات برگزاری جشن نوروز معرفی کند تا زیر نظر جلال ماهرالنقش که در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمده بود و دارای لیسانس نقاشی و فوق لیسانس معماری داخل ساختمان بود و در دانشکده هنرهای زیبای نیز تدریس کرده بود، به کار پردازند.

مسئول صنفی بند موظف شده بود کاغذهای بسته‌بندی پرتقال و سیب خریداری شده از فروشگاه را که رنگی بودند، به جلال تحویل دهد. این کاغذها به رنگ‌های مختلف سفید، زرد، قرمز و نارنجی بودند. بچه‌ها با بردن این کاغذها به شکل نوارهای کوچک و چسباندن آن‌ها به یکدیگر با چسب برنجی که خود تولید می‌کردیم، کاغذ رنگی‌هایی تهیه می‌کردند که برای تزئین سالن مورد نیاز بود. درختی از کاغذ نیز درست شده بود که در انتهای بند خودنمایی می‌کرد. مسئولان فرهنگی روزها در تهیه آن‌چه که جلال فرمان می‌داد، مشغول بودند: فانوس‌های رنگی برای آویزان کردن از چراغ‌های راهرو، توپ‌های مقوایی با رنگ‌های شاد و متنوع، ماهی‌های تزئینی زیبا برای آویزان کردن از سقف، لوسترهایی از مقوا و کاغذهای رنگی که به شکل چرخ گاری‌های فیلم‌های وسترن بود، انواع و اقسام مجسمه‌ها و کارهای دستی با خمیر کاغذ و ...

حوالی ساعت هشت بامداد سال تحویل می‌شد و ما شب قبل اجازه گرفته بودیم که مقررات خاموشی رعایت نشود و بچه‌ها تا صبح بیدار باشند. پاسدار بند ساعت ۱۱ شب بند را ترک کرد و از همان موقع بچه‌ها هر آن‌چه را که طی ماه‌ها تهیه و پنهان کرده بودند، بیرون آورده، مشغول نصب آن‌ها شدند. از در و دیوار بند کاغذهای رنگی به شکل‌ها و طرح‌های گوناگون، همراه با نوشته‌های زیبایی مبنی بر «بهاران خجسته باد» و «نوروزتان پیروز» و ... از سقف آویزان شده بود. ماهی‌ها و توپ‌ها و فانوس‌ها به چراغ‌ها آویزان شده بودند. جای خالی روی دیوارهای بند دیده نمی‌شد. چرخ‌های تزئینی نیز جلوه‌ای خاص به اتاق‌ها بخشیده بودند. گویی که کارناوالی عظیم در بند جریان دارد. دو طرف بند دو پتوی رنگی سفید و سبز کم رنگ به دیوار زده شده بود و روی آن‌ها عکس‌های زیبای کودکان چسبانده شده بود. سفره‌ی هفت سین بزرگی در بند چیده شده و در گوشه کنار آن مرغابی‌های نقره‌ای رنگی که با زورق سیگار درست شده بودند، خودنمایی می‌کردند. به ابتکار بچه‌ها شمع‌های زیبایی تهیه شده بودند. شیشه‌های دارو را از وسط بریده و در قسمت تحتانی آن روغن غذا ریخته و یک فتیله میان آن قرار داده و روشن می‌کردیم. از آن‌جایی که رنگ شیشه قهوه‌ای مات بود، بسیار زیبا جلوه می‌کرد. این کار به سادگی امکان پذیر است. بالا و پایین محلی را که قصد بریدنش را دارید، با کش محکم بسته و سپس یک رشته پلاستیکی را بر سطح آن محکم می‌کشید. از اصطکاک حاصله، آن قسمت شیشه داغ می‌شود. کافی است شیشه را در آب قرار دهید تا به راحتی از محل مورد نظر بشکند. لیوان‌های چای‌مان را نیز به این صورت تهیه می‌کردیم.

صبح هنگام که پاسدار بند برای دادن چای در بند را باز کرد، نزدیک بود



از تعجب شاخ در بیاورد. فکر کرده بود از سر شب تا صبح همه‌ی این‌ها را ساخته و پرداخته کرده‌ایم. به ذهن‌اش خطور نمی‌کرد که این همه محصول چند ماه کار و انرژی است.

مراسم به شکل جمعی در بند برگزار شد و مسئولان اتاق‌ها و بند، کارگری روز و پذیرایی را انجام می‌دادند. محمود آتوش که سن بالاتری نسبت به بقیه داشت، از قبل به تعداد افراد بند، از مسئول صنفی بند اسکناس ۲۰ تومانی تحویل گرفته بود و همه‌ی بچه‌ها بعد از سال تحویل، ضمن روبوسی و تبریک سال نو به او، یک اسکناس ۲۰ تومانی از دست وی عیدی می‌گرفتند. سرود «بهاران خجسته باد» بعد از تحویل سال نو به شکل گروهی اجرا شد و سپس افراد مختلف به هنرنمایی پرداختند. کیک بزرگی نیز تدارک دیده شده بود که به همراه شربت و چای سرو می‌شد. نمایش‌های پانتومیم و تئاترهای گوناگون تا چند روز پس از عید نیز شب‌ها در بند اجرا می‌شدند. برگزاری شکوهمند مراسم نوروز باعث چرخش نگاه مسئولان زندان به بند ما و افزایش حساسیت‌هایشان شد. چیزی نگذشت که تاوان برگزاری مراسم نوروز را مسئول بند و من با رفتن به سلول انفرادی و ... پس دادیم.

عید ۶۳ سلول انفرادی

برای تجلیل از بهار و رسیدن نوروز، سلول‌های مختلف مراسم ویژه تدارک می‌دیدند. البته کیفیت آن بستگی داشت به حال و روز زندانی و نگاهش به زندگی. با بهار دوباره زنده می‌شدی و به قلب زمستان شلیک می‌کردی. در فضای سلول انفرادی زندانیان به فراخور حال، سفره‌ی هفت‌سینی بدیع فراهم می‌کردند. یکی که یک سبزه کم آورده بود، چون نامش با حرف سین شروع می‌شد، خودش در میان سفره نشسته بود! و دیگری خود سلول را سبزه گرفته بود. یکی از بچه‌ها قطعه شعری به جای هفت سبزه سروده بود: سین اول سلام؛ سلام به بهار و باران و یاران، سلام به پاکی چشمه‌ساران سین دوم سحر؛ سحر که مرغ می‌خواند، سحر که آوازش را سپیدار بیدار می‌داند سین سوم، سادگی؛ ساده باشیم مثل بنفشه کنار جوی با پاکی هم کاسه باشیم

سین چهارم، سرود؛ سرود شقایق و شعر و شور، سرود پرواز به دور سین پنجم، سپید؛ دست‌مان سپید، قلب‌مان سپید، مثل پرندای که به آسمان پرید

سین ششم، سفر؛ سفر کنیم با سیم‌رغ و صبح و شکوفه‌ی سیب، به سرزمین آب و نسترن و نی
سین هفتم، سلام؛ دوباره سلام، سلام به صبح و سپیده و سحر، سلام به پرواز و پر

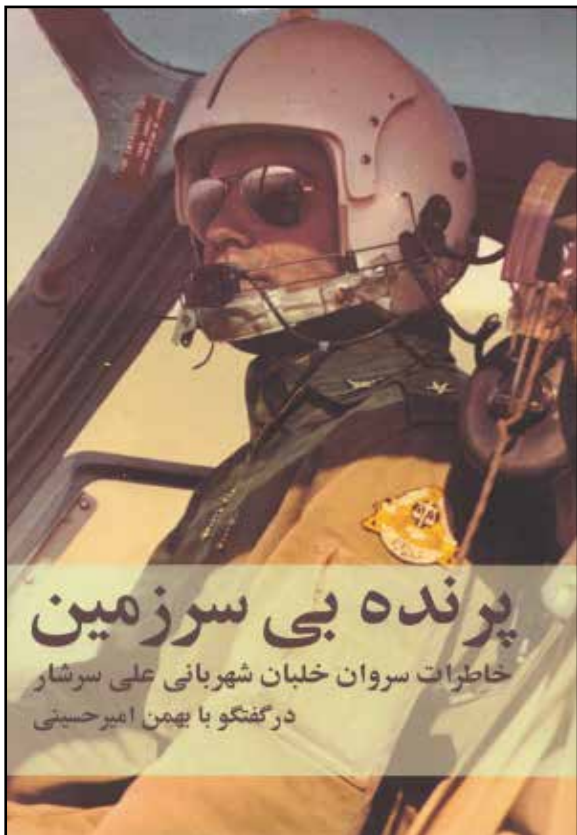
هفت‌سین سلول انفرادی اگرچه غیر متعارف بود ولی تلاش می‌شد که حتماً از هفت «سین» تشکیل شده باشد، مثلاً سطل که با پلاستیک و کیسه‌ی نان درست کرده بودی؛ سفره که با پلاستیک دوخته بودی؛ سنگریزه که در کف سلول و یاراهرو و حمام پیدا کرده بودی؛ سبده که از پلاستیک و مشمع درست شده بود؛ ساک اگر داشتی یا خودت درست کرده بودی و سوزن و ساعت اگر با خود داشتی. سینی که می‌توانست به هر چیزی مسطحی اطلاق شود. بعضی سفره‌ها سبزه و ماهی هم داشتند! ماهی را می‌شد با حفظ آلومینیومی قالب کره ساخت. قسمت آلومینیومی و نقره‌ای رنگ آن را از پوسته‌اش جدا کرده و بعد آن را روی یک تکه مقوا که به شکل مثلاً ماهی در آمده بود، می‌کشیدی. مهم نفس عمل بود. البته مهارت در امور هنری و داشتن سلیقه می‌توانست به ماهی مورد نظر شکل زیبایی بدهد. سبزه را می‌توانستی از خسیان‌دن هسته‌خرما در آب ته آفتابه و سپس قرار دادن هسته‌ها در پلاستیک و جای گرم برویانی. من سبزه‌هایی داشتم که ماه‌ها همراهم بودند و از طریق آن‌ها با طبیعت ارتباط برقرار می‌کردم. گاه علف کوچک کنار دیوار که در مسیر بازجویی و ملاقات و دادگاه و ... جسته بودی، زینت‌بخش سفره‌ی هفت‌سین‌ات می‌شد و گاه سبزی رسته بر پیاز کوچکی که به سلول راه‌یافته بود. هر سبزه‌ای که نشان از رویش داشت خجسته بود و گرامی.

آن‌چه در سلول انفرادی تهیه می‌شد، نه فقط هفت سبزه‌ی عید بلکه هفت سلاح آتشین بود در رزم با دشمنی که به غارت همه چیزمان کمر بسته بود؛ هفت کفش آهنین بود که به پا می‌کردی و با آن از هفت دریای خون و شکنجه می‌گذشتی؛ هفت شمشیر آخته بود که با آن هفت دیو خطرناک‌تر از



پرنده بی سرزمین

خاطرات سروان خلبان شهربانی علی
سرشار در گفتگو با بهمن امیر حسینی



پرنده بی سرزمین

خاطرات سروان خلبان شهربانی علی سرشار
در گفتگو با بهمن امیر حسینی

ketab.com

(310) 477-7477

ketab1@ketab.com



اکوان دیوار در هفت خوانی مهلک تر از هفت خوان رستم به خاک می افکندی
و ترنم هفت سرود عاشقانه بود در هفت گنبد مینا به یاد هفت پیکر زیبا!

عید ۶۴ قزلحصار

اولین مراسم عید بعد از برکناری حاج داوود رحمانی با شور و شوق خاصی در بند یک واحد سه زندان قزلحصار اجرا شد. هرچند مراسم جمعی در بند برگزار نشد ولی از مدت ها قبل اتاق ها با رویاندن سبزه های مختلف و برپا کردن سفره های هفت سین، به استقبال بهار و نوروز رفته بودند. قوطی های شامپو به مانند کوزه های سبزی در آمده بودند. بچه های اتاق ما «بهاران خجسته باد» زیبایی را به شکل یک تابلو رویانده بودند. تخم شاهی و خاکشی بهترین دانه برای رویاندن بودند و به سرعت رشد می کردند. یکی از بچه ها تابلوی زیبایی گل های بنفشه را با رنگ و روغن کشیده بود. موادش را از بخش فرهنگی بند که پس از برکناری حاج داوود رحمانی تعطیل شده بود برداشته بود.

بخش فرهنگی برای اعمال فشار هرچه بیشتر روی زندانی و شکستن او راه اندازی شده بود و حالا با ذوق و ابتکار یکی از بچه ها از ابزاری که پیشتر خمودی و مرگ را تبلیغ می کرد برای نشان دادن رویش و زندگی استفاده می شد.

مراسم نوروز به شکل عمومی انجام نگرفت، ولی دائم در حال آمد و شد به اتاق های یکدیگر برای بازدید عید و روبوسی بودیم. اتاق به اتاق به میهمانی می رفتیم و مورد پذیرایی قرار می گرفتیم.

اولین عید بعد از شرایط دهشت بار زمان حاج داوود، در من احساس فرح بخش اولین بهار آزادی را تداعی می کرد که بس کوتاه بود و زود گذر. در روزهای بعد رقص زیبایی لری و کردی در یکی از اتاق های بند در حالی که بچه ها از سر و کول هم بالا می رفتند اجرا شد. به مناسبت نوروز، من و همایون سماطی شعری فکاهی گونه درباره ی بچه های اتاق سروده بودیم. سال قبل «قبر» های حاج داوود رحمانی و «قیامتی» که برپا کرده بود ما را در خود می فشرد. می خواستند مدفون مان کنند، اما توفیقی نیافتند. ما برخاسته بودیم، نوروز آمده بود و زندگی همچنان ادامه داشت و قهقهه های سرمستانه ی ما فضا را پر می کرد.



عید ۶۵ قزلحصار

نوروز نزدیک می‌شد و همه آن را به فال نیک گرفته بودند. نسیم بهاری در راه بود و انجماد زمستانی رخت بر می‌بست. درگیری و تنش در بند ۲ واحد یک قزلحصار که در دوران حاج داوود شرایط بسیار سختی داشت به حداقل رسیده بود. همه چیز حکایت از آب شدن یخ‌های موجود در روابط بین زندانیان مجاهد در این بند داشت. من و تعداد دیگری از بچه‌ها ۵ ماه بود که به این بند منتقل شده بودیم. قرار بود از سال نو مخالفت‌ها به کنار نهاده شده و همه در ورزش و دیگر حرکات جمعی بند شرکت کنند.

مجتبی قدیانی که بعدها در کشتار ۶۷ به دار آویخته شد، مسئول فرهنگی اتاق بود و تمام تلاش خود را به خرج می‌داد تا تزیینات داخلی اتاق برای سال نو، به نحو احسن انجام گیرد. تجربه‌ی برگزاری مراسم نوروز در گوهردشت به کمک مان آمده بود. ستونی از کاغذ رنگی به شکل آبشار تهیه کرده بودیم که در وسط اتاق از سقف آویزان بود. دور تا دور قفسه‌های اتاق را با کاغذهای رنگی به شکل زیبایی آراسته بودیم. جنب و جوش در اتاق ما تأثیر به‌سزایی در سطح بند گذاشته بود و به تلطیف روابط میان زندانیان کمک شایانی می‌کرد. کاغذ رنگی‌ها مثل سابق، تشکیل یافته از کاغذهایی بود که دور میوه‌های زمستانی می‌پیچیدند. پیش از نوروز، جشن چهارشنبه‌سوری را نیز طی مراسمی در اتاق گرامی داشتیم. برگزاری جشن‌های ملی همچون شب یلدا و چهارشنبه‌سوری و نوروز جدا از شور و نشاط و شادابی که به محیط زندان می‌بخشید تأکیدی بود بر هویت ملی و سرشت جداگانه‌ی فرهنگی ما با حاکمان بر میهن‌مان.

عید ۶۶ گوهردشت

در بند ۲ زندان گوهردشت به سر می‌بردیم و سال تحویل حوالی هشت بامداد بود. کیک بزرگی که تهیه آن را مصطفی اسفندیاری برعهده داشت، با مرارت زیاد آماده شده بود. مسئولیت اجرای برنامه‌های هنری، از جمله تئاتر و میان پرده با حمید لاجوردی بود که به کارش مسلط بود. گروه‌های سرود فارسی و آذری نیز به تمرین مشغول بودند. گروه‌های تزیین سالن که مسئولیت آذین‌بندی حسینیه بند و دکوراسیون صحنه تئاتر را به عهده داشتند نیز همچنان فعال بودند.

فریدون فم تفرشی یک زندانی توده‌ای که در دوران شاه نیز سالیان زیادی را در زندان به سر برده بود سال‌خورده‌ترین فرد بند بود و نیازمند شارژ روحی. او از نظر جسمی بسیار ضعیف بود و به شدت لاغر و تکیده می‌نمود. عصب‌های کف پاهایش، در اثر ضربه‌های کابل، آسیب دیده بودند و به همین دلیل هنگام راه رفتن تعادل نداشت و از عهده‌ی انجام کارهایش بر نمی‌آمد. او برای ما، پیش از تمامی تضادهای سیاسی و ایدئولوژیکی که با او داشتیم، یک انسان رنج‌دیده بود و در کنار ما و در زیر یک سقف به سر می‌برد. به هنگام تحویل سال و به هنگام ورود به سالن حسینیه، تک به تک بچه‌های اتاق‌مان به سمت او که روی زمین نشسته بود رفته و با بوسیدن رویش فرارسیدن عید را از صمیم قلب به او تبریک گفتیم. مصطفی اسفندیاری که مسن‌ترین‌مان بود جلو و من که مسئول اتاق بودم پشت سر او قرار داشتیم. هیچ‌گاه صورت پیرمرد را فراموش نمی‌کنم. چشمان بی‌فروغ‌اش، درخشش عجیبی یافته بود.



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شیروخورشید ایران

سال نو مبارک

با وجود اینکه هنوز ما تلویزیون کانون را براه نیانداختیم ولی در قسمت برنامه ها در شبکه یک و دو حدود چهل کانال تلویزیونی کارتون زنده برای نوروز کودکان ایرانی بصورت ۲۴ ساعته برنامه های متنوع پخش میکند .

هم میهنان گرامی ،
پشتیبانی و تبلیغ شما از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شیروخورشید ایران در گسترش برنامه های پیشرفته آینده ما برای کودکان را سرعت میبخشد و ما میتوانیم پر قدرت تر و سریعتر برنامه ها و پروژه های خود را گسترش دهیم . این یک فعالیت همگانی و مردمی است . کار و تلاش و برنامه ریزی و سختیهای آن از ما تبلیغ و پشتیبانی از شما khorshidak.org



تلاش می کرد هر بار از زمین بلند شود و تمام قد در برابرمان بایستد. من با شاید همه‌ی ما، در آن لحظه به آن چه که او و دوستانش بر ما روا داشته بودند، فکر نمی کردیم و بیش تر به وظیفه‌ی انسانی خود، فارغ از مرزبندی‌های رایج سیاسی می اندیشیدیم.

کاغذهای رنگی و «عیدتان مبارک» که به زبان‌های مختلف فارسی، آذری و کردی نوشته شده بودند از سقف حسینیه آویزان بودند. سن زیبایی تهیه شده بود. گروه سرود فارسی و آذری، با انگیزه و احساس بسیار قوی ترانه «بهاران خجسته باد»، «آزادی» فرخی یزدی و نیز سرودهای زیبا، دل انگیز و ماندگار آذری را اجرا کردند. آن روز مصطفی اسفندیاری «الله ناز» را به زیبایی خواند. احمدرضا محمدی مطهری نیز حاجی فیروز بود و محمود سمندر پانتومیم اجرا کرد. در حین اجرای مراسم، سیدحسین مرتضوی رئیس زندان و پاسدارانش از بیرون به شیشه‌های سالن سنگ پرتاب می کردند و با فریاد می گفتند: نخوان! منافق! نخوان! مرگ بر منافق! ولی حمله و یورش به بند صورت نگرفت. در بندهای دیگر بچه‌ها آلات موسیقی هم درست کرده بودند. علی بلوریان با لیوان‌های آب سنتور درست کرده بود و به زیبایی می‌نواخت.

عید ۶۷ گوهردشت

زندانیان مذهبی و غیرمذهبی مدتی بود که در بندهای جداگانه تقسیم شده بودند. گویا مقدمات پروژه‌ی «پاکسازی» زندان‌ها چیده می‌شد. زندان مانند جامعه در تک و تاب بود. این بار اثرات جنگ شهرها در زندان هم احساس می‌شد. در آسمان هواخوری، موشک «اسکاد بی» را که به سمت تهران می‌رفت دیده بودیم. چند صبحی از اصابت موشک هواپیماهای عراقی به دیوار زندان نگذاشته بود. هرچند هرگونه حرکت جمعی در سطح بند ممنوع شده و امکان برگزاری مراسم نوروز را به شکل عمومی نداشتیم اما با هماهنگی‌ای که از پیش در سطح بند شده بود مراسم را برگزار کردیم. بند به چند مجموعه تقسیم شده بود و هر مجموعه جداگانه مراسم نوروز را اجرا می‌کرد. هیچ‌کس نمی‌توانست حدس بزند این آخرین نوروزی است که در کنار هم برگزار می‌کنیم.

عید ۶۸ اوین

جان به در بردگانی بودیم که کشتار ۶۷ را به تازگی پشت سر گذاشته و از گوهردشت به اوین منتقل شده بودیم. در روزهای تابستان نحسی که از سر گذرانده بودیم، هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم شاهد آمدن بهاری دوباره باشم. ولی بهار از راه رسیده بود و دوباره خانه را از طراوت و شادابی می‌آکند. مسئول بند بودم، مثل سال‌های قبل دوباره تمام اتاق‌ها، راهرو، حمام، توالت و حیاط زندان را شستیم و گرد و غبار از چهره‌ی زندان زدودیم. پاسداران با تعجب ما را نگاه می‌کردند، انتظار نداشتند بعد از آن کشتار دوباره کمر راست کنیم. دل و دماغ هر ساله نبود و مراسم عید مانند قبل گسترده برگزار نشد. با این حال فرصت را غنیمت شمرده در اتاقمان مراسم ساده‌ای را برگزار کردیم. به جایش بچه‌ها در صدد بودند با سبیدن سکه‌های ۵ تومانی و تبدیل آن به قلب و شمع، گردن‌بندهایی طلایی برای مادران شهدا تهیه کنند.

به مناسبت نوروز و سال نو، «عواطف» زندانبانان نیز گل کرده و دژخیمان بالاخره به مادر صونا اجازه دادند تا دو فرزندش هوشنگ و عباس (ابراهیم)



دست‌هام رو کجا بذارم. از خنده غش کرده بودم. بعد از مراسم روبوسی، همه‌ی بچه‌های بند در یکی از اتاق‌ها جمع شدند. بقیه نیز در راهرو نشسته بودند. آدم بود که از سرو کول هم بالا می‌رفت. موضع‌گیری سیاسی نداشتیم به همین دلیل منطقی نبود که نوروزمان را نیز در خفا جشن بگیریم و آن را نیز از خودمان دریغ بداریم. مراسم با خواندن شعر «جان نامیرا» توسط من آغاز شد که وصف حال ما پس از کشتار ۶۷ بود.

چه شکوهی دارد
جان نامیرای دریاها
هر چه از آبش می‌نوشند
هر چه از ماهیش می‌گیرند
باز دریا آبی ست
باز دریا لبریز ماهی ست
چه راز شیرینی ست
در سر سبزی ما
هر چه خزان
سبزمان را می‌گیرد
باز سر سبزم
هر چه تاریکی از ما
ستاره می‌چیند
باز هر شب
بر شاخه گل داریم
چه شکوهی دارد
راز سر سبزی و سرشاری ما

محمد رحیمی را ملاقات کند. مادر به همراه دو دخترش سهیلا و مه‌ری در اوین اسیر بود و در خلال قتل عام، دو دخترش به جوخه‌ی اعدام سپرده شده بودند. پیرزن تا مدت‌ها نمی‌دانست بر سر هوشنگ و عباس چه رفته است؟ یک فرزند و نوه‌اش را در سال ۶۰ از دست داده بود و عمو جلیل همسرش و روح‌انگیز دخترش نیز مدت‌ها در اسارت رژیم بودند. هوشنگ بعد از آزادی در سال ۷۰، دوباره دستگیر و در سال ۷۱ جاودانه شد. بدون آن که رژیم حتا مسئولیت دستگیری‌اش را بپذیرد. هوشنگ از عواطف مادر می‌گفت و این که او چگونه آن‌ها را در آغوش گرفته و مویه کرده بود. بدون شک حتا یادآوری آن‌چه که بر او رفته، دردناک است و فاجعه‌بار. هوشنگ و عباس با هدایای مادر بازگشتند. من هر بار که هوشنگ را می‌دیدم، بی‌اختیار به یاد مادر صونا می‌افتادم و مصیبتی که متحمل شده بود. ما را گریزی از عواقب آن‌چه که در قتل عام‌ها گذشته بود، نبود و نیست.

عید ۶۹ اوین

در سالن ۶ «آموزشگاه» زندان اوین بودیم و سبزه‌ها در اتاق‌ها می‌روئیدند و سفره‌های هفت‌سین چیده می‌شدند و دوباره ما لباس نو می‌پوشیدیم، اتاق به اتاق می‌رفتیم و سال نو را تبریک می‌گفتیم و جای خالی «موسی» و همه‌ی شهدا و به ویژه بچه‌هایی را که در قتل عام تابستان ۶۷ پر شده بودند، گرامی می‌داشتیم و مثل هر سال، به همدیگر نوید پیروزی می‌دادیم و آرزوی سالی خوش می‌کردیم.

محمود رویایی بالنگ کراواتی زده و در بند رژه می‌رفت. امیرانتظام نتوانست خوشحالی خود را پنهان کند و گفت: بعد از سال‌ها چشم‌مان به جمال کراوات روشن شد! واقعاً دلش برای کراوات تنگ شده بود. ...

خمینی مرده بود و ما همچنان زنده بودیم. یادش به خیر موقع روبوسی ابوالحسن مرندی بغل دست من ایستاده بود و پیراهنی نو به تن داشت، سرش را بغل گوشم گرفت و گفت از وقتی این پیراهن نو را پوشیدم نمی‌دونم



BBB MOVING SHIPPING & STORAGE

اسباب کشی برای جنوب کالیفرنیا و سایر نقاط

آمریکا و کانادا با بیش از ۴۵ سال سابقه

صدافت Honesty

قابل اطمینان بودن Dependability

کمترین استرس Less Stress

احترام Respect

Encourage you to talk to our competitors

www.BBBmoving.com

18432 OXNARD BLVD

TARZANA CA 91356

DoT# 2526974

David Cohanim

A Former IDF Soldier

866-317-9403

818-402-3139

بعد شعر «هفت‌سین» [که در بالا آمده] خوانده شد. ... مرحوم دکتر یحیی نظیری چند ترانه‌ی زیبای قدیمی را با صدایی دلنشین اجرا کرد. گویی که پیرانه سر، جوانی از سر گرفته بود. سرانجام محمود رویایی شعر «نوروز» را خواند که به تازگی در زندان سروده شده بود و من آن را از حفظ کرده بودم.

نگرانم

اگر چه پنجره باز است و برگ گل آبی ست

اگر چه در رگان مرگ

حبابی شکفته می شود و شب آفتابی ست

با این همه نگرانم

در تمام فصول

کسی مغلوب می شود و کسی پیروز

کسی عربان تر از خدا به زیر باران می دود

کسی در بازار جهان نانی می خورد و جانی می دهد

و کسی برای دلبر کش نی لبک می زند

در تمام این فصول

من نگرانم

نوروز

امروز یا دیروز

یا هر روز ابری و آفتابی

که جهان پوشیده‌ی شرمی عنابی ست

من نگران چشم‌های تو هستم

که کی گشوده می شوند

مراسم نوروز تا پاسی از شب با شعر و آواز ادامه یافت. نوروز ۷۰ را هم در زندان بودم و هنوز آنان که دل‌شان برای آزادی میهن می تپد نوروز را در زندان جشن می گیرند.





عطر نوروز در خامه شاعران پارسی سرا



جهان انجمن شد بر تخت اوی
فرومانده از فره بخت اوی
به جمشید بر گوهر افشاندند
مر آن روز را روز نو خواندند

* رودکی

رودکی یکی از بزرگترین شاعران فارسی دری ایران است از ابیات، قطعات، قصائد و غزلهای معدودی که از رودکی باقی مانده است، می توان به نیکی دریافت که این شاعر در فنون تصنیف شعر، استاد و ماهر بود و سخنان وی در قوت تشبیه و نزدیکی معانی به طبیعت و وصف آن، کم نظیر است و لطافت، متانت و انسجام خاصی در آنها مشاهده می شود.

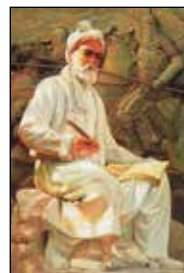
آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب
با صد هزار زینت و آرایش عجیب
لاله میان کشت، درخشد همی ز دور
چون پنجه عروس به حنا شده خضیب
بلبل همی بخواند اندر شاخسار بید
سار از درخت سرو، مر او را شده مجیب

* فرخی سیستانی

شاعر اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است. بخشی از یک ترجیع بند بلند از او درباره نوروز:

وجود نوروز و آمدن بهار و طراوت دوباره طبیعت به خودی خود انگیزه ای خواهد شد تا روح لطیف شاعر را به پرواز در آورد و سبب سراییدن منظومه هایی بس زیبا و شکیل و لطیف شود. با کنکاش در طول تاریخ شعر و ادب پارسی گنجینه های فراوانی از این دست را می توان مشاهده کرد که با سبکها و قالبها و انگیزه های متفاوتی سروده شده اند. در ادامه به چند مورد از لطیفترین اشعار شعرای برجسته پارسی اشاره ای داریم. شعری که از آنها یاد می کنیم عبارتند از: فردوسی، رودکی، فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، خیام نیشابوری، بوالفرج رونی، مسعود سعد سلمان، جمال الدین عبدالرزاق، بابا طاهر، عطار نیشابوری، حافظ، هاتف، قانی، سعدی، مولوی و ملک الشعرای بهار

* فردوسی



جمشید نام پادشاهی است از پادشاهان قدیم ایران و چهارمین پادشاه، بعد از پایه گذاری سلسله پادشاهی توسط کیومرث که پس از پدرش تهمورث، به پادشاهی رسید. وی در اول "جم" یعنی سلطان و پادشاه بزرگ نام داشت. سبب "جمشید" نامیدن آن شد که او سیر عالم می کرد و چون به آذربایجان رسید روزی بود که آفتاب به نقطه حمل آمده و بهار آغاز شده بود، دستور داد که تخت مرصعی را در جای بلند گذاشتند و تاج جواهر نشان بر سر نهاد و بر آن تخت نشستند و چون آفتاب طلوع کرد و پرتو آفتاب بر آن تاج و تخت افتاد، شعاعی در نهایت روشنی پدید آمد و چون به زبان پهلوی شعاع و انوار نور را "شید" می گویند، این لفظ را بر جم افزودند و وی را "جمشید" گفتند یعنی پادشاه روشن و در آن روز جشنی عظیم برپا کردند و آن را روز "نوروز" نام نهادند.



ketab.com
 (310) 477-7477
 ketab1@ketab.com



ز باغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید
 کلید باغ ما را ده که فردامان بکار آید
 کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید
 تو لختی صبر کن چندانکه قمری بر چنار آید
 چو اندر باغ تو بلبل بدیدار بهار آید
 ترا مهمان ناخوانده بروزی صد هزار آید
 کنون گر گلبنی را پنج شش گل در شمار آید
 چنان دانی که هر کس را همی زو بوی یار آید
 بهر امسال پنداری همی خوشتر ز یار آید
 از این خوشتر شود فردا که خسرو از شکار آید
 بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
 ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی

* منوچهری دامغانی

شاعر نیمه اول قرن پنجم هجری است. در شعر وی نوعی موسیقی و آهنگی خاص وجود دارد چنانکه در حین خواندن شعر او نوعی موسیقی نیز به خواننده القا می شود.



بر لشکر زمستان نوروز نامدار
 کردست رای تاختن و قصد کار زار
 وینک بیامدست پنجاه روز پیش
 جشن سده طلایه نوروز نامدار
 آری هر آنکه‌ی که سپاهی شود برزم
 ز اول بچند روز بیاید طلایه دار
 این باغ و راغ ملک نوروز ماه بود
 این کو و کوهپایه و این جوی و جویبار
 جویش پر از صنوبر و کوهش پر از سمن
 راغش پر از بنفشه و باغش پر از بهار
 بر سبزه بهار نشینی و مطربت بر سبزه بهار زند سبزه بهار
 آمد نوروز و هم از بامداد آمدنش فرخ و فرخنده باد
 باز جهان خرم و خوب ایستاد مرد زمستان و بهاران بزاد
 روی گل سرخ بیاراستند زلفک شمشاد بیاراستند
 کبکان برکوه بتک خاستند بلبلکان زیر و ستا خواستند
 آمدت نوروز و آمد جشن نوروزی
 فراز کامگارا گیتی ، تازه از سر گیر باز

و در مسمط دیگری گفته:

نوروز بزرگم بزن ای مطرب نوروز
 زیرا که بود نوبت نوروز به نوروز
 برزن غزلی نغز و دل انگیز و دلفروز
 ورنه نیست ترا بشنو از مرغ نوآموز
 کاین فاخته زان کوز و دگر فاخته زانکو
 ز بر قافیه خوب همی خواند اشعار

* عمر خیام نیشابوری

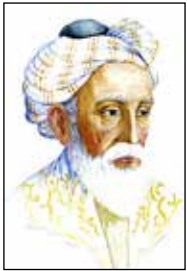


حکیم عمر خیام در قرن پنجم می زیسته و یکی از آثار مهم وی رباعیات است که شهرت عالمگیر دارد. حکیم خیام کلامش مملو از استدلال و آگاهی دادن است و هر خواننده ای را وادار به تفکر می کند.



* جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی *

اینک اینک نوبهار آورد بیرون لشکری
هر یکی چون نوعروسی در دگرگون زیوری
گر تماشا می کنی بر خیز کاندرا باغ هست
با چون مشاطه ای و باغ چون لعبت گری
عرض لشکر می دهد نوروز و ایرش عارض است
وز گل و نرگس مراد را چون ستاره لشکری



* بابا طاهر *

این شاعر بزرگ که در قرن پنجم و در همدان می
زیسته است، از شعرای نامی و عارف مسلک، ساده و
بی پیرایه است. بابا طاهر دو بیتی هایش را به لهجه
ای سروده که نشان دهنده زبان پهلوی است و بیگمان
محبوبیت و شهرت باباطاهر مرهون توجهی است که به
این زبان و کشور خود داشته است و در نهایت سادگی با
آهنگ دلنشین، روح ایرانی را تسلی بخشیده است.



عزیزان موسم جوش بهاره
چمن پر سبزه و صحرا لاله زاره
دمی فرصت غنیمت دان در این فصل
که دنیای دنی بی اعتباره

* عطار نیشابوری *

شاعر عارف و نامداری است که در قرن ششم در
نیشابور می زیسته و بیشتر اشعارش حال و هوای عرفانی
دارد و شاعران عارف بعد از وی از اشعار عطار الهام گرفته
اند.



جهان از باد نوروزی جوان شد
زهی زیبا که این ساعت جهان شد
شمال صبحدم مشکین نفس گشت
صیای گرم رو عنبر فشان شد
تو گویی آب خضر و آب کوثر
ز هر سوی چمن جوئی روان شد

* حافظ شیرازی *

عارفی که اشعارش در نهایت لطافت، همراه با ایجاز
و موسیقی کلام و فصاحت تمام است. از غزلیات شیوا
عارفانه و عاشقانه حافظ خوش سخن در باره
نوروز، گلزار و صحرا و چمن و غنچه و گل، چند
بیت در اینجا نقل می کنیم:



ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی
از این بادار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
ز جام گل دگر بلبل چنان مست می لعلست
که زد بر چرخ فیروزه صغیر تخت فیروزی
بصحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی
بگلزار آئی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی
سخن در پرده می گویم چو گل از غنچه بیرون آئی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی .



بر چهره گل شبنم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است.

چون ابر به نوروز رخ لاله بشست
بر خیز و بجام باده کن عزم در دست
کاین سبزه که امروز تماشاگه تست
فردا همه از خاک تو بر خواهد رست .

* بو الفرج رونی *

جشن فرخنده فروردین است
روز بازار گل و نسربین است
آب چون آتش عود افروزست
باد چون خاک عبیر آگین است
باغ پیراسته گلزار بهشت
گلبن آراسته حورالعین است



* مسعود سعد سلمان *

رسید عید و من از روی حور دلبر دور
چگونه باشم بی روی آن بهشتی حور
رسید عید همایون شها به خدمت تو
نهاده پیش تو هدیه نشاط لهُو و سرور
بر رسم عید شها باده مروق نوش
به لحن بربط و چنگ و چغانه و طنبور





انستیتو خدمات

به مدیریت دکتر امیر حقیقت

دارنده اجازه رسمی از ایالت کالیفرنیا
جهت انجام ازدواج شرعی-رسمی و آمریکایی

- * امور مهاجرت . پناهندگی . اخذ پاسپورت سفید
- * تابعیت آمریکا، اخذ ویزای نامزدی ، خانواده
- * ترجمه و تنظیم مدارک و کلیه خدمات وابسته
- * گواهی و تصدیق امضا . نوتاری
- * تهیه و تنظیم وکالتنامه . دعوتنامه . رزومه
- * تنظیم شرکتنامه . قرارداد . وصیت نامه
- * امور حسابداری Book keeping
- * امور مربوط به سفارت ایران . تمدید
- و تجدید پاسپورت
- * انجام مکاتبات تجاری و شخصی
- * تایپ فارسی، انگلیسی با کامپیوتر
- * انجام امور مالیاتی شخصی و شرکتهای

(310) 473-3344

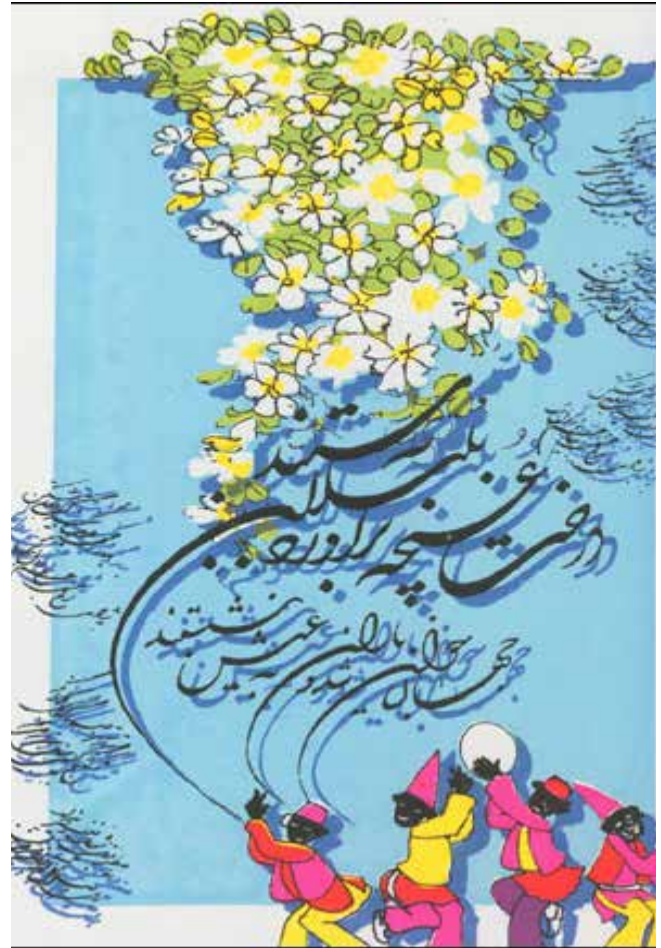
Fax: (310) 473-4519

1441 WESTWOOD BLVD #C, LOS ANGELES CA 90024

Valley Office

(818) 343-5113

amirhg55@gmail.com



ساقیا سایه ابرست و بهار و لب جوی
من نکویم چه کن از اهل دلی خود بگوی .

دوستان وقت گل آن به که به عشرت کوشیم
سخن اهل دلست این و بجان بنیوشیم .

افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن
مقدمش یارب مبارک باد بر سرو چمن

*هاتف اصفهانی

نسیم صبح عنبر بیز شد بر توده غبر از زمین
سبز نسرين خیز شد چون گنبد خضرا
ز فیض ابر آزادی زمین مرده شده زنده
ز لطف باد نوروزی جهان پیر شد برنا
بگرد سرو گرم پرفشانی قمری نالان
به پای گل به کار جان سپاری بلبل شیدا...
همایون روز نوروز است امروز و بیفروزی
بر اورنگ خلافت کرده شاه لافتی ماوی





کی گل از کیسه بر آرد زر برون
کی بیاید بلبل و گل بو کند
کی چو طالب، فاخته کوکوکند؟



ملک الشعراى بهار

ملک شعراى بهار در سال ۱۳۱۷ قصیده بلندی در وصف نوروز و زیبایی های طبیعت سروده که بخشی از آن را با هم مرور می کنیم:

بهار آمد و رفت ماه سپند
نگار ادرافکن بر آذر سپند
به یکباره سر سبز شد باغ و راغ
ز مرز حلب تا در تاشکند
بنفشه ز گیسو بیفشاند مشک
شکوفه به زهدان پیرو دقند
به یک هفته آمد سپاه بهار
ز کوه پلنگان به کوه سهند
جهان گر جوان شد به فصل بهار
چرا سر سپید است کوه بلند؟
هفت شین ساز مکن جان من اندر شب عید
شکوه و شین و شغب و شهقه و شور و شیون
هفت سین ساز کن از سبزه و سنبل و سیب
سنجد و ساز و سرود و سمنو سلوی من
صبح عید است برون کن ز دل این تاریکی
کاخر این شام سیه ، خانه نماید روشن
رسم نوروز به جای آر و از یزدان خواه
کاورد حالت ما باز به حالی احسن



قائنی

رساند باد صبا مژده بهار امروز
ز توبه توبه نمودم هزار بار امروز
هوا بساط ز مردم فکند در صحرا
بیاکه وقت نشاطست و روز کار امروز
سحاب بر سر اطفال بوستان بارد
به جای قطره همی در شاهوار امروز

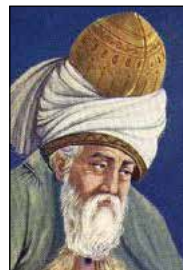


سعدی

رسیدیم به استاد سخن. استادی که گرمای کلامش در پس هفت قرن به سردی نگراییده و به راستی که استاد سخن سعدی است. طبع لطیف و ذوق بیمانند و استعداد شگرف سعدی که بخشش ایزدی است، نیک پرورش یافت و به کمال نزدیک شد. بیگمان آب و هوای فرح بخش شیراز و صحراهای سبز و خرم و دشتهای پر گل و لاله و مرغان خوش نوا نیز در الهام گرفتن وی از جمال طبیعت، تاثیر فراوان داشته است.

درخت غنچه بر آورد و بلبلان مستند
جهان جوان شد و یاران بعیش بنشستند
بساط سبزه لگد کوب شد به پای نشاط
ز بس که عارف و عامی برقص بر جستند.

وقتی دل سودائی میرفت بستانها
بیخویشتم کردی ، بوی گل و ریحانها
گه نعره زدی بلبل ، گه جامه دریدی گل
با یاد تو افتادم ، از یاد برفت آنها



مولوی

مولوی معتقد است که غم و شادی دو پدیده طبیعی روح بشر است و هرگز نمیتوان آن را از قاموس زندگی بشر حذف کرد. بهر حال غم و شادی ، هر دو برای رشد و کمال شخصیت آدمی لازم است . مولوی با الحام از وضعیت بهار و سرسبزی گلستان و روئیدن گلهای و برآمدن شکوفه ها ، به این نکته اشاره دارد:

آتش و آبی بیاید میوه را
واجب آید ابر و برق این شیوه را
تا نباشد برق دل و ابر دو چشم
کی نشیند آتش تهدید و خشم؟
کی بروید سبزه ذوق وصال
کی بجوشد چشمه ها ز آب زلال؟
کی گلستان ، راز گوید با چمن
کی بنفشه عهد بندد با سمن
کی چناری کف گشاید در دعا
کی شکوفه سرفشانند در هوا؟
کی شکوفه آستین پر نثار
برفشانند گردد ایام بهار؟
کی ز درد لاله رارخ همچو خون



دکتر افشین اخوت

متخصص بیمه های تجاری
با ۳۰ سال تجربه



- Professional liability (malpractice)
- Workers Compensation • EPLI
- Cyber/data breach and much more...

- Commercial building • Shopping centers
- Office buildings • Apartment buildings
- Restaurants • Contractors and more...

ارزان ترین نرخ بیمه های تجاری • ساختمان • مرکز خرید
کارمند و کارفرما و غیره از معتبرترین شرکت های بیمه

(800) 645-8884

20251 Ventura Blvd., Suite B, Woodland Hills, CA 91364

www.imperialagent.com

دکتر صدی حدادیان



Sedi Hadadian, M.D.
Obstetrics, Gynecology & Infertility

جراح و متخصص بیماریهای زنان
زایمان و نازایی از ایران و آمریکا

(888) 816 - 2291

(818) 888 - 8802

EPIS

EMPIRE
PACIFIC
INVESTIGATIVE
SERVICES

Investigating & Consulting Services

1-310-657-3747

1-310-433-5332



آیا نگران فرد دیگری در زندگی خود هستید؟

مایک حکیمی

دوست شما در لحظات حساس زندگی

شرکت کتاب پیشگام در انتشار و فروش کتابهای

دیجیتال

با استفاده از تکنولوژی



Google play www.ketab.com





غدیر به جای نوروز:

طرحی که به انجام نرسید

مجید محمدی (جامعه شناس)



سنن شیعی به جای سنن ملی

ابوالقاسم خزعلی یکی از اعضای شورای نگهبان روش این مهندسی فرهنگی را در حیضه‌ی اعیاد به صراحت بیان کرده است: «مردم مسلمان ایران باید عید غدیر را به جای عید نوروز به عنوان عید بزرگ خود برگزینند.» (در همایش غدیر، نوآوری و شکوفایی، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۷) او این طرح خود را چندین بار تکرار کرده و هیچ‌گاه با مخالفت رسمی مراجع شیعه و نهادهای مذهبی شیعه و روحانیون قدرتمند در ایران مواجه نشده است. تنها ترس از مردم سبب شده حکومت خامنه‌ای چنین ایده‌ای را به اجرا نگذارد. خامنه‌ای به دلیل عدم مشروعیت مذهبی در بسیاری از امور به ایده‌های روحانیون تن در داده است مگر آن که بنیان حکومت را در خطر می‌دیده است.

سیاست نابود سازی گام به گام

از منظر روحانیت شیعه جشن‌های ملی ایرانیان باید مثل چیزهای دیگر اسلامی شده، اعیاد اسلامی و بالاخص اعیاد شیعه باشد و نه آنچه از ایران باستان برای مردم این سرزمین به یادگار مانده و غیر اسلامی تلقی می‌شود. از این جهت نسبت به نوروز چهار برنامه مد نظر حکومت قرار گرفت:

۱) کاهش تعطیلات نوروز از ۱۴ روز برای دانش آموزان و دانشجویان به ۷ روز. این طرح در سال‌های پایانی دهه‌ی پنجاه توسط دولت رجایی مطرح شد اما با مقاومت ملی روبرو شده و هیچگاه دیگر مطرح نشد.

۲) افزایش تعطیلات مربوط به اعیاد اسلامی و شیعی مثل عید فطر و عید غدیر تا با توجه به زیاد بودن تعطیلات در تقویم رسمی، اعضای دولت و مجلس در نهایت به کاهش تعطیلات نوروز تن در دهند. روحانیون با همین سیاست بسیاری از روزهای عزای مذهبی را به تقویم افزودند و در نهایت از تعطیلات مربوط به روزهای ملی کاسته شد. دولت احمدی نژاد در هشت سال گذشته تعطیلات عید فطر را بدون تصویب در مجلس به دو تا سه روز افزایش داده است.

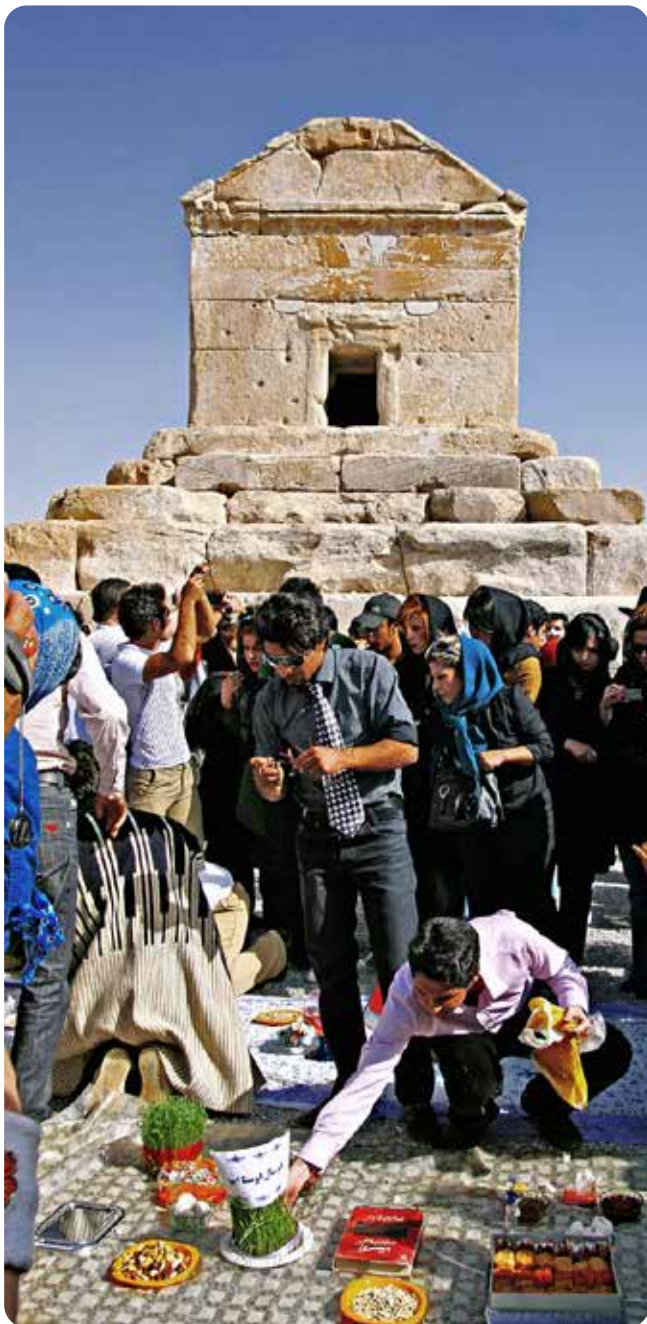
۳) اسلامی کردن نوروز با پخش برنامه‌های دعا خوانی و پیام‌های ولی فقیه و رئیس دولت پس از سال تحویل از رادیو و تلویزیون، پر کردن سفره‌های هفت سین دولتی از نمادهای مذهبی و اخذ

وقتی روحانیت شیعه در ایران در سال ۱۳۵۷ قدرت سیاسی را به دست گرفت تصور می‌کرد که با اتکا به قدرت دولت و درآمدهای سرشار و بادآورده‌ی نفتی و قوای سرکوب استخدام شده از میان طبقات فقیر و باورمند هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد و هیچ مانعی بر سر راه آن نیست. همچنین روشنفکران دینی و بخش قابل توجهی از روشنفکران عرفی (مارکسیست‌ها) که به دنبال هویت گم شده‌ی خویش می‌گشتند تا از انسان غربی متفاوت باشند (معلوم نیست برای چه) و حاضر بودند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر را برای آن قربانی کنند و دایناسورهای چند صد سال منجمد شده را بر مردم ایران حاکم کنند با حکومت تازه تاسیس همراهی می‌کردند و خیال روحانیون از جهت آنها راحت بود.

یکی از این حیضه‌هایی که روحانیت شیعه در واکنش به ملی‌گرایی دوران پهلوی به دنبال اسلامی کردن آن بود سنن ملی ایرانیان بود که باید جای خود را به سنن دینی و اسلامی (شیعه) می‌دادند. روحانیون در این حیضه ولع زیادی از خود نشان می‌دادند و ادعا داشتند که اسلام مورد نظر آنها به همه‌ی نیازهای فرهنگی آدمیان پاسخ می‌دهد و دیگر نیازی به چیز دیگری نیست.

مهندسی فرهنگ

علی خامنه‌ای به صراحت از مهندسی فرهنگ به دست دولت یا در واقع نابودی فرهنگ عرفی ایران سخن گفته‌است: «ما چه می‌خواهیم بکنیم با اخلاق مردم، با فرهنگ مردم؟ آیا ما به عنوان دولت اسلامی می‌توانیم هدایت فرهنگی جامعه‌ی خودمان را رها کنیم؟ قطعاً نه، جزو وظائف ماست... ما وظیفه داریم مردم خودمان را هدایت بکنیم؛ هدایت... ریاست در جامعه‌ی اسلامی، ریاست مادی محض و صرف نیست؛ اداره‌ی امور زندگی مردم هست، همراه با هدایت. تا آنجائی که می‌توانیم، باید راه هدایت مردم را باز کنیم و مردم را هدایت کنیم... باید در جهت‌ی حرکت کنیم که مردم متدین بار بیابند، متدین عمل بکنند، به مبانی دینی معتقد بشوند، عملاً پایبند بشوند.» (توصیه‌های علی خامنه‌ای به دولت دهم، شهریور ۱۳۸۸، تابناک، ۳ شهریور ۱۳۸۹) خمینی هم به زبان عامی خود می‌گفت که «مملکت اسلامی همه چیزش باید اسلامی باشد.» این همه چیز طبعاً اعیاد و جشن‌ها را نیز در بر می‌گیرد.



و اعصاب خرد کن هم شده (به دلیل شلوغی شهرها و دشواری و بسیار هزینه بر شدن رفت و آمد) در یک روز همه‌ی دیدارها را انجام دهند. در خارج کشور این امر به صورت یک سنت برای ایرانیان درآمده است.

و چهارم آن که جامعه بر خلاف جهت گیری حکومت برای هر چه اسلامی تر کردن نوروز این مراسم را هر چه بیشتر به صورت عرفی آن برگزار می‌کند. برخی برای ابراز این عرفی بودن در ساعت تحویل سال بر سر قبر حافظ یا مقبره‌ی کوروش در پاسارگاد می‌روند. البته فشارهای حکومت در کلیت جامعه از جهت غیر جمعی کردن جشن نوروز و محدود کردن آن در محیط خانه‌ها موفق بوده است.

جنبه‌های ملی و باستانی از آن. بخش اسلامی شده‌ی نوروز چنان معرفی می‌شود که گویی ائمه‌ی شیعه و خود پیامبر اسلام عید نوروز را گرامی می‌داشته‌اند. اکثریت مردم ایران با خاموش کردن رادیو و تلویزیون خود به این نحوه‌ی برخورد پاسخ داده‌اند.

(۴) مبارزه‌ی بی‌امان با جشن‌ها و مراسم قبل و بعد از نوروز یعنی چهارشنبه سوری و سیزده بدر، هر دو تحت عناوینی مثل خرافی بودن یا مخرب بودن برای امنیت جامعه و طبیعت. هر آنچه شیعیان در مذهب خود می‌کنند از منظر حکومت عین حقیقت است و خرافه‌ای در آن نیست اما سنی که ریشه در اسلام ندارند خرافی‌اند. مقامات جمهوری اسلامی که تنها موضوعاتی که برایشان اهمیت ندارد طبیعت و جامعه است به چهارشنبه سوری و سیزده بدر که می‌رسند طبیعت‌گرا و طرفدار آرامش روانی و عدم آلودگی صوتی می‌شوند.

حکومت در چهل و سه سال گذشته مبارزه‌ی بی‌امان خود را علیه سنن ملی ادامه داده و البته موفقیتی در این زمینه کسب نکرده است. روز سه شنبه‌ی آخر سال، حکومت همه‌ی قوای انتظامی و شبه نظامی و لباس شخصی خود را علیه جوانانی که می‌خواهند مراسم چهارشنبه سوری را جشن بگیرند بسیج می‌کند. در سیزده نوروز نیز حکومت هیچ‌گونه تمهیداتی را فراهم نمی‌کند و کار خاصی انجام نمی‌دهد تا افراد از ترافیک حاشیه‌ی شهرها ذله شوند و خود دست از این کار بردارند. این در حالی است که حکومت برای مراسم دولتی و مذهبی انواع خدمات مجانی مثل مترو و اتوبوس مجانی و حفظ امنیت همه جانبه برای شرکت کنندگان را فراهم می‌کند و به شرکت کنندگان غذا و نوشیدنی مجانی نیز داده می‌شود.

تحولات اجتماعی و نوروز

اما فراتر از برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در جهت نابودی بخش‌های ماقبل اسلام، فرهنگ و میراث ایرانی، جشن نوروز در چهار دهه‌ی گذشته تغییرات و تحولاتی را در جامعه‌ی ایران متحمل شده است. این تحولات ناشی از تحولات بزرگ‌تر اجتماعی و سیاسی در جامعه بوده است چون جشن‌های ملی ملت‌ها نمی‌تواند در خلا به طور دست نخورده باقی بماند و دچار تحولات می‌شود.

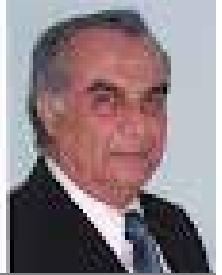
نخست آن که با افزایش شهرنشینی و افزایش تعداد خانواده‌های هسته‌ای در ایران، دید و بازدیدها در بخش عمده‌ی خانواده‌ها به نزدیک‌ترین اعضای خانواده محدود شده است. دیگر مثل سال‌های دهه‌ی چهل و پنجاه بسیاری از فامیل‌های دور خود را ملزم نمی‌بینند به دید و بازدید عید بروند. افراد کمتر به دید و بازدید کسانی می‌روند که در طول سال نمی‌توانند با آنها ارتباط داشته باشند.

دوم آن که با افزایش امکانات ایرانگردی و جهانگردی و خودآگاهی به دیگر جوامع، میلیون‌ها ایرانی اصولاً مراسم دید و بازدید نوروز را نادیده گرفته و در ایام نوروز به مسافرت می‌روند یا اگر در همه‌ی تعطیلات در مسافرت نباشند حداقل بخشی از آن را در سفرند. این امر برای بسیاری از خانواده‌ها که دیگر حوصله‌ی دید و بازدیدهای معمول را ندارند راهی برای گریز است.

سوم آن که در طبقات مرفه تر که خانه برایشان به حیطة‌ی خصوصی تبدیل شده (در برابر تجاوزات بی‌دریغ حکومت) برخی از افراد ترجیح می‌دهند روزی از تعطیلات را در یک رستوران یا سالن دور هم جمع شده و به جای دید و بازدید در خانه‌ها که بسیار هزینه بر



سرزمین روزها و رویاها



سروده:
منوچهر کوهن



دریغا....؛
همه این سالهای زندگانی
هم پیری و هم جوانی
در سرما و سیاهی و غربت و سرگردانی
بی باغ و بی بهاران
بی خورشید و بی ماه و ستارگان
فقط در سکوت و تصور و تخیل...
با امید عشق و بهاران، و دیدار تو گذشت

دریغا... دریغ.....
از سرزمین داغ دیده و خسته
ماه بانویی با سرنوشت و سالهای درهم شکسته.....
و خاک تپاه شده و امیدهای سوخته

دریغا..... ایران من...
سرنوشت من..... سرزمین من

امامیدانم.....
آن خاک سیه پوش شده ی من
از نو خواهد روئید
سبز خواهد شد.....
هر چند شاهد باشم؛
یا خفته در خاک بیگانه
رودها و دریاها ی مرده ی زادگاهم
دوباره جان خواهند گرفت
زنده و روان خواهند شد.....
و ایران من.....
باز، خرم و سرسبز، آزاد و سرافراز
سر بر سریر سماوات خواهد سائید

گل ها.... فقط در بهاران شکوفانمی شوند
و ماه و ستارگان هم
فقط در آسمان نمی درخشند
و خورشید هم،..... همواره پر جلوه طلوع نمی کند.....
یگانه ام..... ماه بانویم.....
ایران من..... سرنوشت من
برای من..... حتی در زمهریر زمستان
بهاران
در دیدار تو..... می روید
و گلها.....

در هر زمان و مکان...
فقط در خاک تو می شکوفند.....
و ستاره های جاودان آسمان زندگی من
فقط بر فراز قله های پر غرور تو میدرخشند

ایران من
میهن من
زادگاهم
سرزمین روزها و رویاها و آرزوهای من

خورشید من.....
فقط بر فراز آسمان حتی تیره و تار
و آلوده ی تو طلوع می کند
یگانه ام.....

سرزمین من...
ماه بانویم.....
ای وجودت و امید دیدارت
بهترین بهانه ی زیستنم

سرنوشت من.....
بهاران من.....؛ شادیهای من
فقط در دشت و کوهستان وجود جادویی
و حتی در هم کوبیده ی تو شکوفا میشود

Accidents®

WWW.TASADOF.COM



**Powerful Lawyers
for Seriously Injured**

دکتر کامران یدیدی

وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی
با بیش از ۲۵ سال سابقه کاری

(818) 999-9999

Over \$400 Million in Verdicts & Settlements

98% Success Rate | 15,000+ Personal Injury Cases

Cameron Yadidi, Esq.

Personal Injury Attorney

LAW OFFICES OF BURG & BROCK INC.

(888) 979.7979

Serving Southern and Northern California



نازنین مازگانی

وکیل رسمی دادگاه های

کالیفرنیا و فدرال

**Law Offices of Nazanin Mazgani
Immigration**

✕ امور مهاجرتی و تابعیت

✕ گرین کارت، سیتی زن شیب

✕ اخذ ویزای مهاجرتی و توریستی

✕ ویزای سرمایه گذاری

✕ جلوگیری از اخراج از امریکا

Personal Injury / Accidents

تصادفات / صدمات بدنی

Social Security Disability

(Initial Filings and Hearings)

حقوق مربوط به از کار افتادگی

(310)892 - 0820

www.mazganilaw.com

نوروز شاد است، روضه نخوانید

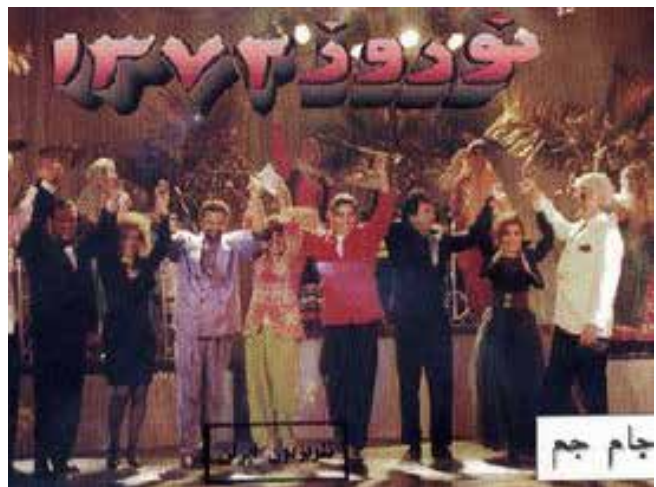
**تاثیر ارزشمند رادیو تلویزیون های فارسی
زبان در ایام نوروز**

نوروز یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در مدیریت رسانه های دولتی در ایران است. چالشی که در ۱۰ سال گذشته به طور جدی مدیران رادیو و تلویزیون دولتی ایران را وادار به واکنش اجرایی کرده است. واکنش به تاثیر چشمگیر برنامه های نوروزی تلویزیون های ۲۴ ساعته فارسی زبان که اکثر آنها از لس آنجلس روی آنتن می روند و رقبای جدی تلویزیون دولتی ایران محسوب می شوند.

اگر با این دیدگاه که از ابتدای به قدرت رسیدن مذهبپون تندرو در ایران نوعی دشمنی فطری با آیین های ملی ایرانیان از جمله نوروز در کردار و اندیشه اجرایی آنها جا داشته است، به ماجرا نگاه کنیم می توانیم متوجه شویم که سرچشمه خیانت بزرگ ملی رادیو تلویزیون دولتی ایران و دیگر دستگاه های تبلیغاتی جمهوری اسلامی، از کدام آبشخور تغذیه می شود.

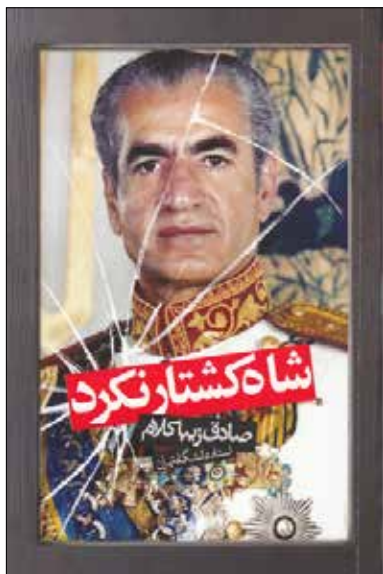
در ایران و پس انقلاب نوعی ادبیات روضه خوانی در همه ارکان رسانه ای ایران حاکم شد. شعر و موسیقی، رقص و آواز و در کل شادمانی از جامعه رخت برپست و دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی کوشید تا در هر شرایطی چشم مردم را گریان نگه دارد حتی در لحظه زیبای تحویل سال نوی خورشیدی.

انحصار رسانه ای صاحبان قدرت در جمهوری اسلامی موجب شد





کتاب شاه‌کشتار نکرد انتشارات کانال یک، چاپ شرکت کتاب دکتر صادق زیبا کلام



کمت‌ر رویداد مهم سیاسی را می‌توان در تاریخ معاصر ایران سراغ‌گرفت که به اندازه انقلاب اسلامی مورد تحریف قرار گرفته باشد. چه از سوی موافقین و چه از سوی مخالفین آن. موافقین، لباس ایدئولوژیکی که بعد از انقلاب حاکم گردید را بر تن آن کرده‌اند و به جای واقعیت‌های انقلاب صرفاً باورهای

ایدئولوژیک‌شان را تبلیغ می‌کنند. در نقطه مقابل، مخالفین انقلاب قرار دارند. صف گسترده‌ای از ایرانیان که بواسطه کدورت‌شان از عملکرد نظام اسلامی بجز بغض و کینه هیچ روایت دیگری از انقلاب ندارند. از جمله نکاتی که از جانب هر دو طرف مورد تحریف قرار گرفته عملکرد محمدرضا شاه پهلوی در ۳۷ سال سلطنتش بالاخص رفتار وی در دوران انقلاب می‌باشد. ج. او را دیکتاتوری وابسته به غرب و مزدوری بیش نمی‌داند که نه تنها هیچ گامی در جهت پیشرفت و ترقی کشورش برنداشت بلکه وقتی هم که با اعتراضات مردمش روبرو شد تا آنجا که می‌توانست به دستور اربابانش یعنی غربی‌ها در برابر مردم ایستاد و کشتار نمود. و زمانی هم که دید سرکوب دیگر فایده‌ایی ندارد از کشور گریخت. مخالفین انقلاب برعکس او را رهبری وطن پرست، مستقل و ترقی خواه می‌دانند که تا می‌توانست به کشورش خدمت کرد. و وقتی هم که با مخالفت آنان (از روی ناآگاهی و توطئه غربی‌ها) روبرو شد، حاضر به کشتار مردمش نشده و از قدرت کناره‌گیری می‌نماید. کتاب سعی کرده در ورای حب و بغض‌ها و تئوری‌های توطئه رایج میان ایرانی‌ها، نگاه واقع‌بینانه‌تری به محمدرضا شاه پهلوی انداخته و نشان دهد او نه اهریمنی بود که ج. از وی ساخته، و نه فرشته و بتی که مخالفین انقلاب از وی ترسیم کرده‌اند.

310-477-7477

تا مردم برای نزدیک به دو دهه، زیر شدیدترین تبلیغات و مغز شویی مداوم این نظام رسانه‌ای ایران‌ستیز بپذیرند که نوروز ایرانی سنتی اسلامی است و اگرچه متولیان قدرت و ایدئولوژی اسلامی در ایران نتوانستند ریشه‌های اصیل ایرانی نوروز را بخشکانند و انکار کنند اما تا آنجا که می‌توانستند به آن رنگ و روی مذهبی بخشیدند.

برای بسیاری از خانواده‌های ایران در این دوران نوروز فقط با دعای تحویل سال به عربی «یا مقلب القلوب و الابصار و...» معنی می‌شد و همواره تلویزیون دولتی ایران کوشیده است تا با جعل احادیثی از امامان شیعه و شخصیت‌های مذهبی مورد احترام مردم عموماً مسلمان و پاک دل ایرانی، هویت ایرانی این جشن ملی را کمرنگ نماید.

در چنین فضایی است که تلویزیون‌های ۲۴ ساعته ایرانی با برنامه‌های متنوع فرهنگی، سیاسی و هنری از طریق ماهواره‌ها، به فضای رسانه‌ای داخل ایران وارد می‌شوند و اکثر قریب به اتفاق آنها با هر دیدگاه، موضع سیاسی و یا روش اجرایی که داشتند تقریباً در یک امر متفق القول بودند که نوروز ایرانی را باید با شادمانی، آواز، هنر موسیقی و تلاش برای ایجاد لبخند برای خانواده‌های ایرانی همراه کرد.

اگرچه ضیا آتابای نخستین برنامه‌های نوروزی از لس‌آنجلس را برای بینندگان در ایران ارسال کرد، اما سابقه تولید برنامه‌های نوروزی و تلاش برای زنده نگه داشتن این سنت حسنه سابقه‌ای به قدمت مهاجرت اجباری ایرانیان به خارج از کشور در پی وقوع انقلاب دارد.

برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹ است که پرویز قریب افشار در برنامه تلویزیونی سیمای آشنا اقدام به تهیه، تولید و پخش یک شوی ویژه نوروز می‌کند و پس از او در سال ۱۹۸۲ این منوچهر بی‌بیان است که در تلویزیون جام جم تدوین برنامه‌های ویژه نوروز برای مهاجران را در دستور کار قرار می‌دهد. برنامه‌هایی که اگرچه از طریق شبکه‌های محلی و در حدوده محدود جنوب کالیفرنیا پخش می‌شود اما با چند هفته‌ای تاخیر فیلم‌های ویدئویی آن مرزها را در نوردیده و در داخل ایران تکثیر شده و دست به دست می‌شود.

اولین نوروز تلویزیون جام جم به زمانی مربوط می‌شود که در همه کالیفرنیا بیش از ۳۰-۴۰ هزار ایرانی نبود. این مهاجران هم بیشتر سرگردان بودند و بی آنکه زبان بدانند بیشتر به دنبال خبر بودند و اتفاقاتی که در ایران می‌افتاد. در همین ایام جنگ ایران و عراق هم تازه شروع شده بود. همه نگران فامیل‌هایشان در ایران بودند. درهرحال مردم واقعا آماده آن عید نبودند. ولی نخستین دست اندکاران برپایی نوروز در تلویزیون جام جم با تحمل سختی فراوان توانستند آن برنامه نوروزی را تهیه کنند. چند آهنگ ضبط کرده و چند ویدئو ویژه که به توان برای برنامه نوروزی مورد استفاده قرار گیرد و لحظه سال تحویل و تیک تاک ساعت... نخستین مجریان نوروز در جام جم ساسان کمالی و گلی یحیوی بودند که همه در ایران دوست‌شان داشتند و هر روز در تلویزیون (سابق) ایران آنها را می‌دیدند.

هنرمندان و خصوصاً خوانندگان نیز استقبال گسترده و انصافا قابل تقدیری در این راه داشته‌اند. اکثر ایشان در طول این سال‌ها در برنامه‌های نوروزی مشارکت جسته‌اند و برای شادی مردم با جدیت کوشیدند.



دکتر آزیتا فاکهری

فارغ التحصیل دانشگاه UCLA

عضو آکادمی پوست آمریکا

عضو انجمن جراحی زیبایی و لیزر آمریکا

بیماری های داخلی، پوست، مو و ناخن

Azita Fakheri, M.D.

American Board of
Internal Medicine

Profound

جدیدترین دستگاه برای درمان

افتادگی گونه، از بین بردن چربی زیر چانه

چین و چروک صورت بدون عمل جراحی

- درمان لک صورت و کبکال پلیک برای جوانسازی

- و با طراوت کردن پوست

- تشخیص سرطانهای پوست

- درمان جوش صورت و اسکار ناشی از آن

- تشخیص و درمان بیماریهای فارژی پوست و ناخن

- درمان ریزش مو

- تشخیص و درمان بیماریهای مقاربتی

Microneedling-PRP

- از بین بردن غیب (دل چین) با Kybella

- Juvederm - Botox - Restylane - Radiesse -

Xeomin - Dysport - Belotero

- درمان موثرکها و وارس با بوسله تزریق و لیزر

- از بین بردن موهای زائد بوسله لیزر

New Location

(818) 343-0101

19100 Ventura Blvd., Suite A,
Tarzana CA 91356

با قوام گرفتن جامعه ایرانیان در جنوب کالیفرنیا رنگ و روی مناسبات اجتماعی و به دنبال آن احترام به سنت‌های ملی نیز بیش از پیش رشد می‌کند و بی تردید نوروز به عنوان مهمترین رویداد ملی ایرانیان در همه اعصار تاریخ دلیلی است برای بروز هرچه بیشتر روحیه میهن دوستی و تلاش برای حفظ و بقای هویت ایرانیان در خارج از کشور. اما این تلاش در داخل ایران بازتاب گسترده ای می‌یابد و مردم همواره برای بیش از دو دهه چشم انتظار نوارهای ویدئویی رسیده از لس آنجلس هستند.

حرکت‌های ارزشمند و وحدت آفرینی مانند اجرای ترانه‌های ویژه نوروز با همخوانی ستارگان موسیقی پاپ در کنار هم و چیدمان‌های زیبای سفره هفت سین از یک سو و مهمانی‌ها و همنشینی‌های استودیویی با حضور ستارگان هنر و موسیقی از سوی دیگر به هرچه باشکوه شدن این برنامه‌ها و افزایش تاثیر آن در داخل کشور منجر می‌شود.

چهره‌های تلویزیونی مانند حمید شب‌خیز، علیرضا امیرقاسمی، فرزانه دلجو، نادر رفیعی و... از دیگر کسانی هستند که برنامه‌های نوروزیشان در تلویزیون‌های ۲۴ ساعته با توجه مخاطبان در ایران روبرو می‌شود و با فراگیر شدن امکان استفاده از آنتن‌های ماهواره ای در ایران علی‌الرغم ممنوعیت آن‌ها، در خلال سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ خورشیدی برنامه‌های نوروزی شبکه‌های تلویزیونی لس آنجلس انتخاب شماره یک مردم ایران در ایام نوروز و لحظه تحویل سال نو است.

این مسیر هموار شده موجب می‌گردد تا بنگاه‌های بزرگ رسانه‌ای که با بودجه‌های میلیونی دولت‌ها تغذیه می‌شوند هم دست به کار گردند و در سال‌های اخیر شاهد برنامه‌های متنوع نوروزی در رسانه‌های عموماً خبری مانند بی‌بی‌سی فارسی در لندن و صدای آمریکا در واشنگتن هستیم که هم از قافله عقب نمانده‌اند و هم، هم صدا با پیشگامان خود در لس آنجلس فریاد می‌زنند که نوروز شاد است در آن برای مردم ایران روضه نخوانید.



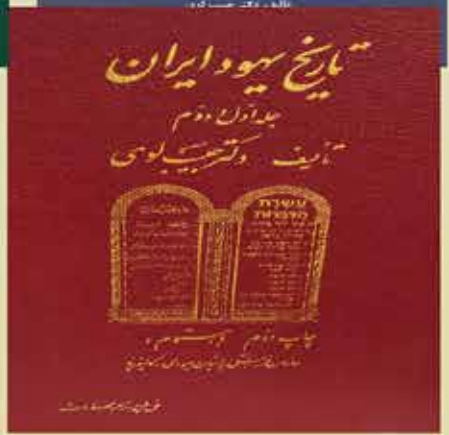
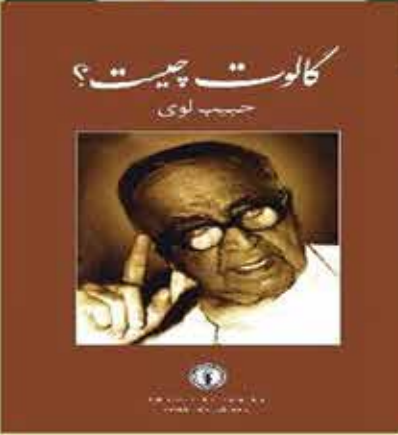
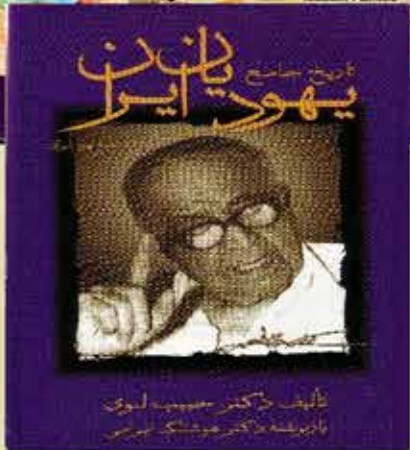
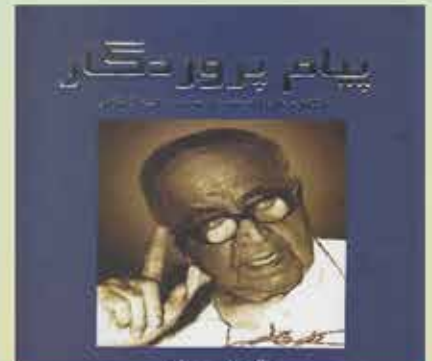
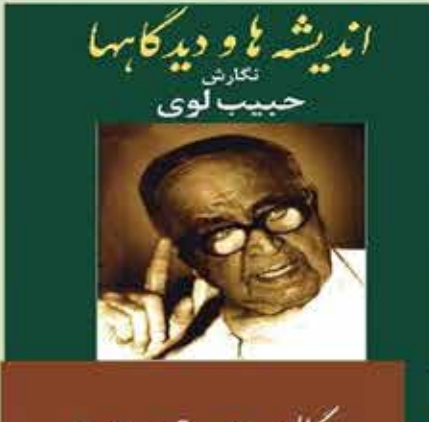
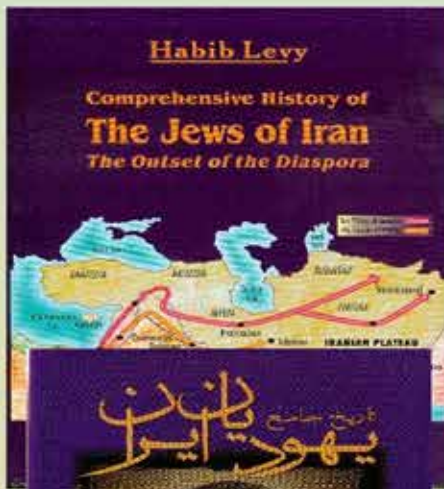
WWW.IRANSAT.CO.NR

WWW.IRANSAT.TK نوروزتان مبارک

بنیاد حبیب لوی تقدیم می کند

آثار جاویدان تاریخ و فرهنگ یهودیان ایران
تالیف شادروان حبیب لوی در شرکت کتاب

- تاریخ جامع یهودیان ایران به زبان فارسی
- تاریخ جامع یهودیان ایران به زبان انگلیسی
- Comprehensive History of the Jews of Iran
- اندیشه ها و دیدگاهها
- گالوت چیست؟
- پیام پروردگار: احکام و مقررات حضرت موسی علیه السلام
- تاریخ یهود ایران : (۳ جلدی در ۲ مجلد)



شرکت کتاب

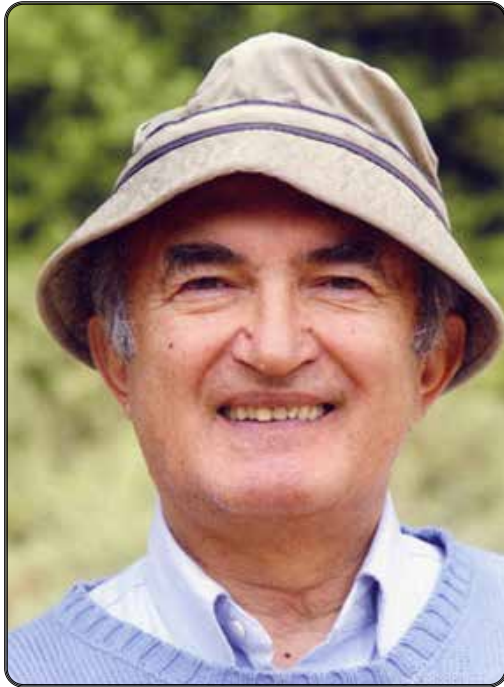
ketab.com

(310) 477-7477



مجید روشنگر
مدیر و بنیانگذار فصلنامه بررسی کتاب:

نوروز بعد از جنگ جهانی دوم



گمان می‌کنم خاطرات نوروزی ما، آن‌ها که با شفافیت بیشتری در خاطره‌های ما مانده است خاطرات نوروزی دوران کودکی ماست. و من هم به این گروه تعلق دارم. نوروز دوران کودکی من از چند جهت در ذهنم باقی مانده است. یکی این که هدیه‌های نوروزی، چه به صورت پول نقد و آن اسکناس‌های نو، و چه به صورت هدایای دیگر تا برای ما کودکان یک دنیا شادی به همراه می‌آورد و اشتیاق کودکانی ما برای دیدن و بازدیدها تا بی‌نهایت بود. آن روزهای کودکی من، در تهران، جز چند خیابان که سنگ‌فرش بود، بقیه خیابان‌ها خاکی بود و چند نوروز را به خاطر می‌آورم که با برف سنگینی همراه بود و وسیله‌ی رفت‌وآمد هم درشکه بود. یکی از دایه‌های مادر من در منطقه‌ی دولاب در شرق تهران زندگی می‌کرد و من به یاد دارم که در یک نوروز ما با درشکه دوسه بار به خانه‌ی آن‌ها رفتیم تا یک بار ایشان در منزل باشد و دیدوبازدید نوروزی حاصل آید و البته ما، هم آرزوی خود که گرفتن عیدی بود

برسیم. راه‌ها گل‌آلود و پر دست‌انداز و هوا سرد بود، اما اشتیاق عیدی گرفتن ما را از درون گرم نگاه می‌داشت.

من این رفت و آمدهای طولانی و دشوار و چند باره را به خوبی به یاد دارم. البته تعطیلات مدرسه را هم که به این مراسم نوروزی وصل کنیم، شور و شادی مضاعف ما کودکان آن روزگار را بیشتر درک می‌کنید. یک خاطره شیرین دیگر هم از دیدار مادر بزرگ مادری‌ام دارم که هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی است و روزگار اقتصادی خانواده‌ها سخت است. هنگامی که به دیدار مادر بزرگ، که او را خانم جان و گاهی بی‌بی جان صدا می‌کردیم، رفتیم و با درشکه به محله‌ی خانی‌آباد رسیدیم، و وارد منزل شدیم و دور میز شیرینی‌جات نشستیم، و مادر بزرگ برای همه‌ی ما چای آورد، من دیدم که وقتی مادر و پدر و یکی دو نفر دیگر حبه‌های قند را از توی قنددان برداشته، زیر همان ردیف رویی، دیگر قند نبود و مادر بزرگ برای آبروداری آن را با پنبه پر کرده بود. این یکی از شیرین‌ترین خاطرات کودکی من است، و هم‌اکنون که دارم این کلمات را روی کاغذ می‌آورم، منظره‌ی آن کوچه و محله‌ی خانی‌آباد، که محله جهان پهلوان تختی بود، و اتاق مادر بزرگ و سیمای خندان خانم جان همگی جلوی چشم من با شفافیت تمام مجسم است.

در ۷۵ سالگی، حالا که این خاطرات را به یاد می‌آورم، قند در دلم آب می‌شود و سپاسگزار فرهنگ ایرانی هستم که نوروز و مراسم آن را برای ما فراهم آورده است که طی همه‌ی این سال‌ها در رنگین‌کمان آن دل‌های خود را بیوند می‌زنیم و آرزوگی را از ذهن‌مان دور می‌کنیم و شاهد بهاران و سال نو را به خانه‌های خود می‌آوریم. این هدیه‌ی فرهنگ ایرانی را پاس داشته‌ایم و پاس خواهیم داشت، زیرا نوروز هدیه‌ای است زیبا.

یدالله رؤیایی، شاعر خوب معاصر ما، در یک دوبیتی، نوروز را چنین وصف می‌کند:

زمین خندید و صحرا شد گل افروز
بهار آمد، بهار عشق‌آموز
بیابان را همه در برگرفته
سرود گرم باران‌های نوروز

فریدون فرح‌اندوز
مجری با سابقه رادیو و تلویزیون:

پر فراز قلعه وصال



سال‌های طولانی است که همیشه نوروز را نه در خانه که در استودیوهای رادیویی و تلویزیونی تحویل کرده‌ام. سال‌هایی که در یکایک آن‌ها جدای از عشق به فرهنگ و آداب و سنن آن سرزمین کهن، از بوی اسکناس نو گرفته تا کوس کرنا و دهل... حس دیگری نیز همراه بوده است. حسی برآمده از شغلی که داشته‌ام. به یاد می‌آورم سال‌ها قبل در یک شب سرد و برفی در واشنگتن که سال تحویل به وقت محلی ساعت ۲ یا ۴ صبح بود ما در استودیوی کوچک آن روزهای صدای آمریکا اجرای برنامه نوروزی را به عهده داشتیم. پس از تحویل سال خطوط تلفن را باز کردم تا پیام‌رسان تبریک‌های نوروزی مردم باشیم. در همین احوال جوانی از توکیو در آن سوی دنیا تلفن کرد و گفت که ساعتی است در یک کیوسک تلفن راه دور ایستاده است تا از طریق رادیو صدای آمریکا به مادر بیمارش که در بیمارستانی در مشهد بستری است تبریک بگوید. یک لحظه احساس کردم گویی بر فراز قلعه‌ای بلند ایستاده‌ام و دستان بی‌شمار بسیاری را می‌بینم که از اقصی نقاط بلند شده‌اند و این وظیفه من است که این دستان مشتاق را بهم برسانم. این حس خوشایند هنوز با من است و دلیلی که تاب دوری از خانه و خانواده را در این همه نوروز سپری شده مهیا می‌کند.



کلینیک شنوایی

دکتر شهرزاد کوهن

مرکز توانبخشی شنوایی و درک بهتر

مطلع و مجهز به آخرین متد و تکنیک و تجهیزات شنوایی
با کلینیک مخصوص اطفال و بزرگسالان و
تجویز سمعک‌های نامرئی

درمان اختلالات در تشخیص

صوتی و درک مغزی

شنوایی درمانی

رفع مشکلات تعادلی

پیرگوشی و پیشنهاد سمعک

درمان صداهای ناهنجار و

زنگ زدن گوش

818.98.99.001

APCenters.com



پیام شایانی

وکیل تصادفات و صدمات بدنی
Payam Mark Shayani, ESQ

Uber / Lyft
Accident Lawyer

بزرگ‌ترین دفتر وکالت
پرونده‌های Rideshare
در جامعه ایرانی

تجربه رسیدگی به بیش از ۱۵ هزار پرونده تصادفات
دریافت صدها میلیون دلار خسارت
با ۹۹ درصد موفقیت



Los Angeles Woodland Hills Glendale Irvine San Diego Sacramento San Jose

(818) 777-7777
TASADOFAT.COM

CBS AUTO BODY

تصادف ، اتفاق ناخوشایندی است! ولی

با راهنمایی های سی بی اس آتو بادی می توان عواقب تصادف را کنترل کرد
و ضرر و زیان را به کمترین میزان ممکن رساند

سی بی اس آتو بادی با بیش از ۴۰ سال حضور
مداوم در این کار و شناخت همه ریزه کاری های این کار
در خدمت شما برای آن که شما بتوانید ضرر و زیان
تصادف ناخواسته را کنترل کنید.



818.765.5300

Fax: 818.255.6655

**6729 Lankershim Blvd
North Hollywood CA 91606**



این مطلب برای نوروز ۱۳۹۹ یعنی ۲ سال پیش نوشته شده است ولی بوی کهنگی که نمی دهد هیچ ، بلکه متاسفانه در به همان پاشنه ۲ سال پیش و ۴۳ سال پیش می چرخد و تغییری صورت نگرفته است



احمد تاج الدینی

حرکت می کند. ویروس می داند که ریشه این درخت کهنسال، به حکم غریزه ای که از تجربه های هزاران ساله اندوخته، این توانایی را دارد که شاخ و برگ های قطع شده اش را بازسازی، نوسازی و ترمیم کند. آبشخور این ریشه، فرهنگی است که در درازای تاریخ هزاران ساله بوسیله مردمی سخت کوش، نیک کردار، راست گفتار و نیک اندیش ساخته و پرداخته شده است. ویروس هوشمند مسموم می داند که همه چیز از این ریشه و آبشخور زلال آن برآمد می کند. پس همه توان جهنمی اش را برای مسموم کردن فرهنگ ایران و خشکاندن ریشه بکار گرفته است.

نوروز از سرچشمه های فرهنگ ایران، آفریده طبیعت، الگوی زایش، پادزهر سیاهی و زاینده امید و بهروزی است. نیاکان ایرانیان با پیوند زدن زیباترین لحظه گردش طبیعت با اندیشه نیک، استوره ای نامیرا آفریدند. نوروز گرچه ایرانی است اما پیام و کارکردش جهانی است: امید، روشنایی، خردورزی.

نوروز ۱۳۹۹ به پاس گل ها، شکوفه ها، جوانه ها، و شاخ و برگ های شادابی که ناجوانمردانه در این سال ها بوسیله ویروس تبهکار قربانی شدند، با شکوه تر از هر زمان دیگر دامن گل و خرمن خرمن شکوفه نثار فرزندان همیشه جاویدش می کند. ویروس بد سرشت نمی تواند نوروز را قرنطینه کند.

نوروز پیروز

نوروز ۱۳۹۹ در حالی از راه می رسد که میهن ما نیز مانند بسیاری از کشورهای جهان آلوده به ویروس کشنده کرونا شده است. اما درد و رنج یکی و دوتا نیست. کشور ما ۴۱ سال است که آلوده به ویروسی بسیار خطرناک تر و کشنده تری شده است. ویروسی که یک ملت را به قرنطینه برده است. در این قرنطینه ۴۱ ساله، ندای آزادی ترور شده، فریاد دادخواهی به گلوله بسته شده و آوای انسان دوستی با زهر تبلیغات ضد انسانی به خاک افتاده است. در این سال های سیاه، دانش زمین گیر و خرافه میدان دار شده است. این ویروس ویرانگر، ریشه در جهل و خرافه دارد، اما هوشمند عمل می کند. می داند چه می خواهد و می داند چگونه عمل کند. هدف این ویروس خشکاندن ریشه ایران زمین و نابودی ملتی به نام ایران است. بی سبب نیست که این ویروس بد کنش در حمله به درخت کهنسال و پر شاخ و برگ ایران، همزمان به گل ها و ریشه های آن حمله ور شده است. ویروس جهل و یک سال است که در میهن به قرنطینه درآمده ما، گل ها را پرپر، شاخ و برگ های سرزنده را قطع، فضای تنفسی را مسموم و سیلابی از عفونت به سوی ریشه تنومند فرهنگ ایران زمین روانه کرده است. این ویروس هوشمند و برنامه ریزی شده، مانند یک ربات بدون ذره ای احساس به سوی خشکاندن ریشه

ایلات مارکت

ELAT MARKET

- تازه ترین میوه و سبزیجات
- مناسب ترین مواد غذایی با کیفیتی برتر
- گوشت و مرغ صد درصد کاشر زیر نظر RCC

659-7070

قسمت سوپر

659-ELAT

قسمت سوپر

(310)

3528

659-9250

قسمت گوشت فروشی

659-9253

قسمت ماهی

www.ElatSuperMarket.com

ElatMarket@aol.com

8730 W. Pico Blvd.,
Los Angeles, CA 90035



نوروز، نماد اصالت و استقلال فرهنگی ایرانیان

امین اکبریان

چهار یا پنج کشور و تمدن توانسته‌اند یک تقویم مستقل با سنت‌های منحصر به خود را تدوین و عرضه کنند که یکی از آنها تقویم ایرانی است. از آن هنگام که ایرانیان مجبور به کوچ و مهاجرت بزرگی در ۳۵ سال پیش شدند نوروز زیبای ایرانی هم با این مهاجران پراکنده در دهها کشور دیگر به نقاط گوناگون جهان مهاجرت کرد. ما ایرانی‌های مهاجر که غالباً در کشورهای غربی دارای فرهنگ مسیحی ساکن شدیم، البته هر سال کریسمس و جشن‌های ژانویه را می‌بینیم و تجربه می‌کنیم و باید اذعان کرد که کریسمس فرهنگی‌ها و جشن‌های زمستانی آنها هم زیبایی‌های خاص خود را دارد.

اما باز هم نوروز ایرانی، این پیر سه هزار ساله بهاری زیبایی و جذابیت دیگری دارد که با جشن‌های دیگر قابل مقایسه نیست.



بار دیگر در سر آغاز بهار و همزمان با نوزایی و بیداری حیات و زندگی در جشن با طراوت طبیعت، نوروز ایرانی از راه می‌رسد. نوروز شاید در نگاه اول فقط یک جشن عادی سال نو تلقی شود. اما نگاهی دقیق‌تر این واقعیت را آشکار می‌سازد که جشن نوروز ریشه در اعتقادات و فرهنگ کهن تمدن ایرانی دارد. یعنی اصولاً در گذشته‌های دور مردمانی در فلات ایران زمین سکونت داشتند که برای آنها جشن و شادی و نگاه مثبت و زندگی با نشاط جایگاه ویژه‌ای در تفکر جمعی و اجتماعی‌شان یافته بود.

ایرانیان باستان یکی از زیباترین و مؤثرترین نمونه‌های گاه‌شمار سالیانه را به صورت تقویم خورشیدی تنظیم و تدوین کرده بودند. تقویمی که با بهار، فصل زایش طبیعت، تجدید حیات و نوگرایی آغاز می‌شد و پایان آن دورهٔ سرمای زمستان و به خواب رفتن دوبارهٔ طبیعت بود، تا که روزی دیگر و بیداری دوباره طبیعت مهیا گردد و این دورهٔ زنجیره وار هر سال و هر سال تکرار می‌شد...

یک نکته مهم آن است که گرچه نوروز فقط در چهار، پنج کشور پیرامون ایران به طور رسمی برگزار می‌شود اما ایرانیان در زمره معدود ملت‌های جهان هستند که از تقویم متعلق به خود و جشن سال نو به طور مستقل برخوردارند.

در میان حدود ۱۹۴ کشور کنونی در جهان تنها فقط تعداد انگشت شماری از تقویم‌های مستقل و قابل اجرا مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی تقویم میلادی (مسیحی) است که در بخش اعظم جهان کنونی جنبه رسمی و اجرایی دارد. یهودیان هم مانند مسیحیان تقویم مستقل دارند که با جشن‌های مفصل سال نو همراه است. چینی‌ها هم تقویم قدیمی خود را دارند که بیشتر جنبه سمبولیک در آن کشور یافته و مورد استفاده عملی نیست. برخی کشورهای عربی خلیج فارس تقویم سنتی (قمری) را به طور محدود مورد توجه دارند. اما عرب‌ها جشن سال نو ندارند. به این ترتیب می‌بینیم در جهان امروز فقط در حدود ۵ تقویم مستقل با سنت‌های ویژه سال نو وجود دارد که یکی از آنها تقویم باستانی ایرانی است با سنت‌های زیبا و جشن‌های متعدد. جشن نوروز، جشن تیرگان، مهرگان، یلدا، سده...

اصولاً ایرانیان باستان برای هر ماه و هر فصلی جشن ویژه‌ای داشتند، ملتی با جشن‌های فراوان برای ایجاد شادی در جامعه خود و خرسند ساختن دل‌ها. و این مایه افتخار بزرگی است که از میان حدود ۲۰۰ کشور در جهان امروز فقط

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک،
شاخه‌های شسته، باران خورده پاک،
آسمان آبی و ابر سپید،
برگ‌های سبز بید،
عطر نرگس، رقص باد،
نغمهٔ شوق پرستوهای شاد
خلوت گرم کبوترهای مست
نرم نرمک می‌رسد اینک بهار
خوش به حال روزگار
خوش به حال چشمه‌ها و دشت‌ها
خوش به حال دانه‌ها و سبزه‌ها
خوش به حال غنچه‌های نیمه‌باز
خوش به حال دختر میخک که می‌خندد به ناز
خوش به حال جام لبریز از شراب
خوش به حال آفتاب
ای دل من گرچه در این روزگار
جامهٔ رنگین نمی‌پوشی به کام
بادهٔ رنگین نمی‌بینی به جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می‌که می‌باید تهی ست
ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار
گر نکویی شیشهٔ غم را به سنگ
هفت رنگش می‌شود هفتاد رنگ

فریدون مشیری

از مجموعه «ابر و کوچه»



دست افشانی و پایکوبی نوروزی



آتش، جشن سده، جشن سوری پایان سال، نوروز و جشن‌های مربوط به نوروز، نوروز کوچک، نوروز بزرگ یا خردادروز، سروش روز، جشن خزان، سیروسور، جشن بتیکان، جشن گاوگیل، جشن بادبیره، یلدا، نوروزانه‌ها، جشن بمو و جشن‌های دیگری که در خلال هر یک از این مراسم برگزار می‌شده‌است.

شروع هر سال خورشیدی، جشن نوروز است. نوروز به عنوان یکی از کهن‌ترین و برترین نمادهای فرهنگی ایران، آیینی مورد قبول و خوشایند برای تمامی افراد ایران است و به همین دلیل در مقوله نظم فرهنگی و انسجام اجتماعی می‌تواند کارکرد مفیدی در جهت نزدیکی اقوام ایرانی و همبستگی ملی ایجاد کند. نوشتار پیش رو رهاوردی است به جشن آغازین.

چیستی جشن نوروز

در فرهنگ ایران کهن، جان و پیکر انسان با خداوند سرشته شده است. این است که انسان با خداوند هم گامی می‌کند و جشن و شادی می‌آفریند. در این فرهنگ، که بر بینش زاینده‌گی بنیان دارد، همواره هر پدیده‌ای از پدیده دیگری آفریده می‌شود. بسان این که بهار از بُن زمستان و تابستان از بُن بهار

بر کسی پوشیده نیست که هر ملت و فرهنگی دارای مراسم و مناسکی است که هویت فرهنگی آن ملت را نشان می‌دهد. در اصل جشن، برپایی مراسم نیایش و سپاس به مناسبت یک پیروزی یا واقعه اجتماعی یا یک معجزه آسمانی است که برای جامعه، منفعتی دربردارد. نوروز جشن ملی و آیین کهنی است که در گذر هزاره‌ها و در دوران مختلفی که بر سرزمین ایران گذشته است، برترین نمادهای انسانی و فرهنگی را در خویش گنجانده و آنچه‌ان در ناخودآگاه فرهنگی این سرزمین ریشه



سها شریف

دوانده که هیچ برشی از تاریخ ایران، توان انحصار آن را نداشته و ندارد. فرهنگ ایرانی از دیرباز آمیخته با جشن‌ها و شادی‌ها بوده است. برخی جشن‌های بزرگ ایرانیان باستان عبارت بودند از روزهای همنام با دوازده ماه و جشن‌های ماهانه شامل اردیبهشتگان، خردادگان، جشن تیرگان، جشن امردادگان، جشن شهریورگان یا آذر جشن، جشن مهرگان، جشن آبانگان، جشن آذرگان، خرم‌روز، بهمن‌گان یا بهمنجنه، مردگیران یا سپندارمدگان یا اسپندگان. جشن‌های شش گانه گاهنبار، جشن فروردگان، جشن‌های



برخی آیین های نوروزی ایران باستان

با در نظر گرفتن گستره جغرافیایی ایران که هم شامل اقوام گوناگون و هم محل تلاقی قاره‌ها و تمدنی کهن است، تنوع زیادی در مراسم نوروزی ایرانی مشاهده می‌شود. اشتراکات این مراسم در حوزه ایران باستان (آسیای مرکزی و خاورمیانه امروزی) شامل درود نوروزی، نیایش، دید و بازدیدهای نوروزی، حاجی پیروز، میر نوروزی، کاروان‌های شادی و سرور، چهارشنبه سوری، خوان نوروزی، کاشت حبوبات، آب پاشی، هدایای نوروزی، آوردن آب از آسیاب، پخت حلوا و خوراک‌ها و نوشیدنی‌های خاص، شیر سنگی، کوزه شکستن، جامه نوبه تن کردن، خانه‌تکانی، هفت سین و ... است. قالب مردم با آیین‌های مربوط به خانه‌تکانی، آراستن ظاهر، خوراک، و دید و بازدیدهای نوروزی آشنایی زیادی دارند. اما، اکثریت قریب به اتفاق، از آیین‌های دست‌افشانی و پایکوبی، بی‌خبرند. نظر به محجور ماندن آیین‌های دست‌افشانی و پایکوبی در نوروز، در ادامه به معرفی چند مراسم پرداخته می‌شود:

۱. کاروان‌های شادی و سرور

بر اساس اسطوره‌های ایران کهن، در نبرد که میان اهریمنیان با انسان آغاز شد تا فرزندان آدم از رشد و افزایش باز بمانند، اهریمن دوازده حیوان عجیب الخلقه را در هیبت موجوداتی اژدهاگون و دیوانی شاخدار فرستاده است که مشغول جویدن پایه‌های دنیا هستند. در روزهای خاصی از سال که به آنها «همس پت مدم» گفته می‌شود، این اهریمنیان به خیال تمام کار دنیا،

پدیدار می‌شود. بر اساس این نگرش، زایمان هر پدیده با جشن و شادمانی همراه است.

از مهمترین ارکان شادی و سرور در تمامی فرهنگ‌های بشری، حرکاتی آیینی در قالب دست‌افشانی و پایکوبی (رقص) است. جشن و خرسندی، از شادمانی رقصندگان آفریده می‌شود و آنها را با نیروی مهر به یکدیگر پیوند می‌دهد. در جشن ویژگی‌های همگانی همچون مهر، نیاز، آز و دوستی هم آهنگ می‌شوند. جشن، بیکار بودن و تن آسایی نیست، بلکه درست در نقطه مقابل، در هر جشنی یک دگرگونی و نوزایش در هستی به وجود می‌آید. نمونه بارز چنین پدیده‌هایی نوروز است که در آن زمین خرم می‌شود یا جشن خرم به هنگامی که خرم بر گرفته می‌شود.

این است که فردوسی، از خود بیگانه شدن ما را نکوهش می‌کند:

نه جشن و نه رامش نه گوهر نه نام

به کوشش ز هر گونه سازند دام

نباشد بهار از زمستان پدید

نوشند هنگام رامش نبید

در جشن نوروز، درود (که نام روز پایان سال است) از زادمان بهار مژده می‌دهد که دوباره جهان به زاینده‌گی و رویندگی برانگیخته خواهد شد. از این روی مردمان، در هنگام نوروز، نیازهای خود را بر زبان می‌رانند و امیدوار هستند که تا فرارسیدن نوروزی دگر به آرزوهای خود برسند و همراه با زایش بهار تصویر آرزوهای خود را بزنند.



می‌توان گفت در شکل پایه، مراسم حاجی فیروز در آسیای میانه صورت می‌گیرد. در آخرین شب سال، مردم انتظار «مامای مروسه» را می‌کشند و زنان، سمنویی را که برای نوروز تدارک دیده‌اند در ظروفی روی سفره می‌گذارند تا در طول شب مامای مروسه آنها را برکت دهد و بچشد. پیش از آمدن مامای مروسه، مراسم «گل گردانی» یا «گل نوروزی» برگزار می‌شود و در این مراسم گروهی از مردم، نخستین گل‌های روییده در صحرا را چیده و دست‌افشان و پایکوبان در کوچه‌ها می‌گردانند. این آیین با تفاوت‌هایی در گیلان و کوهپایه‌های تالش نیز برگزار می‌شود. در آنجا «آروس / عروس گلی» و «پیر بابا» با یک خرس و با دسته‌های گل و پوشیدن پوشاک سرخ و کلاه بوقی (به احتمال یادمانی از میترا) به ترانه‌سرایی و داریه‌نوازی و کارهای خنده‌آور می‌پردازند. در هزاره‌جات افغانستان و در دامنه‌های کوه بابا، نیز «بی‌بی نوروز» با لباس‌هایی خنده‌دار و سرودخوانی به شاد کردن مردم می‌پردازد.

۳. میر نوروزی (بر نشستن کوسه):

به گفته‌ی خیام در کتاب نوروزنامه، مراسم آغاز سال نو و نوروز با آمدن موبد موبدان به نزد پادشاهان پیش از اسلام آغاز می‌شد. ابتدای صبح اولین روز سال، موبد موبدان به تنهایی با جامی زرین پر از نوشیدنی مخصوص، انگشتر، درهم و دینار خسروانی، یک دسته گندم تازه سبز شده (سبزه)، شمشیر، تیر و کمان، قلم و دوات، اسب، باز، و غلامی خوب روی به نزد پادشاه رفته و با آداب و حرکاتی خاص به زبان پارسی پس از نیایش پروردگار به مدح پادشاه می‌پرداخت. پس از آن، بزرگان دولت و حکومت به نزد پادشاه شرفیاب شده و هدایای نوروزی خود را پیشکش می‌نمودند و پس از آن اعلام نوروز در سراسر کشور آغاز می‌شد و این پایه‌ی مراسم میر نوروزی است؛ بر این اساس، در آغاز نوروز، مردی نیکنام، خوش‌یمن، خجسته، گشاده روی و خوش‌بین که «میر نورزی» خطابش می‌کردند، به حضور شاه شرفیاب شده و اجازه‌ی داخل شدن می‌گرفت. شاه می‌پرسید: که هستی؟ از طرف که و از کجا آمده‌ای؟ به کجا می‌روی؟ همراهات کیستند؟ چه با خود به همراه داری؟

میر نوروزی در پاسخ می‌گفت: نامم میر نورزی خجسته است. من از بر دو فرخنده‌پی آمده‌ام. به سوی دو نیک بخت روانه هستم. همراه من شادی و پیروزی است. پیشکشم سال نو است. همراه من برای نیک بختان خبری خوش و درود و پیام است.

پس از این گفت و شنود، شاه به او بار و اذن دخول می‌داد. در این هنگام میر نوروزی، تعظیم کتان خوان و سفره‌ی نوروزی خود را در پیشگاه شاه باز می‌نمود که در آن نان‌های کوچک پخته شده از گندم، جو، ارزن، ذرت، نخود، عدس، برنج، کنجد، باقالا و لوبیا بود. سپس، برای شاه و کشورش آرزوی طول عمر و سعادت می‌کرد. پس از آن، مراسم رسمی پایکوبی و دست‌افشانی نوروز آغاز می‌شد.

در این آیین زیبا، دو مبارک عبارتند از امشاسپند (خرداد که شامل تندرستی، فرمانروای آب-هاست) و امرداد (نامیرایی، که فرمانروای گیاهان است). دو نیکبخت نیز شاه و شهبانو بوده‌اند که برای مردم برکت و فراوانی می‌آورده‌اند. هدف از این نوشتار، اشاره‌ی مقدماتی به چند آئین فراموش شده‌ی پایکوبی و دست‌افشانی در جشن باستانی نوروز بود؛ رسم‌هایی که در بین دیگر آئین‌های نوروز محجور و مغفول مانده‌اند و به ندرت کسی حتی از وجود چنین آئین‌هایی با هدف‌های بالا مرتبه‌با خبر است.



برای رقص و شادی پایان و نتیجه‌بخشی خبثت خویش به زمین آمده و به هنگام بازگشت شاهد بازسازی ستون‌هایی هستند که تا آن زمان تخریب نموده بودند. این نبرد اساطیری و پیروزی نهایی یاران اهورامزدا بنا بر باورهای رازآلود جادویی موضوع و دست‌مایه‌ی کاروان‌های شادی و سرور بهاری شده است. این سنت که امروزه تقریباً به بوته‌ی فراموشی سپرده شده است، تا حدی مختصر باقی مانده که یکی از بازمانده‌های آن، رسم رقص «نیماسپ» است که در برخی روستاهای فلات ایران هنوز در نوروز به انجام می‌رسد.

۲. حاجی فیروز (مرد پیروز):

آیین دیگر جالب در زمینه‌ی دست‌افشانی و پایکوبی نوروزی حاجی فیروز است. بر اساس برخی اعتقادات موجود، اگر خانواده‌ها شاد نباشند فروهر خانه را ترک می‌کند و برکت از خانه‌ها می‌رود. پس در این روزها افرادی با شکل‌ها و حرکات و کلام خنده‌آور و موزون در خانه‌ها و معابر و بازار ظاهر شده و به این امر مقدس می‌پرداختند. قضیه‌ی دلچسب‌های درباری و مراسم رقص و نوازندگی و آوازه‌های قصر شاهان نیز از همین اعتقادات سرچشمه گرفته است. گویا این مهم در قدیم بر عهدۀ برده‌های سیاه بوده است. بعدها که به برده‌های سیاه دسترسی نبوده با دوده و رنگ شبیه‌سازی می‌شده است. بنظر برخی از پژوهشگران عرصه‌ی تاریخ و فرهنگ ایران، نام حاجی فیروز و شکل خاص آن که امروزه مردم شاهدش هستند (لباس قرمز، دست و صورت سیاه شده، ترانه‌های عامیانه‌ای که می‌خواند) بدعتی نو خاص تهران معاصر است. اما شخصیت پیام‌آور نوروزی به شکل‌های گوناگون در سراسر فلات ایران موجود بوده است. در بخش‌های مختلف فلات ایران چنین شخصیتی نام‌های خاصی دارد؛ به عنوان نمونه، در آذربایجان «ننه مریم»، در ماوراءالنهر (تاجیکستان و بخارا) «ماما مروسه»، «بابا نوروز» و «عمو نوروز»، در خراسان بزرگ (شامل خراسان ایران و افغانستان) «بی‌بی نوروزک»، در حوزه‌ی شاخاب پارس «ماما نوروز»، در گیلان «پیر بابا» و «آروس / عروس گلی»، و در استان مرکزی ایران به «ننه نوروز». علی‌رغم شخصیت زنانه‌ی این اسطوره (که ریشه در میترایسم دارد)، هنگام اجرای نمایش‌ها، مردان با لباس مبدل اجرای نقش می‌کنند.

نکته‌ی جالب توجه در مورد حاجی فیروز، گوناگونی شیوه‌ی اجرای نمایش‌ها در نواحی گوناگون، زمان مراسم و حتی ترانه‌هایی که سروده می‌شود است و به نظر می‌رسد چنین تفاوت‌هایی ناشی از گوناگونی ویژگی‌های اقلیمی باشد.



نوروز آمد

دید و بازدید نوروزی ایرانیان ۲۷ مارچ ۲۰۲۲ در پرژن اسکوئر (WESTWOOD) برگزار می شود



برگزار کنندگان مراسم دیدوبازدید ایرانیان در وست وود اعلام کرده اند که مانند هر سال شرکت در این مراسم بزرگ برای همه علاقمندان رایگان و آزاد است. در مراسم امسال هم علاوه بر برنامه های ویژه هنری، موسیقی و نمایش نمادهای ایرانی، غرفه هایی از موفق ترین صاحبان مشاغل ایرانی برپاست.

ملی ایرانیان لس آنجلس در روز یکشنبه ۲۷ مارچ ۲۰۲۲ از ساعت ۱۱ بامداد تا ۵ عصر در خیابان وست وود (پرژن اسکوئر) بین تقاطع های خیابان های ویلکینز تا اوهایو برگزار می شود. به گفته مقامات شهرداری لس آنجلس به دلیل برپایی این مراسم که تخمین زده می شود نزدیک به ۲۰ هزار نفر از آن بازدید کنند، تمهیدات ترافیکی ویژه ای در منطقه وست وود از سحرگاه روز ۲۷ مارچ تا پایان شب اعمال خواهد شد.

بار دیگر گردش زمین و زمان به لحظه تحویل سال نوی خورشیدی رسیده است و گردش ایام خبر از سالی جدید می دهد. ایرانیان لس آنجلس بر اساس رسمی فرخنده همه ساله در محله ایرانیان این شهر در بلوار وست وود گرد هم می آیند تا در بزرگترین گردهم آیی سالانه ایرانیان در خارج از کشور به دیدو بازدید نوروزی بپردازند. امسال نیز این رویداد مهم فرهنگی و